

متوان آموزشی طرح هجرت ۳۷

ره تو شه راهیان نور

ویره بوستان ناز

(دانش آموزان ابتدایی)

تابستان ۱۳۸۰

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

تعاونیت آموزش

مرکز آموزش مبلغین (طرح هجرت)

بوستان کیتب

اشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم ۱۳۸۰

ره توشه راهیان نور: ویره بوستان نماز (دانش آموزان ابتدایی)، تابستان ۱۳۸۰ / تهیه دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت آموزش [برای] مرکز آموزش مبلغین (طرح هجرت) .-
قم: بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۸۰، ۲۴۸، ۸ ص. : جدول، نمودار.- (بوستان کتاب قم؛ ۱۰۱۷، هشت آموزشی طرح هجرت؛ ۰۳۷).

ISBN: 964 - 424 - 959 - 3

ریال. ۷۵۰۰

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

پشت جلد لاتینی شده:

کتابنامه به صورت زیرنویس.

۱. اسلام- مسائل مقرفة. ۲. اسلام- به زبان ساده. ۳. کودکان- تعلیمات دینی.
الف. بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم). ب. دفتر تبلیغات
اسلامی حوزه علمیه قم. معاونت آموزش. مرکز آموزش مبلغین. ج. طرح هجرت،
تابستان ۱۳۸۰.

۲۹۷/۰۷

BP ۸/۵ ۹۶۸۳

□ مسلسل انتشار: ۱۶۸۹

ISBN: 964 - 424 - 959 - 3 / ۹۶۴ - ۲۲۴ - ۳/۹۵۹ - ۳

بوستان کتاب

انتشارات مبلغین اسلامی حوزه علمیه قم

ره توشه راهیان نور (تابستان ۱۳۸۰)
ویره بوستان نماز (دانش آموزان ابتدایی)

تهیه، ویرایش، حروف نگاری، صفحه آرایی و نمونه خوانی:
معاونت آموزش دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم،
مرکز آموزش مبلغین (طرح هجرت)
ناشر: بوستان کتاب قم
(انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی)
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپخانه دفتر تبلیغات اسلامی
نوبت چاپ: اوّل / ۱۳۸۰
شمارگان: ۸۰۰۰
بها: ۷۵۰ تومان

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

نشانی: قم، خیابان شهداء (صفانیه) بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)،
ص پ ۹۱۷، تلفن: ۰۷-۷۷۴۲۱۵۵، تایپ: ۷۷۴۲۱۵۴، پکش: ۷۷۴۲۲۴۶

1- http://www.hawzah.net/M/M.htm
2- http://www.balagh.org

E-mail: Bustan-e-Ketab@noornet.net

Printed in the Islamic Republic of Iran

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

حضرت امام خمینی ره :

فرهنگ مبدأ همه خوشبختی‌ها و بدباختی‌های
یک ملت است. خروج از فرهنگ بدآموز غربی
و نفوذ و جایگزین شدن فرهنگ آموزنده
اسلامی، ملی و انقلاب فرهنگی در تمام
زمینه‌ها در سطح کشور آنچنان محتاج
تلاش و کوشش است که برای تحقق آن
سالیان دراز باید زحمت کشید.

صحیفه نور

مقام معظم رهبری (مد ظله العالی):

سال ۸۰ هم باید سال امیر المؤمنین علیهم السلام

به حساب بیاید و شناخته شود. در این سال

تلاش کنیم رفتار و عملکردمان را به خصوص

در حوزه مسائل اجتماعی، و به طور اخص

در زمینه مسائل حکومتی به عملکرد

آن بزرگوار نزدیک کنیم.

از پیام نوروزی مقام معظم رهبری

فہرست مطالب

۱	مقدمہ
۵	اعتقادی
۹	دوستدار بندگان
۲۱	طبعیان مهریان
۳۵	خورشید پنهان
۴۵	تولدی دیگر
۵۱	قرآن
۵۵	عظمت قرآن
۶۷	شجاعت
۷۷	احترام والدین
۸۵	امتحان الہی
۹۳	علم و دانش
۱۰۱	اخلاق
۱۰۳	حسن خلق
۱۱۱	یاران
۱۱۹	سلام

هشت

رہ تو شہ را هیان نور

۱۲۹	خوبان و بدان
۱۳۵	احکام
۱۳۹	راه روشن
۱۴۷	آرامش دل
۱۵۷	پاکیزه و با حیا باشیم
۱۶۹	وضو
۱۷۷	سیره و رفتار علوی
۱۸۱	به خاطر نماز
۱۹۱	کار و تلاش
۲۰۳	همراه پیامبر ﷺ
۲۱۳	پدر مهریان
۲۲۵	همسفر
۲۳۵	قهرمان همیشه پیروز
۲۴۳	گلو اژدهای علوی

مقدمه

حمد و سپاس خدای عزوجل را که ما را قرین منت نمود و توفیق همراهی با خیل عظیم مبلغین معارف دین را در سالی که با عنوان «رفتار علوی علیهم السلام» از ابعاد گوناگون قابل تجزیه و تحلیل و الگوبرداری است، اما آنچه به رسالت مبلغان ربط پیدا می‌کند بعد «تبليغی - اجتماعی» این رفتار است که «طبیبانه بودن»، «عالمانه و آگاهانه بودن»، «جامع و حکيمانه بودن» و «دردمدنه و دلسوزانه» از جمله ویژگی‌های رفتار تبلیغی - اجتماعی آن مولا و مقتدای همه بشریت و همه مبلغان در طول تاریخ می‌باشد. به نظر تلاش نهادهای مقدس تبلیغ همچون «سازمان تبلیغات اسلامی» و «دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم» در بستر سازی تبلیغ کار آمد در سال‌های پس از انقلاب و به خصوص در مقطع حساس کنونی که انقلاب شکوهمند اسلامی ایران وارد دهه سوم خود شده است، باید برنامه‌ریزی خود را بر اساس این اصول قرار دهد تا زمینه تبلیغ صحیح، مناسب با نیازها و مشکلات روز جامعه به خصوص نسل جوان، همراه با نوآوری و ابتکار، را فراهم سازد.

اوقات فراغت تابستانی از جمله مهم‌ترین فرصت‌های تبلیغی به خصوص برای نسل نوجوان و جوان است که سال‌هاست هجرت راهیان نور برای تبیین معارف

قرآن و عترت با امر مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در این مقطع صورت می‌پذیرد و مرکز آموزش مبلغین با هماهنگی دونهاد مذکور و با بهره‌گیری از نظرات و پیشنهادات کارشناسان مربوطه به خصوصی شورای محترم برنامه ریزی و ارزیابی و اعظام مبلغ امر آموزش و تهیه متون آموزشی - تبلیغی را به عهده داشته است.

رہ توشہ راهیان نور برای مریان مقطع ابتدایی و نوجوانان و جوانان با همت محققان مرکز تربیت مریان کودکان و نوجوانان و کارشناسان مباحثت جوانان در محورهای اعتقادات، قرآن، اخلاق، احکام، تاریخ و سیره اهل بیت علیهم السلام با توجه به نیازهای متنوع نسل نوجوان و جوان و با عنایت به مناسبات‌های مختلف مقطع تابستان و با تأکید بر بهره‌گیری از سیره‌ی عملی مولی‌الموحدین امیرالمؤمنین علیهم السلام تدوین شده است ضمن اینکه عنایت خاصی به روحیه پرسش‌گری نوجوان و جوان دارد. لذا در ضمیمه مباحثت، با طرح سوالات و پاسخ‌ها پرداخته است. ویژگی این رہ توشہ، تنوع مطالب و برنامه‌های تبلیغی، عنایت به پرسش‌ها و پاسخ‌ها، تأکید بر سیره و رفتار علوی علیهم السلام، پرداختن به الگوهای با توجه به روحیه الگوپذیری نسل نوجوان و جوان می‌باشد.

ما خود اذعان داریم که تهیه متون مناسب بخشی از کار تبلیغ کارآمد است که سعی در رسیدن به آن داشته باشیم و داریم ولی شناخت زمان و مکان و اقتضاءات آن، مخاطب و نیازها، مشکلات و روحیات متنوع آنان، ابزارها و شیوه‌های مختلف تأثیرگذاری، آسیب‌ها و خطرات آشکار و پنهان در مسیر تبلیغ از عوامل مؤثر در کارآمدی و ناکارآمدی تبلیغ محسوب می‌شود که این مهم با اهتمام مبلغین و سفیران هدایت به امر آموزش حاصل خواهد شد، که مختصراً از نکات آموزشی در فصلی جداگانه تدوین شده و راهیان نور را توصیه به مطالعه دقیق این فصل می‌نماییم.

در اینجا لازم می‌دانیم از عنایت ویژه مقام معظم رهبری (مدظله العالی) نسبت به هجرت طلاب در مقطع تبلیغی و به صورت یک و یا دو ساله و مساعدت‌های حوزه مقدسه علمیه قم، سازمان تبلیغات اسلامی و دفتر تبلیغات اسلامی در بستر سازی نسبت به هجرت مبلغان و همه عزیزانی که در تهیه این ره توشه ما را یاری نموده‌اند و به ویژه مدیر مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوان حجۃ‌الاسلام آقای محمد حسن راستگو و همکاران ایشان که کار تدوین دو جلد ره توشه راهیان نور ویژه مقطع دانش‌آموزان ابتدایی و نوجوان را با مدیریت حجۃ‌الاسلام محمد‌هادی شهیدی و حقیقت به عهده داشته و حجۃ‌الاسلام آقایان محمد باقر پور‌امینی، سید محمد جواد نجفی، سید حسن میر‌حسینی، سید محمد جواد فاضلیان، سعید عطاریان، محمد مهدی ماندگار و دیگر عزیزانی که در تدوین ره توشه ویژه جوانان، همکاری جدی داشتند، کمال تشکر را داشته باشیم.

آن چه بر توفیق این مجموع می‌افزاید راهنمایی‌ها، پیشنهادات، انتقادات و طرح ایده‌های نو از جانب همه دلسوزان امر مقدس تبلیغ به خصوص در مورد تبلیغ نوجوانان و جوانان می‌باشد که دست نیاز به سوی هر همکاری خالصانه دراز می‌کنیم و خود را مصون از اشتباه و خطأ نمی‌دانیم.

مرکز آموزش مبلغین

(طرح هجرت)

اعتقادي

نام درسی

محمد حسین مهر علیان

دوس்தدار بندگان

موضوع

عقاید

هدف کلی

در این درس دانشآموزان با صفت «مهربانی خداوند» آشنا می‌شوند.

اهداف جزئی

دانشآموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند:

۱. مقایسه پیش از اینواع مهرپاکی.

۲. شناخت مهرپاکی ترین موجودات.

۳. محبت مخصوص خدا نسبت به بعضی از انسانها.

هدف رفتاری (خره‌چی)

انتظار می‌رود پس از این درس دانشآموزان بتوانند با مقایسه بین مهربانی‌ها، خداوند را به عنوان مهربانترین موجود معرفی کنند و نیز توضیح دهند که خداوند چه انسان‌هایی را بیشتر از دیگران دوست دارد.

روش‌های مناسب تدریس

۱. توضیحی ۲. فعال (پرسش و پاسخ، تصویر، شعر، داستان، مسابقه)

رسانه‌های آموزشی

تصویر، گچ و تخته، کارت

جعیت‌گرانی

به نام خداوند رنگین کمان خداوند بخشندۀ مهربان

دانشآموزان عزیز، سلام! امیدوارم حال همه‌ی شما خوب باشد و سرحال و آماده برای شروع برنامه باشید. برنامه را با دو معما شروع می‌کنم. تا ببینم حواس‌ها جمع است یا خیر!

نقشه (۱)

آن چیست که تو را نمی‌کند؟

سلام

آن چیست که رودتر از پیچه پا ادب وارد مخانه می‌شود؟

آفرین! معلوم شد که حواس‌ها جمع است، حالا از دو نفری که جواب معما را گفتند خواهش می‌کنم برای اجرای یک مسابقه پای تخته بیایند. مسابقه‌ی ما ۴ مرحله و هر مرحله امتیاز خاصی دارد. در پایان مسابقه نیز هر کدام که امتیاز بیشتری کسب کردید، برنده‌ی ما خواهد بود، البته مراحل مسابقه مشکل نیست و تنها با کمی دقت می‌توانید جواب‌ها را تند و سریع بگویید. حالا از دو نفر شرکت‌کننده می‌خواهیم خودشان را معرفی کنند، نفر اول:..... نفر

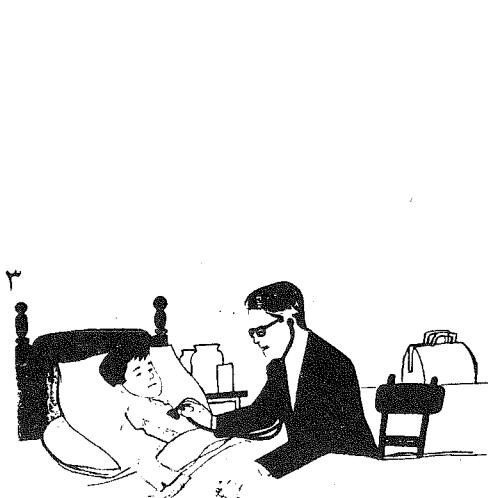
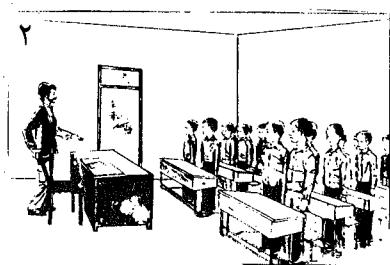
دوم:...

و اما مرحله‌ی اول مسابقه: «ببین و به خاطر بسپار»

در این مرحله من ۴ تصویر به شما نشان می‌دهم و شما یک دقیقه فرصت دارید تا خوب به تصویرها نگاه کنید. بعد از یک دقیقه من تصویرها را برمی‌دارم و شما

۱- که اگر از تو یک نقطه برداریم، نو می‌شود

باید بگویید چه تصویرهایی دیده اید. (۱) پس خوب نگاه کنید، در ضمن مرحله‌ی اول ۲۰ امتیاز دارد که با توضیح هر تصویر ۵ امتیاز می‌گیرید.



۱- در این مرحله مربی بعد از نشان دادن تصاویر کاغذهایی را به هر دو نفر می‌دهد تا بنویسنند که چه تصویرهایی را دیده‌اند، ضمناً در هر مرحله نفر اول یعنی کسی که زودتر به پاسخ رسید، امتیاز کامل و نفر دوم نصف امتیاز را کسب می‌کند.

آفرین! حالا آماده می‌شویم تا مرحله‌ی دوم مسابقه را در خدمت عزیزان باشیم. مرحله‌ی دوم مسابقه ما به این گونه است: شما باید در این تصاویر^(۱) به یک نوع رفتاری که بین این شخصیت‌ها وجود دارد، اشاره کنید، حدس بزنید. بله! باید بگویید رفتار مشترکی که در این تصاویر مورد نظر ماست، چیست؟ بعد از این که رفتار مورد نظر را حدس زدید، برای ما در برگه‌ی مقابل خودتان بنویسید. این مرحله هم ۱۰ امتیاز دارد و ۲ دقیقه زمان برای آن در نظر گرفته‌ایم. شما دانش آموزان عزیز که شاهد مسابقه‌ی امروز ما هستید می‌توانید در این مورد خوب فکر کنید تا اگر دوستانتان جواب ندادند، شما پاسخ صحیح را بگویید و مورد تشویق قرار بگیرید.

بله! کاملاً درست جواب دادید. مهریانی، وجه مشترک همه‌ی این تصاویر است. هر کدام از این تصاویر، انسان‌های مهریانی را نشان می‌دهند که به دیگران مهریانی می‌کنند، تصویر ۱: «پدر و مادر و مادر بزرگ مهریان» را نشان می‌دهد که با مهریانی بچه‌هایشان را تربیت می‌کنند و برایشان غذا فراهم می‌کنند، حتماً تا به حال با قصه‌های یک مادر بزرگ خوب و مهریان آشنا شده‌اید.

تصویر ۲: «معلم مهریان» است که مثل یک شمع می‌سوزد به دانش آموزان علم می‌آموزد.

تصویر ۳: «مربوط به یک پزشک مهریان» است که با مهریانی بیمار خود را

۱- مربی در این مرحله تصاویر را به طرف همه‌ی دانش آموزان بگیرد و مسابقه را توضیح دهد تا درس به صورت فعلی دنبال شود.

معالجه می کند.

تصویر ۴: «در مورد پیامبر مهربانی» است که با همه مردم، مخصوصاً با بچه ها خیلی مهربان است و با آنها به بازی مشغول است.

شما هم می توانید با کمی فکر به جلوه های دیگری از مهربانی بررسید.

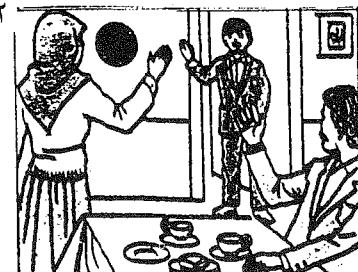
خوب! با تشکر از شما عزیزان که خوب توانستید مرحله‌ی دوم مسابقه ما را پشت سر بگذارید، اکنون وارد مرحله‌ی سوم می شویم. در این مرحله من به هر کدام از شما یک دسته کارت تصویری می دهم که این کارت تصویرها را کلاس سومی ها خوب می شناسند، چون در کتاب درسی آنها چاپ شده است. شما باید داستان کوتاهی از این تصاویر برای ما بازگو کنید. دقت کنید که تصویرها به ترتیب

پشت سر هم قرار بگیرد. دسته‌ی اول:

۱



۲



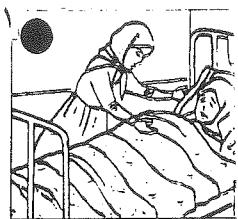
۳



۴



دسته‌ی دوم:



آفرین! حالا به مرحله‌ی چهارم مسابقه می‌رسیم. همین کارت تصویرها را اگر برگردانید، حرف‌هایی را پشت آن‌ها خواهید دید. اگر این حرف‌ها را به ترتیب کنار هم قرار دهید دو کلمه به دست می‌آید که جواب سؤال مرحله‌ی چهارم است. یعنی این همه مهریانی «محبت کردن» را چه کسی به انسان‌ها یاد داده است. (۱)

بان

ای

مهر

خد

۱- مربی پشت هر دسته کارت تصویر، حرف‌های جدا شده مهریان را به ترتیبی که در بالا آورده شده است، بنویسد و از بجهه‌ها بخواهد آن را با کنار هم قرار دادن کارت‌ها به دست آورند، ضمناً باید به ترتیب تصویرهای داستان نباشد تا زود به پیام نرسند.

شما یک دقیقه زمان دارید تا این کلمات را به ترتیب کنار هم قرار دهید.
 شما حاضران عزیز هم با گفتن: «سریع‌تر، سریع‌تر، هر په سریع‌تر بهتر»
 دوستانتان را تشویق کنید. این مرحله ۲۰ امتیاز دارد، حالا هر دو با هم شروع کنید.
 آفرین! پشت کارت‌ها کلمه‌ی **«福德ای مهربان»** نوشته شده است؛ او که
 مهربانی کردن را به انسان‌ها آموخت و به ما چشم و گوش و دست و پا و زبان و...
 بخشدید. راستی! می‌خواهید بدانید مهربانی خدا نسبت به ما به چه اندازه است؛
 پس گوش کنید تا داستانی را برایتان نقل کنم.

روزی شخصی از بیابان به سوی مدینه می‌آمد. در راه به لانه‌ی پرنده‌ای رسید.
 لحظه‌ای به فکر فرو رفت و با خودش گفت: «این جوجه‌های پرنده را به مدینه
 می‌برم و به پیامبر ﷺ هدیه می‌کنم.»

با همین فکر به سراغ لانه‌ی پرنده رفت. جوجه‌ها را از لانه بیرون آورد و به طرف
 مدینه به راه افتاد. هر لحظه که مرد به مدینه نزدیک و نزدیک‌تر می‌شد، صدای
 جوجه‌ها نیز بلندتر می‌شد، انگار کسی را صدا می‌زدند یا گرسنه بودند و غذا
 می‌خواستند. مرد نگاهی به گنجشک‌ها انداخت، تبسیمی کرد و گفت: «با این کار
 رسول خدام ﷺ را خوشحال می‌کنم و لبخند زیبایش را می‌بینم.»

او همچنان به راه خود ادامه داد تا آن‌که به دروازه‌ی شهر مدینه رسید. از دروازه
 گذشت و وارد شهر شد. مرد که می‌دانست باید پیامبر ﷺ را در کجا جست و جو
 کند به طرف آن محل به راه افتاد. از دور جمعی را می‌دید که چون پروانه دور
 پیامبر ﷺ حلقه زده و با حضرت به گفت و گو مشغول بودند. بالاخره او به جمع

آنها رسید و با صدای بلند به همهی حاضران سلام کرد. پیامبر ﷺ سلامش را جواب داد و او پیش آمد و جوجه‌ها را به عنوان هدیه تقدیم کرد. در همین زمان بود که پرنده‌بی آن که از اطرافیان پیامبر وحشتی داشته باشد، خود را به جوجه‌ها رساند و خودش را روی آنها انداخت، جوجه‌ها نیز با دیدن او سروصدا به راه انداختند. معلوم شد که او مادر جوجه هاست و محبت و علاقه‌اش به جوجه‌ها چنان بود که به دنبال جوجه‌هاش آن شخص را تامدینه تعقیب کرده و حالا بدون وحشت از جمعیت، خودرا به آنها رسانده است.

پیامبر ﷺ مدتی به حاضران نگاهی کرد و بعد فرمود: «این محبت مادر را نسبت به جوجه‌هاش درک کردید، ولی یدانید خداوند هزار برابر این مادر نسبت به بندگانش محبت و علاقه دارد.»^(۱)

عزیزان من! خداوند مهریان همهی این نعمت‌ها را برای ما آفریده است و دوست دارد ضمن استفاده از این نعمت‌ها به دیگران نیز کمک کنیم. می‌خواهم برایتان شعری با نام «آمید بچه‌ها» از یکی از شعرای کشورمان به نام آقای حمید هنرجو؛ بخوانم. شما هم بعد از هر ۲ بیت دو بار تکرار کنید «ای خدای خوب و

مهریان»:

خدای خوب و آشنا	خدا خدای مهریان
خدای این ستاره‌ها	خدای ماهتاب و شب
خدای خوب و مهریان	

۱- محمد محمدی اشتهرادی: «داستان‌ها و پندها»، انتشارات پیام آزادی، تهران، ۱۳۶۵، ج. ۱، ج. ۵، ص ۱۱۲.

به این پرندها توبی	کسی که بال می‌دهد
زبان جوچ را توبی	کسی که باز می‌کند
خدای خوب و مهریان	
به بچه‌ها خدا توبی	کسی که می‌کند کمک
امید بچه‌ها توبی	خدای خوب و مهریان
خدای خوب و مهریان	

«مهریانی» به معنای «دوست داشتن» نیز می‌باشد، آیامی دانید خداوند پچه کسانی را دوست دارد و په پچه کسانی بیشتر علاقه دارد؟
دوست دارید پاچند گروه از آن‌ها آشنی شوید؟

اگر در جمله‌های زیر جاهای خالی را پر کنید، با آن‌ها آشنا خواهید شد.

۱- خداوند انسان‌هایی را که کارهای انجام می‌دهند، دوست دارد^(۱)

۲- خداوند انسان‌هایی را که گزاری کنند، دوست دارد.^(۲)

۳- خداوند انسان‌هایی را که در نماز می‌خوانند، دوست دارد^(۳)

اگر جدول را حل کنید، به این کلمات دست پیدا می‌کنید و می‌فهمید که خداوند چه کسانی را بیشتر دوست دارد. من جدول را می‌کشم تا شما هم در دفتر خود آن را بکشید و سوالات جدول را می‌نویسم تا وقتی شما به منزل رفته با حل آن به پیام‌ها

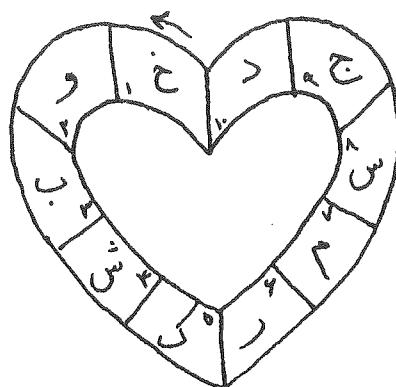
۱- بقره، ۱۹۵ (إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ)

۲- محمد محمدی ری شهری: «میزان الحکمه»، دارالحدیث، قم ۱۳۷۷، ج ۱، ج ۱، ص ۵۰۵، ح ۳۱۰۹. إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ كُلَّ عَبْدٍ شَكُورًّا

۳- توبه، ۱۰۴: لَا تَقُولْ فِيهِ أَبَدًا لَمْسِجِدٌ أَسْسَنَ...» با استفاده از مضمون آیه.

بررسید.

حالا می‌توانید سوالات را بنویسید. من شماره‌های هر حرفی را که قرار است در آن خانه نوشته شود می‌نویسم. اگر شما به سوالات جواب دهید، به پیام خواهید رسید. (۱)



- ۱- کسی که برای مددووند شدیک قائل می‌شود: (۵، ۶، ۷) (مشترک)
 - ۲- حرف اول و آخر در کلمه «خرید»: (خ - د) (۱۰، ۱)
 - ۳- انداره گیری پا دست و اندکستان: (۳، ۹، ۲) (وجب)
 - ۴- من چیستم «در سنگ اولم، در مسن دوم، در پیست سومم و در کلاس چهارم؛ س خدا یار و نگهدار همه‌ی شما
-
- ۱- پیام جدول سه کلمه‌ی (خوب، شکر، مسجد) است.

نام درس

سید محمد رضا فیاضی

طبیبان مهریان

موضوع

عقاید

هدف کلی

دانشآموزان در این درس با برخی از وظایف پیامبران الهی آشنا می‌شوند.

اهداف جویی

دانشآموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند:

۱. وظایف پیامبران الهی.

۲. دلسوز بودن پیامبران الهی.

۳. انجام کامل این وظایف از طرف پیامبران الهی.

هدف رفتاری (خروچی)

انتظار می‌رود پایه‌ی اعتقادی دانشآموزان نسبت به انبیاء محکم‌تر شود و دلسوز بودن پیامبران الهی برای آنان قابل درک باشد.

روئن‌های مناسب تدریس

۱. توضیحی ۲. فعال (پرسش و پاسخ، تصویر، شعر، داستان، مسابقه)

رسانه‌های آموزشی

تصویر، گچ و تخته، کارت

طیبستان مهرجان

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام عليكم!.... اميدوارم که هميشه سالم و سرحال باشيد و هيچ وقت مریض نشويد، ولی اگر هم مریض شدید، زياد نترسید، بلکه به دکتر مراجعه کنيد و يك بول درست حسابي به عنوان حق ويزيت از جيب مبارک پدر پرداخت کنيد تا دفعه‌ي بعد نيز مواظب خود باشيد.

راستي! گاملا فکر کرده‌اید که اگر پزشك نپود، چه می‌شود؟ ... ميكروب‌ها و ويروس‌ها و... به جان مردم می‌افتدند و آن وقت بچه و بزرگ، زن و مرد و... همه می‌مردند. برای همين است که دانشگاه‌های پزشكى همه ساله تعدادي پزشك تربیت می‌کنند تا هم از مریضی، جلوگیری کنند و هم مردم را درمان کنند.

پيک سؤال: آپ شما فرق پيشگيري با درمان را می‌دانید؟^(۱) بچه‌ها! باید هميشه يادمان باشد که وقتی مریض شدیم، حتماً به پزشك مراجعه کنیم و خود درمانی نکنیم. چون خود درمانی ممکن است برای ما يك استراحت ابدی در پی داشته باشد. در ضمن وقتی هم می‌خواهیم به دکتر مراجعه کنیم، پيش هر پزشكى نرویم، بلکه باید اول در باره‌ی تخصص و علم و تجربه‌ی او و... تحقیق

۱- مربي به دانشآموزان فرصت بدهد تا بعد از فکر کردن جواب دهند و اگر نتوانستند خود بيان کند.

کنیم و بعد پزشک خود را انتخاب کنیم، نه مثل این مریض! کدام مریض؟ پس گوش کنید تا بدانید.

نقل می‌کنند که مردی پیش طبیبی رفت و از درد دل شکایت کرد و گفت: «آخ دلم، آخ دلم!...»

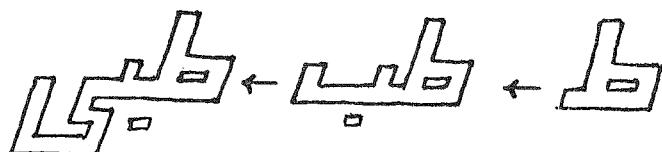
پزشک از او پرسید: «مگر چه خورده‌ای؟»

مریض گفت: «گوشت گاو و تخم مرغ و ماهی.»

طبیب گفت: «بین اگر از این مرض هلاک شدی و مُردی که چه بهتر و گرن خودت را از پشت بام به پایین بینداز، حتماً راحت می‌شوی!!»

حالا من چیزی روی تابلو به صورت مرحله‌ای می‌نویسم که همه‌ی شما با آن آشنایید.

(۱) این شکل چه صرفی است؟

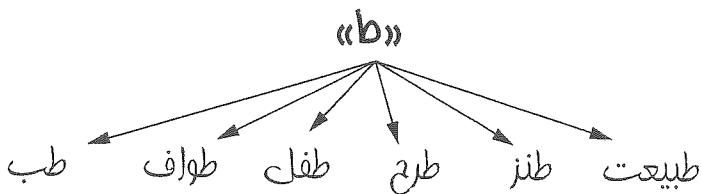


شکل حرف «ط»

آیا می‌دانید «ط» اول چه کلماتِ مُحْوِي است؟

۱- مریبی با خط فانتزی مرحله به مرحله از «ط - طب - طبی - طبیب» کلمه مورد نظر را مریبی کامل کند و در نهایت کلمات جدول را داخل جدول طبیب بنویسد.

آیا می‌توانید با هر کدام جمله‌ای پسازید؟



۱- طبیعت ط طبیعت زیباست.

۲- طنز ط مؤمن گاهی طنز می‌گوید. (ولی باید مواطن باشیم که شخصیت

دیگران خُردنشود.)

۳- طرح ط بچه‌های موفق برای همه‌ی کارهای خود طرح دارند و بدون برنامه کاری انجام نمی‌دهند.

۴- طفل ط اسلام به پدر و مادر سفارش کرده مراقب طفل خود باشند.

۵- طوف ط خدایا! طوف خانه‌ات را نصیب ما بفرما.

۶- طب ط طب خدمات‌های زیادی به بشر کرده است.

خب، حالا «طبی»^(۱)

به وسائل پزشکی و داروهایی که با دستور پزشک به کار می‌رود «داروی طبی و وسائل طبی» می‌گویند.

آیا می‌توانید نام پرخی از آن‌ها را پیگویید؟

آفرين! کفش طبی، گردنبند طبی، عینک طبی، صابون طبی و...

حالا من یک «پ» به آخر کلمه «طبی» اضافه می‌کنم مچه می‌شود؟

«طبیب»

۱- اگر به آخر کلمه «طب» حرف «ی» را اضافه کنیم چه به دست می‌آید؟

پزشک واقعی یک انسان دانشمند و خدمتگزار است که شب و نصف شب بر بالین مريض‌ها حاضر می‌شود و آن‌ها را از خطر و درد بيماري نجات می‌دهد و در بسیاری وقت‌ها حتی سلامتی خود را به خطر می‌اندازد تا بيماري را نجات بدهد! آیا می‌دانید که پزشکان از تقدیر تحصص چند دسته‌اند؟^(۱)

این‌ها که گفتید درست است، اما طبق یک تقسیم بنندی دیگر پزشکان دو

دسته‌اند:

۱- پزشکان جسم و بدن: (دست، پا، چشم، گوش، معده و...)

۲- پزشکان روح و روان: (روانپزشک و...)

چرا؟ چون دردها دو دسته‌اند: دردهای جسمی و دردهای روحی.

چند درد و مرض مخصوصی را پیگویید؟

بله! زخم معده، سنگ کلیه، تنگی نفس، سردرد، دندان درد و...

چند درد و مرض روحی را پیگویید؟

افسردگی، غرور، حسد، ظلم به دیگران (اذیت دیگران)، بددهنی، تبلی، زنده به گور کردن دختران، قتل و تجاوز و...

بله! با این صفات بد، روح و روان انسان مريض می‌شود و انسان ناچار می‌شود

به پزشک روح مراجعه کند.

چه کسی می‌تواند پزشک روح پاشد؟

کسی که خودش از نظر روحی و روانی کاملاً سالم باشد.

۱- مری متنظر می‌ماند تا دانش آموزان جواب هایی را بیان دارند و خود چند نمونه را ذکر می‌نماید.

چه کسی می‌تواند حسد را درمان کند؟
کسی که خودش حسود.....

چه کسی می‌تواند غرور را درمان کند؟
کسی که خودش غرور.....

چه کسی می‌تواند چلوی ظلم را پیگیرد؟
کسی که خودش ظالم.....

چه کسی می‌تواند افسردگی را درمان کند؟
کسی که خودش افسرده.....

آیا آدم‌های حسود، مغدور، ظالم و... می‌توانند این مرض‌ها را درمان کنند؟
نه! به! قول آن شاعر: «کل» اگر طبیب بودی سر خود دوا نمودی

خداآنده مهریان برای درمان این بیماری‌های روحی و روانی و حتی جسمی
پزشکانی را فرستاده است که خود آن‌ها هیچ گونه بیماری جسمی و روحی ندارند،
دردها راخوب می‌شناسند و راه درمانش را هم می‌دانند.

آیا می‌دانید آن‌ها چه کسانی‌اند؟
آفرین! پیغمبران پزشکان واقعی‌اند. حضرت علی علیه السلام در باره‌ی پیغمبر
اسلام علیه السلام فرمود: «طَبِيبٌ دَوَارُ بَطْيَهٌ»

چه کسی می‌تواند آن را معنی کند؟
خیلی آسان است. طبیب که به معنای
پزشک و دکتر است.

(ما) دوار یعنی چه؟
از دور زدن، دور دادن و گردانیدن است.

محظوظ حالا چه کسی می‌تواند معنی حدیث را پیگوید؟
بله! پیامبر اکرم علیه السلام پزشکی بود که خود به دنبال بیماران می‌گشت و آن‌ها را
معالجه می‌کرد. آفرین برخودم که درست گفتم! خوب این را که نگفتید^(۱)

۱- اگر بچه‌ها جواب دادند آن‌ها تشویق شوند.

پس به یک سؤال دیگر جواب دهید:

کدام پیامبر پود که کور را شفای می داد و مردہ را زنده می کرد؟ حضرت عیسیٰ ﷺ
البته همه‌ی پیامبران طبیبان دلسوز بودند و دردها و بیماری‌هایی مهم‌تر از کوری
چشم را شفا می دادند.

آیا فرعون که به مردم ظلم می کرد سالم پود یا مریض، چه مرضی داشت و پزشک او چه
کسی پود؟

بله! مرضی روحی داشت و حضرت موسی ﷺ پزشک او بود. چرا به راه راست
هدایت نشد؟^(۱)

زیرا به دستور پزشک مهریان خود عمل نکرد و در نتیجه.....
حضرت ابراهیم ﷺ برای معالجه چه کسانی برانگیخته شد؟ نمرود و قوم او.

آنها به چه مرضی مبتلا بودند؟
آنها عوض این که به دستورات پزشک مهریان خود عمل کنند، چه کردند؟
یک آتش سوزان آماده کردند و آن حضرت را در آن انداختند.

آیا با طبیب باید این گونه رفتار کرد؟
اگر مریضی نزد پزشک نرودیا اگر رفت به نسخه‌ی او عمل نکند، به چه کسی
ضرر زده است؟

البته کسانی هم بودند که با عمل به دستور این پزشکان به مداوای خود

۱- مریض اجازه بدهد تا دانش آموزان جواب بدهند و خود در صورت نیاز پاسخ آنان را اصلاح یا تکمیل کند.

پرداختند و سرانجام هدایت شدند.^(۱)

آیا می‌دانید پیامبران از چه راه‌هایی بیماری‌های روحی و روانی را معالجه می‌کردند؟

اگر جدول زیر را با هم حل کنیم^(۲) به بعضی از این راه‌ها پی خواهیم برد.

با حروف داخل جدول به کلمات زیبایی می‌رسیم که برخی از وظایف پیامبران را نشان می‌دهد و آن‌ها این وظایف را انجام می‌دادند، باهم بشمارید... چه کلماتی به دست آمد:

۱- «تریت»: پیامبران با عمل و گفتار خود مردم را تربیت می‌کردند و خود بهترین الگو بودند.

۲- «اتحاد»: بین مردم آلفت و یک دلی برقرار می‌کردند و نزاع‌ها و اختلافات را از

۱- مریم می‌تواند این سؤال را به عنوان کار در خانه از بچه‌ها بخواهد تا جواب دهند: فرق پرشکان معمولی که جسم و روح ما را معالجه می‌کنند با پیامبران الهی که طبیبان واقعی هستند، چیست؟

۲- برای حل جدول حروف خانه‌های جدول را به ترتیب طبق شماره‌های آن پشت سر هم می‌نویسیم و با رمز ۳ می‌شماریم تا کلمات مورد نظر کلمات بدست آمده و در تابلو بنویسیم.

بین می برند.

۳- «تعلیم»: راه و روش زندگی و استفاده‌ی صحیح از نعمت‌ها را به مردم می‌دادند.

۴- «عدل»: بین مردم به عدالت رفتار می‌کردند.

۵- «خداشناسی»: جامعه را با خدا آشنا می‌کردند، زیرا اگر کسی خدا را واقعاً بشناسد دیگر خطأ و ظلمی نمی‌کند.

خوب بچه‌ها! حالاً نوبت چیست؟
داستان، خوب گوش کنید:

ابوسفیان ^(۱) پسر عمومی پیامبر ﷺ، هم سن او بود. او قبل از نبوت پیامبر ﷺ بسیار به پیامبر علاقه‌مند بود، ولی بعد از آن که پیامبر ﷺ به نبوت مبعوث شد و اظهار پیامبری کرد، از دشمنان آن حضرت ﷺ شد و از ابراز هیچ نوع آزار و دشمنی علیه حضرت کوتاهی نکرد تا آن که بعد از سال‌ها مسلمانان قدرتی پیدا کردند و برای فتح مگه آمدند. ابوسفیان همراه عبدالله بن امیه، خود را به سرزمین «نیق» که در نزدیک مکه بود و سپاه اسلام در آن جا استقرار داشتند، رساند و اجازه طلبید که با همراهان به حضور پیامبر اکرم ﷺ برسند.

پیامبر ﷺ نخست اجازه نداد، ام سلمه (همسر پیامبر ﷺ) واسطه شد و از پیامبر خواست اجازه بدهد و عرض کرد: «ای رسول خدا! پسر عمومی تو (ابوسفیان) و پسرعمه‌ی تو (عبدالله) که برادر همسرتان نیز هست اجازه می‌خواهند، لطفاً اجازه بدھید!»

۱- ابوسفیان بن حرث منظور است، نه ابوسفیان بن حرب پدر معاویه.

حضرت ﷺ فرمود: «من نیازی به آن‌ها ندارم! آن‌ها در آغاز اسلام سرسختانه در مقابل دعوت من، کارشکنی کردند...»

ام سلمه مطلب را به آن‌ها گفت، و آن‌ها دریافتند که پیامبر ﷺ اجازه نمی‌دهد.
ابوسفیان که پسر کوچکش نیز همراهش بود، بسیار ناراحت شد و گفت: «سوگند
به خدا! یا باید اجازه دهد یا این که این پسرم را چنان به زمین می‌کویم که تشهه و
گرسنه جان بدهد!»

وقتی این خبر به رسول خدا ﷺ رسید، مهر و محبتش به جوش آمد و نسبت به آن‌ها که سال‌ها در راه دعوت آن حضرت ﷺ کارشکنی کرده بودند، لطف کرد و اجازه‌ی ورود داد، به این ترتیب آن‌ها به حضور پیامبر ﷺ رسیدند و اظهار اسلام کردند.

ابوسفیان از آن پس مسلمانی واقعی و مخلص شد و به قدری نسبت به گناهان سابق خود، پشیمان بود که وقتی پیامبر ﷺ را می‌دید از شدت شرمندگی، سرش را پایین می‌انداخت. او اشعاری را که قبلًاً در سرزنش رسول خدا ﷺ گفته بود، با سروden اشعار دیگری جبران کرد و از حضرت ﷺ عذرخواهی نمود و آن چنان در مکتب اسلام پرورش یافت که هیچ ترسی از مرگ نداشت و سه روز قبل از مرگ آماده‌ی مردن شد.^(۱)

در آخر اگر خسته شده‌اید از دوست عزیzman می‌خواهیم شعر زیبایی را که آماده

۱- محمدی اشتهرادی: «دانسته‌ها و پندها»، دفتر تبلیغات، چ پنجم، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۳۵.

کرده است^(۱) برای ما بخواند، بفرمایید:

نسخه‌ای از نور

کوچه‌های مدینه می‌دانند

که تویی مهربان ترین عابر

تو که تا می‌رسی به رهگذران

بر لبیت می‌شود گلی ظاهر

کودکان مثل شاپرک‌هایی

گل روی تو را که می‌بینند

بال و پر می‌زنند با شادی

تا سر شانه‌ی تو بشینند

تو طبیب تمام دل هایی

که به دنبال درد می‌گردی

توی دست تو نسخه‌ای از نور

که شفا می‌دهد به هر دردی

تو بهاری که از زمین دلت

۱- مریم از قبل یکی از دانش‌آموزان را برای اجرای این شعر آماده کند.

چشممه‌های زلال می‌جوشند
تشنگان تشنه تشنه می‌آیند
از صفاتی دل تو می‌نوشند

سخنان تو مثل خورشید است
روشنی بخش خانه‌ی دل‌هاست
عطر خوشبوی نام نیکویت
آشنای تمام محفل‌هاست

«محمد عزیزی (نسیم)»^(۱)

۱- حسین حداد: «نان و پروانه», محراب قلم, تهران, ۱۳۷۷, ص ۱۷۷.

نام درس

محمد حسین مهر علیان

خورشید پنهان

موضوع

عقاید

هدف کلی

دانشآموزان در این درس با غیبت امام زمان (عج)، علل و دوران غیبت آن
حضرت(عج) آشنایی شوند.

اهداف جزئی

دانشآموزان در این درس با موارد زیر آشنایی شوند:

۱. غیبت امام رمان (عج)
۲. دوران غیبت.
۳. علل غیبت.
۴. وظیفه‌ی انسان در دوران غیبت.

هدف رفتاری (خروجی)

انتظار می‌رود که در پایان درس، دانشآموزان بتوانند علل غیبت امام زمان (عج)
را توضیح دهند و دوران غیبت او را بر شمرده و وظیفه‌ای از وظایف خودشان را در
زمان غیبت بازگو کنند.

روش‌های مناسب تدریس

۱. توضیحی ۲. فعال (پرسش و پاسخ، حرف اول و آخر، مطقالاتی، شعر و داستان)

رسانه‌های آموزشی

تخته سیاه و گنج

خودرسیدنگان

به نام خداوند بخشنده و مهریان

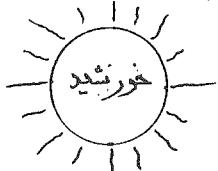
خدمت همه‌ی شما عزیزان سلام عرض می‌کنم و امیدوارم سر حال و آماده باشید تا برنامه‌ی خودمان را آغاز کنیم. سؤالاتی از شما عزیزان می‌پرسم و کلماتی را که جواب دادید در تابلو می‌نویسم، اما سؤال‌ها:

- | | |
|------|---|
| خالق | - آفریننده و خلق کننده راچه می‌گویند؟ |
| وحدت | ۲- همبستگی و پاهم پودن راچه می‌گویند؟ |
| رهبر | ۳- هدایت کننده‌ی چامعه راچه می‌گویند؟ |
| شیعه | ۴- کسانی که په‌مامتن امام علی علیهم السلام فرزندش اعتقاد دارند، په‌نام دارند؟ |
| یاد | ۵- آن چیست که اگر گاری را به آن وصل کنیم، «یادگاری» می‌شود؟ |
| دریا | ۶- قطره قطره چمع گردد و آنگهی په شود؟ |

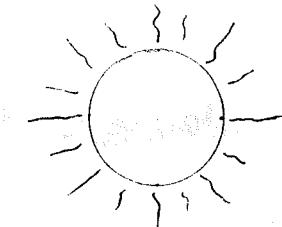
خوب عزیزان! من به کمک شما عکلمه این جا نوشته‌ام که پیامی بین این کلمات

وجود دارد. ببینیم کدام یک از شما می‌تواند سریع این پیام را به من بگوید.^(۱)

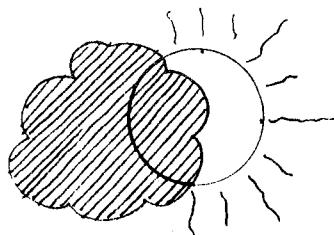
پیام کلمات این است:^(۲)



-
- ۱- اگر دانش‌آموزان نتوانستند پیام را حدس بزنند مریبی با این جمله آنها را راهنمایی می‌کند: «اگر حروف اول کلمه‌ها را به ترتیب کنار هم قرار دهید. از بالا به پایین پیام ما به دست خواهد آمد.
- ۲- مریبی یک دایره بکشد و با خطوط اطراف آن را کامل کند. کلمه‌ی خورشید را هم داخل تصویر بنویسد.»

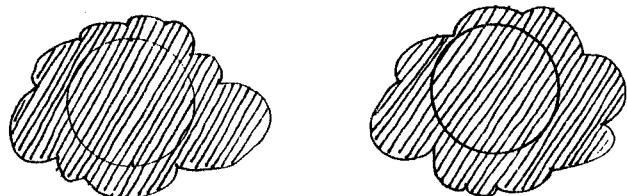


آیا تا به حال دیده اید که ابرهایی روی خورشید را بگیرند؟ من مراحل رفتن خورشید به زیر ابر و خارج شدن آن را طی ۴ مرحله می‌کشم و تصویر را کامل می‌کنم.



گاهی صورت خورشید زیبا را هیچ چیز نپوشانده است و او می‌تواند با نورش به طور مستقیم همهی موجودات را نوازش دهد و موجب رشدشان گردد.
گاهی تکه ابری قسمتی از صورت زیبای خورشید را می‌پوشاند؛ اما باز هم نور خورشید به طور مستقیم به قسمت هایی از زمین می‌تابد.

گاهی هم همین خورشید زیبا در چنین وضعیتی قرار می‌گیرد،



همه‌ی صورت زیبای آن را ابر می‌گیرد. حالا می‌خواهم از شما سؤال کنم آیا باز
هم خورشید پر نور می‌تواند قایده‌ای پدای ما داشته باشد یا نه؟
بله

با این که خورشید نورانی زیر ابر قرار می‌گیرد، اما هنوز هم خواص بسیاری دارد،
مثلاً باز هم گرمای خود را از پشت ابرها به زمین هدیه می‌کند و این که باز هم
درختان و حیوانات می‌توانند از نورهایی که به طور واضح دیده نمی‌شوند برای
رشد و ادامه‌ی زندگی خود استفاده کنند، چون در بعضی از نقاط کره‌ی زمین مثل
قطب‌ها شاید خورشید را ماه‌ها نبینند. اما همان جا هم حیوانات و گیاهان به زندگی
خود ادامه می‌دهند و از نور و گرمای خورشید مهریان بهره می‌برند. این را هم
می‌دانیم، روزهایی که خورشید پشت ابراست، هوای گرم‌تر از شب است که خورشید
در آسمان نیست.^(۱)

حالا بعد از این که ابرها کنار رفته‌اند باز خورشید مهریان ما تمام صورت خود را به
مردم نشان می‌دهد و باز به طور مستقیم نورش را به زمین می‌تاباند و به روی همه‌ی
موجودات دویاره لبخند می‌زند.

بله عزیزان! در طول تاریخ، بعد از پیامبر اکرم ﷺ افرادی بوده‌اند که
خورشیدهای هدایت برای مردم شده‌اند.

امامان علیهم السلام

● آن‌ها چه کسانی هستند؟

۱۲

● آن‌ها چند نعمتند؟^(۲)

۱- آیزاك آسیموف «نور خورشید»، ترجمه‌ی هوشنگ شریف زاده، فاطمی، تهران ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۸.

۲- مریم مطابق شکل بالا مرحله به مرحله خط فانتزی را تکمیل کند.

امام علی علیه السلام

• (ولین نفر آنان که پوده)

یازده نفر

• پنده نفر از آن‌ها در بین مردم حضور داشتند

• حالا چند عمل اصلی اعداد را اینجا انجام می‌دهیم که بدانیم تعداد

معصومان چند نفر است. $۱۴ = ۱۳ + ۱ + ۱$ کل

حالا من این اعداد را با یک خط افقی به حروفی با معنا تبدیل می‌کنم.

با چند نقطه به این کلمه خواهیم رسید. آیا شما

می‌توانید همین گونه این کلمه را حدس بزنید. بله کلمه‌ی «غایبت» که شما خیلی خوب آن را بیان کردید اکنون من نقطه‌های آن را اضافه می‌کنم.

بله! مخفی بودن. آیا می‌دانید غیبت به چه معنی است؟

امام دوازدهم ما امام زمان (عج) در پس پرده‌ی غیبت است. آیا داستان

چگونگی غیبتش را می‌دانید دوست دارید داستان غیبتش را بشنوید؟ پس خوب گوش کنید.

(۱) غرق ماتم بود. انگار آسمان هم می‌خواست گریه کند. آخر آن

آسمان

عزادر بودند. امام یازدهم امام حسن عسکری علیه السلام

شیعه‌ها

روز همه‌ی

رسیده بود. بدنه مبارکش را با روپوشی پوشانده بودند و اکنون

شهادت

زمان خواندن نماز مخصوص بر بدنه آن حضرت رسیده بود. همه‌ی

چشم‌ها منتظر بودند تا ببینند چه کسی بر بدنه آن حضرت نماز می‌خواند. حتماً

- ۱- مری ۱۲ عدد کارت (۲۰×۱۳) تهیه کند و کلماتی را که در کادرها قرار گرفته است در آن کارت‌ها بنویسد و هنگامی که داستان را تعریف می‌کند کارت‌ها را به طرف دانش آموزان بگیرد.

می‌دانید که امام بعدی باید بر بدن امام از دنیا رفته نماز گذارد.

جعفر برادر امام حسن عسکری طیلله پیش آمد تا نماز را بخواند، در همین هنگام

یک دفعه تمام نگاه‌ها به طرف منزل امام حسن عسکری طیلله برگشت. پسری

۵ ساله که از صورتش نور می‌بارید از منزل امام حسن عسکری طیلله خارج

شد. او بسیار شبیه پدرش امام حسن عسکری طیلله بود که نزدیک می‌شد، نگاهی به

جعفر کرد و فرمود: «عموجان! کنار برو چون برای این کار من از تو سزاوارتر هستم.»

رنگ از صورت جعفر پرید و کنار رفت. این همان کودکی است که امام حسن

عسکری طیلله او را از دید مردم پنهان کرده بود و فقط تعداد کمی از شیعیان از

وجودش باخبر بودند. برای این که در آن زمان حاکم ستمگر زمان وقتی شنیده بود

پسری از این خانواده به دنیا خواهد آمد که بساط ظلم و ستم را از روی زمین

برخواهد داشت، دستور داده بود هر فرزند پسری را که برای امام حسن

عسکری طیلله به دنیا آمد بکشند. به همین خاطر تولد آن حضرت (عج) هم مخفی

مانده بود.

بعد از نماز و مراسم دشمنان که تا آن روز از وجود آن حضرت به طور واضح

مطلع نبودند، برای از بین بردن او به طرف منزل امام حسن عسکری طیلله حمله

کردند، اما چون خداوند نمی‌خواست آن‌ها به آخرین امام، یعنی حضرت مهدی

(عج) دست یابند او را از نظرها **پنهان** کرد تا این که از خطر **مرگ** در

امان بماند و **آزمایشی** برای مردم باشد، خداوند می‌خواهد مردم را

آزمایش کند. آیا مردم با تمام سختی‌هایی که در زمان غیبت آن حضرت طیلله پیش

می‌آید، همچنان دین خود را حفظ می‌کنند یا دست از اعتقاد خود برمی‌دارند؟^(۱) امیدوارم از کسانی باشیم که از این امتحان پیروز خارج می‌شوند، البته این غیبت طی دو مرحله صورت گرفت. یک دوره مثل خورشیدی بود که قسمتی از آن را ابر پوشانده است و فقط بعضی می‌توانستند خورشید زیبا را ببینند. در این دوره که ۷ سال طول کشید، غیبت کوتاه مدت آن حضرت بود و فقط ۴ نفر (به ترتیب) بین مردم و او واسطه بودند، یعنی مردم مسایل و مشکلات خود را به یکی از آن ۴ نفر می‌گفتند و آن‌ها جواب مشکلات را از امام می‌گرفتند و برای مردم می‌آوردند.

بعد از این امام (عج) به صورت کامل و برای یک مدت طولانی از نظرها غایب شد و دیگر کسی نمی‌تواند به صورت عادی آن حضرت را زیارت کند. برای همین مردم در مشکلات خود طبق فرمان آن حضرت باید از مجتهدانی که شرایط خاصی را دارند، پیروی کنند. می‌خواهم از شما سوالی بپرسم.

آیا می‌توان این خورشید پیش از، یعنی امام رمان (عج) که گایپ است پهده پرده؟ بله!

همان طور که خورشید پشت ابر فواید دارد، مردم هم در زمان غیبت نیز می‌توانند از وجودش بهره‌های بسیار ببرند، همان طور که اشاعه‌های نام روئی خورشید زیر ابر باعث رشد و نمو گیاهان و دیگر موجودات می‌گردد، امام عصر (عج) هم با نفوذ روحانی و معنوی در دل‌ها و فکرها موجب تربیت انسان هایی می‌شود که زمینه‌ی رشد دارند.^(۲)

۱- شیخ عباس قمی: «منتهی الامال»، هجرت، قم، ۱۳۷۲، ج ۷، ج ۲، ص ۷۸ (با اندکی تصرف و تلحیص).

۲- ناصر مکارم شیرازی: «حکومت جهانی مهدی (عج)»، انتشارات مدرسه امام علی بن ابیطالب ؓ، قم، ۱۳۷۶، ج ۸، ص ۲۵۵.

یکی از وظایف ما برای این که زودتر ابرهای غیبت کنار برود و بتوانیم آن
حضرت را زیارت کنیم این است که برای تعجیل فرجش دعا کنیم. دوست دارد
شعری در همین رابطه را زمزمه کنیم و به این وسیله به آن بزرگوار بگوییم که ما
همیشه در فکر شما هستیم و به شما علاقه داریم!

بسیار خوب! گوش کنید، هر بیت را که من خواندم شما هماهنگ بگویید:
«مهدی بیا، مهدی بیا»

ای دلبر یکتا بیا، ای محروم دلها بیا

تنها تویی مشکل گشا، ای رهبر والا بیا

مهدی بیا مهدی بیا

ای یادگار مصطفی، ای مظہر لطف و صفا

ای رحمت حق در خفا، ای همدم دلها بیا

مهدی بیا مهدی بیا

ای بی پناهان را پناه، افتادگان را تکیه گاه

ای سایه‌ی لطف الله، ای یار ناپیدا بیا

مهدی بیا مهدی بیا

ای شاهد اعمال ما، ای واقف از احوال ما

ای حاصل آمال ما، ای قبله گاه ما بیا

مهدی بیا مهدی بیا

ای عدل تو حیدر نما، صبر تو صبر مجتبی

ای دادخواه کربلا، ای زاده‌ی زهرا بیا

مهدی بیا مهدی بیا

دور از نظرها تا به کی، سرگشته یارا تابه کی

امروز و فردا تا به کی؟ تا کی تک و تنها بیا

مهدی بیا مهدی بیا

برای تعجیل فرجش صلوات

نام درس

اکبر ترک لادانی

تولدی دیگر

موضوع

عقاید

هدف کلی

دانشآموزان در این درس با قیامت، «روز رستاخیز» و دوباره زندگ شدن انسان‌ها آشنا می‌شوند.

اهداف جزئی

دانشآموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند:

۱. پایان نیافرتن کار انسان پا مرگ.
۲. زندگ شدن انسان بعد از مرگ.
۳. آغاز زندگی چدید درجهان آخرت.
۴. مقایسه‌ای بین قصول زندگی انسان در دنیا و آخرت.

هدف رفتاری (خروچی)

از دانشآموزان انتظار می‌رود در پایان درس بتوانند با توجه به داستانی که ذکر می‌شود، در زندگ شدن دوباره‌ی انسان‌ها یقین بیابند و گیاهان را به عنوان مثالی برای تولد دوباره‌ی انسان‌ها ذکر کنند.

روش‌های مناسب تدریس

۱. توضیحی ۲. فعال (پرسش و پاسخ، داستان، شعر، کشیدن تصویر)

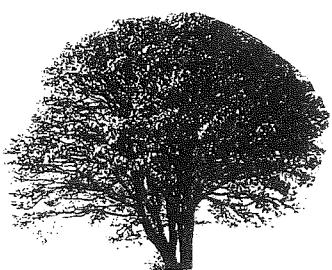
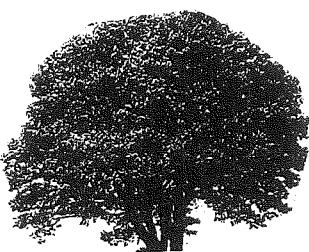
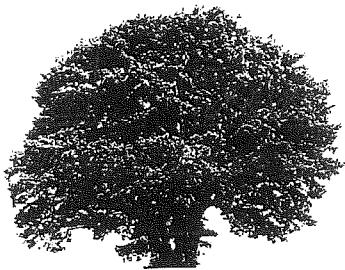
وسائط‌های آموزشی

تصویر، گچ و تخته، کارت

نوالنی دلخیر

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوند رنگین کمان خداوند بخشندۀ مهربان
خدایی که از بوی گل بهتر است و از نور و باران، صمیمی‌تر است
دانش آموزان عزیز، سلام! حالتان خوب است، همه بیدار و هشیار هستید؟^(۱)



خوب! حالا که همه هشیار و بیدار هستید، بگویید کدام یک از این درخت‌ها

۱- مریب برای شروع درس، تصویر یک درخت (در چهار فصل) را نشان دهد و یا تابلویی را که چهار تصویر مذکور بر روی آن نقاشی شده است به کلاس بیاورد.

بیدار و کدام یک خواب هستند؟

همان طور که گفتند خواب درخت ها به تدریج از پاییز شروع می شود و در فصل زمستان آن ها به طور کامل می خوابند و از اوایل بهار با ورزش بادهای ملایم بهاری کم کم از خواب بیدار می شوند.

آیا می توانید نام و ویژگی فصل ها^(۱) را بگویید؟

- بهار: فصل شکفتن شکوفه ها و سرسبزی درختان.

- تابستان: فصل میوه دادن درختان و گرمی هوا.

- پاییز: فصل برگ ریزان و شروع به خواب رفتن درختان.

- زمستان: فصل خواب کامل درختان و بارش برف و باران.

خداآوند متعال در هر یک از این فصل ها زیبایی خاصی قرار داده است: تغییر و تحول های متوالی، به وجود آمدن موجودات و گیاهان جدید، از بین رفتن بعضی موجودات و...

این ها نشانه هایی از عظمت خدای مهریان و زیبا است.

زندگی انسان ها نیز، مثل گیاهان دوران مختلفی دارد و در هر دوره تغییراتی در آنها ایجاد می شود، مثلاً عده ای به دنیا می آیند. کودکان بزرگ می شوند، پیر می شوند و سرانجام می میرند. گویا فصل زمستان انسان، با «مرگ» شروع می شود و

۱- مربی نام چهار فصل را کنار تخته سیاه بنویسد و ویژگی های هر کدام را از دانش آموزان سؤال کند.

بدن او در زیر خاک می‌پوسد و به خاک تبدیل می‌شود.

حالا همه‌ی نگاه‌ها به تابلو! کدام یک از شما می‌تواند حدس بزند چه چیزی

۰۰

می‌کشم؟^(۱)

۰۰

۰



بله! حرف «ق»

شکل کدام یک از معروف‌القبای است؟

چه کسی می‌تواند پگوید حرف چندم از معروف‌القبای فارسی است؟ حرف ۲۴

چند سوره از قرآن نام پیرید که با قاف شروع می‌شود؟^(۲)

«قدر، قصص، قارعه، ق، قمر، قیامت»

شند و سدیع پقویید کدام یک از این سوره‌ها مربوط به معاد است؟ «قیامت»^(۳)

قیامت چه روزی است؟ روزی که همه‌ی انسان‌ها دوباره زنده می‌شوند؛ از اولین

بشری که خداوند آفرید تا آخرین نفری که از این دنیا بود. خداوند استخوان‌های

پوسیده و متلاشی آنها را به هم وصل و تمام مردگان را زنده خواهد کرد. بعد از

رسیدگی به اعمال آنها، دسته‌ای به بهشت و دسته‌ای به جهنم می‌روند.

شما دوست دارید چه کدام دسته پاسید؟

۱- مریبی حرف «ق» را به صورت خط فانتزی و در سه مرحله روی تخته سیاه بکشد و در هر مرحله از دانش آموزان سؤال می‌کند که شکل مربوط به چه چیزی است.

۲- مریبی نام سوره‌ها را روی تابلو یادداشت کند.

۳- سوره‌ی ۷۵

ببخشید اشتباه گفتم بهشت

حوالا جمع جمع است؟ تفریق که نیست!

حالا من گروه هایی را نام می برم شما در جواب بگویید «بهشت»، «بهشت» یا

«جهنم»، «جهنم» می روند

آماده اید خوب گوش کنید:

رسنگوها کجا می رن؟

دروغنوها کجا می رن؟

پاجهابها کجا می رن؟

دشمن‌های امامان کجا می رن؟

شهدکجا می رن؟

پی نمازها کجا می رن؟

دوستداران امامان کجا می رن؟

حسودها کجا می رن؟

قدآن مسوانها کجا می رن؟

حالا که خوب جواب دادید، به یک داستان هم گوش کنید؟

چه کسانی داستان دوست دارند؟... حالا که همه‌ی شما داستان دوست دارید با

یک صلووات به استقبال آن می رویم.

در زمان‌های بسیار قدیم در یکی از شهرهای سرزمین شام که نام قدیمی کشور «سوریه»، است مردمی زندگی می‌کردند که از صبح زود تا شب مشغول کار و کشاورزی بودند. آن‌ها در سایه‌ی تلاش خود زندگی خوب و خوشی داشتند. باخ‌های آن‌ها پر از میوه‌های شیرین و خوشمزه بود. بعضی‌ها نیز به کار تجارت مشغول بودند، اما این مردم عیب بزرگی داشتند و آن، فراموش کردن «خدا و آخرت» بود.^(۱) آن‌ها فکر می‌کردند مال و قدرت می‌تواند جلوی مرگ را بگیرد، برای همین توجهی به جهان آخرت نداشتند و گمان نمی‌کردند که روزی می‌میرند و دوباره زنده می‌شوند و سزای ناشکری خود را می‌بینند.

یک روز همین طور که مشغول کار بودند، پیکی خبر آورد که در شهری نزدیک محل زندگی آن‌ها نوعی بیماری به نام «طاعون»^(۲) شیوع یافته است که بیماری واگیر و بسیار خطرناکی است هر کس که دچار آن شود، می‌میرد. این خبر به سرعت در میان مردم پیچید. ترس و دلهره تمام دل‌ها را فراگرفت. برای همین وسایل زندگی خود را جمع و از منطقه کوچ کردند تا از مرگ رهایی یابند، ولی این فرار سودی نداشت. طاعون آن‌ها را فراگرفت و همگی به سرعت نابود شدند.^(۳)

۱- مردی در صورت امکان تصویری گویا از کشاورزی، مزرعه و تجارت روی تابلو بکشد، یا از قبل از کتب درسی دانش آموزان تهیه کند و به آن‌ها نشان دهد.

۲- بیماری واگیردار و خطرناک است. عوارض آن در «سردرد، لرز، تب شدید، هذیان، سرگیجه» عوارض آن پس از پنج روز ظاهر می‌شود. میکروب این بیماری به وسیله موش یا کک به خون انسان منتقل شده و بیمار ظرف چند ساعت می‌میرد.

۳- بقره، ۲۴۳، ترجمه‌ی بهاءالدین خرمشاهی، ص ۳۹. در بعضی تفسیرها علت مرگ فرار از جنگ عنوان شده.

حالا به داستان دیگری که در ادامه‌ی این داستان روی داده است و برای شما

نقل می‌کنم گوش کنید! به شرطی که این کلمه را که می‌نویسم، بتوانید بخوانید.

حُرْقِيلَ نَه حَرْقِيلَ هَمَهْ بَا هَمْ تَكْرَارَ كَنِيمْ.

اسم چه کسی است؟
نام یکی از پیامبران الهی ﷺ

حضرت حِزْقِيلَ ﷺ که یکی از پیامبران قوم بنی اسرائیل بود همراه با عده‌ای از مردم، از کنار قبرستان همان مردمی که سال‌ها قبل بر اثر «طاعون» مرده بودند، می‌گذشت. وقتی چشمش به قبرستان افتاد از خدا خواست آن‌ها را زنده کند تا عبرتی برای منکران معاد و روز رستاخیز باشد. در این هنگام عده‌ای از همراهان او که به قدرت خداوند ایمان نداشتند گفتند: «این اجساد پوسیده و متلاشی شده‌اند، حتی استخوان‌هایشان هم ^(۱) تبدیل به خاک شده است، مگر می‌شود آن‌ها زنده شوند!!» در پی این اعتراض شروع کردند به مسخره کردن پیامبر خدا، اما هنوز چند لحظه‌ای نگذشته بود که خداوند دعای حِزْقِيلَ را اجابت کرد و آن‌ها همگی زنده شدند و مردمی که نزد حِزْقِيلَ بودند پی به کلام خدا برندند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوْتُوْا ثُمَّ أَحْيِيْمُ» ^(۲) (خدا به آن‌ها فرمود، بمیرید و بعد آن‌ها را زنده کرد). ^(۳)

۱- برای بهتر روشن شدن بحث، مربی از اسکلت بدن انسان استفاده کند.

۲- بقره، ۲۴۳، مکارم شیرازی: «پیام قرآن»، هدف، ۱۳۶۹، قم، ج ۱، ج ۵، ص ۲۱۸.

۳- مربی بعد از ترجمه، آیه را در سه قسمت به این صورت: «فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ»، «مُوْتُوْا»، «ثُمَّ أَحْيِيْمُ» روی تابلو بنویسد و از آن‌ها بخواهد بعد از او تکرار کنند.

قرآن

نام درسن

نقی محمد نژاد

عظمت قرآن

موضوع

قرآن

هدف کلی

دانشآموزان در این درس علاوه بر آشنایی با برخی از قواعد روحانی قرآن با

مبھثی در مورد «معجزات الهی» هم آشنا می‌شوند.

اهداف جزئی

دانشآموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند:

۱. الْفُبَاءُ،

۲. حِرَكَاتٌ

۳. صَدَاهَا

هدف رفتاری (خرچه)

انتظار می‌رود دانشآموزان در این درس درک کنند «قرآن» به عنوان معجزه جاودانه اسلام است و سعی کنند با یادگیری قواعد روحانی، قرآن به تلاوت صحیح آن بپردازند.

روش‌های مناسب تدریس

۱. توضیحی ۲. فعال (پرسش و پاسخ، تصویر، شعر، داستان، مسابقه)

رسانه‌های آموزشی

تصویر، گج و تخته، کارت

حظمت قرآن

بسم الله الرحمن الرحيم

اول هر کار!... به نام خداوند بخشندۀ مهریان^(۱) چقدر بی حال^(۲) یک بار دیگر

با هم، با صدای بلند، به نام خداوند... بخشندۀ مهریان.

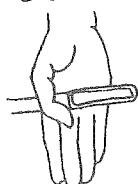
بچه‌ها سلام!

حالتان خوبه، خوب خوب! خدا را شکر از این که می‌بینم، مثل همیشه سرحال
و آماده‌اید که درس را شروع کنیم. قبل از این که درس را شروع کنیم، می‌خواهم یک
کار جالب برایتان انجام بدhem، خوب نگاه کنید: من یک قدرتی دارم که خودکار^(۳)
به کف دستم می‌چسبد!^(۴)

۱- مریب محترم کلمه‌ی بخشندۀ و مهریان را به گونه‌ای ادا کند که بچه‌ها نیز با صدای بلند او را همراهی کنند.

۲- این جمله زمانی به کار رود که بچه‌ها همراهی نکنند.

۳- مریب می‌تواند به جای خودکار از خط کش یا چوب بلند استفاده کند.



۴- مریب محترم! برای به وجود آوردن خاصیت مغناطیسی

در دستانتان که باعث شود یک چاقوی فلزی، خود به

خود به آن‌ها بچسبد موارد زیر را اجرا کنید:

چاقوی را با یک دست نگه دارید و آن را با انگشت شست به

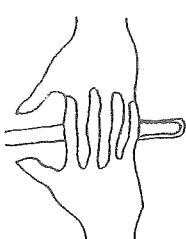
کف دستان فشار دهید. به این ترتیب به تماشچیان

ثبت می‌کند که جز چاقو چیز دیگری در دست ندارد.

انگشتان هر دو دست را همان طور که در تصویر نشان

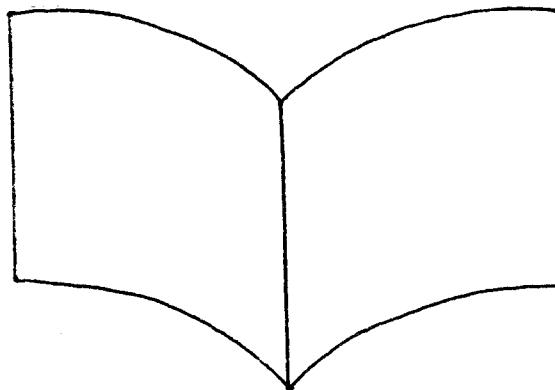
داده شده است به هم قفل کنید، اما یکی از انگشتان

وسط را آزاد بگذارید تا با آن چاقو را به کف دست دیگر



بچه‌ها! به این کاری که کردم چه می‌گویند؟^(۱) کاری که من انجام دادم اسمش تردستی است که هر کسی می‌تواند آن را یاد بگیرد و انجام بدهد. شما هم اگر دوست دارید می‌توانید یاد بگیرید و تمرین کنید. بعد از کلاس این بازی را به شما

یاد می‌دهم.^(۲)



اما بچه‌های خوب! یک کاری هست که مردم عادی از انجام آن عاجزند و فقط خدا و فرستاده‌های او می‌توانند انجام بدھند، چه کسی نام آن را می‌تواند بگوید؟

آفرین بر شما! معجزه.

«معجزه» به کاری می‌گویند که به امر خدا و توسط پیامبران انجام می‌شود و هیچ

فشار دهد.

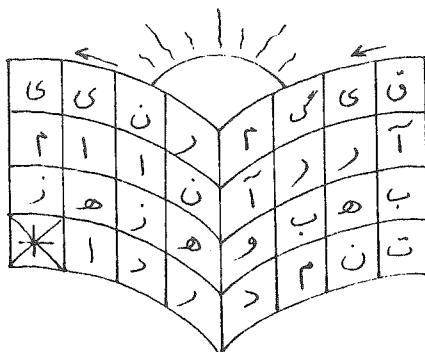
حالا وقتی انگشت شست را بالا می‌برید تا به تماشاچیان نشان دهید آن‌ها فکر می‌کنند چاقو به دست شما چسبیده است. انگشت وسط را تا حد امکان از کف دست دور کنید، چاقو به زمین می‌افتد، اما تمرین کنید تا بتوانید قبل از این که به زمین برسد آن را بگیرید.

- ۱- احتمالاً جواب بچه‌ها این باشد (تردستی، شعبدہ بازی، جادو، معجزه و...).
- ۲- در این مرحله مربی محترم ضمن حفظ ارتباط کلامی خود این طرح را بکشد و مرحله به مرحله آن را کامل کند.

کس نمی‌توانست مثل آن را انجام بدهد.

آیا شما می‌توانید چند معجزه از پیامبران خدا را نام ببرید؟^(۱)

قرآن
معجزه‌ای پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد ﷺ چیست؟^(۲)



پیامبر اسلام معجزات زیادی داشت، اما بزرگ‌ترین معجزه‌اش قرآن کریم است.

و همان طور که گفتم، معجزه آن است که مردم عادی از انجام آن عاجز هستند. و

یا نمی‌توانند مثل آن را بیاورند. بچه‌ها! پیامبر ما با این که نمی‌نوشت و نمی‌خواند

یک کتاب عظیم از طرف خداوند برای هدایت انسان‌ها آورد که حتی بعد از گذشت

هزار و چند صد سال هنوز هیچ‌گونه تغییری نکرده و مطالب آن برای همیشه جالب

و خواندنی باقی مانده است. برای همین ما هم هر چه بیشتر قرآن بخوانیم، مطالب

۱- مری از بچه‌ها بخواهد چند نمونه از معجزات را بیان کنند و خودش آن‌ها را تکمیل کند.

۲- مری طرح را تکمیل کند و ضمن صحبت با بچه‌ها درباره معجزات پیامبران یک جدول 8×4 به صورت کتاب باز شده ترسیم کند و خانه آخر را رنگ بزند، آن گاه این حروف را در آن بنویسد.

تازه‌تری پیدا می‌کنیم. دوستان من! ما باید همیشه قرآن بخوانیم و برای آن ارزش قائل شویم.

در این جدولی که درست کردم یک پیام قرآنی است که می‌خواهم با کمک شما آن را به دست آورم^(۱) رمز جدول هم ۴ است، حالا با هم حروفی را که از جدول با شمارش به دست می‌آوریم، در تابلو می‌نویسیم. پیام قرآنی جدول چیست؟
 «قرآن بهترین راه زندگی را به ما می‌آموزد»

به یک شعر درباره‌ی قرآن گوش کنید:

باغ دلم گُل می‌دهد	قرآن که می‌خواند دلم
باغی پر از نور و صفاتست	قرآن چراغ راه ماست
قرآن بخوان، پر نور شو	در هر کجا هستی، بیا
از تیرگی‌ها، دور شو ^(۲)	پرواز کن تا آسمان!

برای خواندن قرآن اول از همه باید با «حروف الفبا و حرکات» آن آشنا شویم. قرآن به زبان عربی است. الفبای عربی هم مثل الفبای فارسی است و فقط یک فرق دارد. چه کسی می‌تواند آن را بگوید؟ برای شناخت این فرق به حروف الفبای

۱- رمز جدول ۴ است، یعنی مربی اگر از بچه‌ها بخواهد چهار تاچهار تا بشمارند و حرف چهارم را بنویسند، البته مربی حرف اول (ق) را روی تخته بنویسد و بعد ادامه بدهد حرف چهار (ر) است. خانه‌ی آخر را هم نشمارد بلکه برگرد و شمارش را از بالای جدول دوباره ادامه دهد.

۲- محمد عزیزی.

فارسی^(۱) که می‌نویسم دقت کنید:

الفبای فارسی عبارت بودند از:

الف - ب - ... - ت - ج - ... - ح - خ - د - ذ - ر - ز - ... - س - ش -
ص - ض - ط - ظ - ع - غ - ف - ق - ک - ... - ل - م - ن - و - ه - ی

خوب! در این الفبا ما چهار حرف را نیاوردیم، چرا؟^(۲)

حروف الفبای عربی، مثل فارسی خوانده نمی‌شود و هر کدام از آن‌ها اسم
خاصی دارند. به نام‌های آن‌ها دقت کنید و بعد از من تکرار کنید:

الف - باء - قاء - ثاء - حيء - حاء - خاء - دال - ذال - راء - زاء - سین -
شین - صاد - ضاد - طاء - ظاء - عين - غین - فاء - قاف - کاف - لام - میم -
نون - واو - هاء - یاء.

برای این‌که ما بتوانیم قرآن را درست و بدون غلط بخوانیم، لازم است حرکاتی
را که بالای حروف هستند، بشناسیم و صدای آن‌ها را هم بلد باشیم. در این جلسه با
حرکات و صدای‌های مربوط به آن‌ها آشنا می‌شویم.

۱- مربی در قسمتی مناسب از تابلو «حروف الفبا» را بنویسد. در هنگام نوشتن حروف الفبا جای چهار حرف «پ،
چ، ژ، گ» در میان حروف الفبا خالی بگذارد.

۲- مربی از دانش‌آموزان می‌خواهد که فرق حروف الفبای فارسی و عربی را بگویند.

حرکت اول:

من فتحه هستم، شکلم چنین است
 روی حروفم، کارم همین است
 مثلاً هستم، بر این کلمه‌ها
 بخوان، بر آن‌ها، پیدا کن مرا
 دست و آسب و آبر و آنگور
 شَصْت و كَسْب و صَبْر و زَفْبُور^(۱)
 مریبی در تعدادی از حروف الفباء این حرکت را تمرین کند و از بچه‌ها بخواهد که
 تکرار کنند.

الف با چی میشه

آآآ میشه
 بَ بَ بَ میشه
 آَحَد خدایکی است (قل هوالله احد)

مثل آ + ح + د

صَمَد صَمَد (الله الصَّمَدْ)
 يا مثل ص + م + د

حرکت دوم:

من کسره هستم، شکلم چنین است
 زیر حروفم، کارم همین است
 مثلاً هستم، بر این کلمه‌ها
 بخوان، بر آن‌ها، پیدا کن مرا
 دِرخت و اِسْتَكَان و هِنْدوانه
 شِکست و اِمْتَحَان و کِشْت و دَانَه
 دانش آموزان عزیزاً حالاً حرکت را تمرین می‌کنیم.

الف با چی میشه

۱- جعفر ابراهیمی شاهد: «در باغ سبز قرآن»، صابرین، ج ۱، ص ۱۰.

باء با چی می شه ب ب ب می شه

لَمْ يَلِدْ رَبُّ الْعَالَمِينَ مَالِكٌ

حرکت سوم:

من ضمه هستم، شکلم چنین است
روی حروفم کارم همین است
صدای من را، می‌شناسی تو
لبه‌اراکمی، می‌کشد جلو
مثلًا هستم، براین کلمه‌ها
بخوان، بر آن‌ها، پیدا کن مرا
أُردك و مُشت و بُلبل
فُلك و پُشت و قُلقل
حالا با دقت، می‌خوانیم با هم:

الف با چی می شه (۱) ای ای ای می شه

باء با چی می شه ب ب ب می شه
قُل - هُوَ اللَّهُ

فتحه و کسره ضمه‌ی کوتاه
پیدا کن ما را تو با یک نگاه
جَمْعَ، بِمَ، لَمَ، غُثْرَ، خَسِرَ، فَتَحَ

● صدای بلند

حرکت اول: آ

من فتحه هستم، فتحه‌ی بلند دیگر صدای دوستاتم هستند

روی حروف، کارم همین است^(۱) بر روی حروف، شکل چنین است

اب، بام، باد و باران ٹاب و شام و شاد و یاران^(۲)

بال، حاش، ذات، لها، هما، قال^(۳)

حرکت دوم:

من کسره هستم، کسره بلند دیگر صداها، دوستانم هستند

زیر حروف، کارم همین است بر پای حروف، شکل چنین است

سپنی و لپوان و قوری دینی و ایمان و دوری

دین، قیل، لفی، شدید، عمالی، رسلی، آبابیل

حرکت سوم:

من ضمه هستم، ضمه بلند دیگر صداها، دوستانم هستند

این را همیشه، باید بدانی که همراه من، یک (و) می‌آید

نور - قوری - بُم و جُوراب مُور و تُوری، رُوم و شُور آب

حالا برای آشنایی بیشتر تعدادی از حروف الفبا را با ضمه‌ی بلند می‌نویسم.

او بُو تُو شُو جُو

۱- مربی محترم برای تمرین بیشتر، این حرکت را برای ۲۸ حرف عربی مرور می‌کند.

۲- مربی محترم برای تمرین بیشتر، این حرکت را برای ۲۸ حرف عربی مرور کند.

۳- مربی محترم برای تمرین بیشتر، این حرکت را با تعدادی دیگر از کلمات تمرین کند.

خوب، بچه‌های عزیز! با این سه حرکت و صداحای آن‌ها آشنا شدیم. برای این که آن‌ها را خوب پاد بگیریم در منزل با کمک یزگرگ ترها سوره‌ی حمد و توحید را که هر روز در نماز می‌خوانیم، نگاه کنید و بنویسید در کلمات این سوره‌ها کدام یک از حرکات وجود دارد.

اما یک مطلب دیگر، قرآن برای این که ما با خواندن آیات قرآن و دانستن معنی آن‌ها از سرگذشت دیگران درس بگیریم از افراد خوب و بد داستان‌هایی آورده است که ما از درس آینده یک داستان زیبا از قرآن آشنا خواهیم شد.

نام درس

نقی محمد نژاد

شجاعت

موضوع

قرآن

هدف کلی

دانشآموزان در این درس با برخی از قواعد روخوانی قرآن و قسمتی از زندگی حضرت علی ؓ آشنا می‌شوند.

اهداف جزئی

دانشآموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند:

۱. سکون.

۲. تشدید.

۳. واقعه لیلة المیت.

هدف رفتاری (خروجی)

از دانشآموزان انتظار می‌رود در پایان درس علاوه بر شناخت قواعد روخوانی قرآن «سکون» و «تشدید»، شناختی اجمالی هم از شخصیت علی ؓ نیز داشته باشند.

روش‌های مناسب درس

۱. توضیحی ۲. فعال (پرسش و پاسخ، تصویر، شعر، داستان، مسابقه)

رسانه‌های آموزشی

تصویر، گف و تخته، کارت

شجاعت

بسم الله الرحمن الرحيم

مثل همیشه، اول هر کار
به نام آن یگانه پروردگار
بچه‌ها سلام! حالتان خوب است^(۱)

در درس گذشته با صدای‌های «کوتاه» و «کشیده» آشنا شدیم. حالا می‌خواهیم با دو تای دیگر از علامت‌ها و حرکات قرآنی آشنا شویم. بچه‌های خوب! این کلمات را که می‌نویسم، در کتاب‌های فارسی هم خوانده‌اید. ملن، سره، توت، پن، نقالش، این کلمه (من) را بخش کنید. چند بخش است؟ (۱ بخش) صداش چیست؟ (م – ن)

میم په صدایی دارد؛ درست است، صدای (ـ) که به آن فتحه می‌گویند.
نون په صدایی دارد؛ بله! هیچ صدایی ندارد. در عربی می‌گویند که این حرف ساکن است و این علامت در بالای آن می‌آید، مثل قل (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ)، بگو که خدا یکی است.

ما در نماز این آیه در سوره توحید می‌خوانیم. حالا آقای «سکون» می‌خواهد خودش را معرفی کند.

۱- مریم محترم بعد از احوال پرسی در ضمن ادامه دادن مطالب، این آیه را بدون ترجمه بنویسد:
وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ آتِيَغَاءَ مَرْضَابِ اللَّهِ وَ اللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ (بقره، ۲۰۷)

من سکون هستم، شکام چنین است روی حروف، کارم همین است
من به تنهایی، صدآن دارم هیچ حرکتی ندارد کارم
حالا تو دیگر شناختی مرا، بخوان یک به یک این کلمه‌ها را.^(۱)

خوب بچه‌ها آیه‌ی بالا چند ساکن دارد؟ درست است، ۶ علامت ساکن
حالا شما بچه‌های زرنگ و باهوش که با حرکت‌های قرآنی به خوبی آشنایید،
پگویید پیینم (ین کلمه (نقاش) چند پخش است؟ ۲ بخش

صدای بخش اول چیست؟ (نَقْش) نَهْ (۲) صدای بخش دوم چیست؟ قاش

نُفْ + قاش = نَقْشَاش

پچه حروفی در اینجا دو بار آمده است؟
بله! «حروف قاف». که «قاف» اولی ساکن است و «قاف» دوم حرکت دارد.
برای این که این دو حرف در قرآن و زبان عربی راحت خوانده شوند، حرف اول
و دوم را مخلوط می‌کنند. به صورت یک حرف می‌نویسند و این علامت ـ را بالای
آن حرف می‌آورند که اسمش تشدید است.

خوب گوش کنید که جناب تشدید می خواهد خودش را معرفی کند.
من تشدید هستم، شکل من چنین است روی حروفم، کارم همین است
وقتی که دو حرف، با هم می آید آن را بخوانیم، با تشدید باید

۱- مرتبی به کلماتی که سکون دارند از آیه‌ی ۲۰۷ سوره یقہ توشته است، اشاره کند و دانش آمده زان بخواهند.

۲- مرتبی همزمان یا پیخش، کردن روی تخته، صدای پخش، اول را نمایند.

مثل قاف و قاف که در نقاش است بر بالای قاف، تشید افتاده است

حالا که تشید را شناختید بگویید چند تشید در آیه‌ی بالا هست.

بله آفرین! سه تا، با هم بخوانید (منَ النَّاسِ، اللَّهُ)

و یا در این کلمه «رَبَّنَا» که در قنوت می‌خوانیم، «تشید» وجود دارد.

این آیه‌ای را که خواندیم و با بعضی از حرکات آن آشنا شدیم، راجع به یک اتفاق خیلی بزرگ است که می‌خواهم داستان آن را برایتان تعریف کنم، اما قبل از آن لطفاً می‌خواهم با کمک شما موضوع آن را پیدا کنم. لطفاً به سوالات من پاسخ دهید تا در

تابلو بنویسم

علی طَيْلَةَ
اولین مردی که به پیامبر ﷺ ایمان آورد:

جمعه روز تعطیلی که نماز مخصوص دارد:

شمشیر اسلحه‌ی تیزی که در قدیم پا آن می‌چنگیدند:

اول حضور علی طَيْلَةَ امام چندم ما است:

تیر شروع تعطیلات تا پستانی از این ماه است:

بچه‌ها! حالا می‌خواهم بینم از بین شما چه کسی پیام این کلمات را می‌گوید

به حروف اول این کلمات را که به صورت جدا می‌آوریم توجه کنید:

«ع، ج، ش، ا، ت»

حالا با این حروف در هم، یک کلمه با معنی بسازید.^(۱)

شجاعت.

۱- فرصت کافی به بچه‌ها داده شود تا کلمه‌ای بسازند، کلمه‌ی مورد نظر «شجاعت» است.

بله! داستان ما مربوط می شود به اوّلین کسی که به حضرت پیامبر اکرم ﷺ ایمان آورد و با شمشیر تیزش (ذوالفقار) در راه اسلام مبارزه کرد، مردی که امام اول ما شیعیان است. یکی از مهم‌ترین خصلت‌های او این بود که هنگام نماز خواندن متوجه هیچ چیز نمی‌شد لذا تیری را که به پایش خورده بود، سر نماز در آوردند.

به داستان فداکاری او به دقت گوش کنید:

ابولهب^(۱) خندان و خوشحال بود. مدام با خودش حرف می‌زد و گویا قند، توی دلش آب می‌شد؛ آخ جان، با این نقشه‌ای که دارم بالاخره نفس راحتی خواهیم کشید و برای همیشه از دست محمد، پسر عبدالله راحت خواهیم شد. در پی این افکار، شخصی را دنبال یارانش فرستاد و به آن‌ها گفت: «باید محمد را بکشیم. تا این جوان از بین نرود، آرام و قرار به مکه باز نخواهد گشت. من می‌ترسم یاران و دوستان او که روز به روز بیشتر می‌شوند، ما را که بزرگان مکه هستیم از بین ببرند و نابود کنند».

ابولهب بعد از گفتن این حرف‌ها نگاهی به یاران خود انداخت. همه‌ی دهان‌ها، از تعجب مثل غارباز و چشم‌ها به او خیره شده بود. اصلاً باور نمی‌کردند که ابولهب با آن همه اذیت و آزاری که به محمد ﷺ و برادرزاده‌اش علی ؓ رسانده بود، قصد کشتن آن‌ها را هم داشته باشد.

- «نه، نه؟ ما او را نمی‌کشیم، آخر چه فایده‌ای دارد. او آن قدر مشهور شده است

۱- عمومی پیامبر اسلام ﷺ بوده است. سوره تبت در مورد این شخص است که همیشه بر علیه پیامبر ﷺ توطئه می‌نمود.

که تمام حجایز او را می‌شناسند، اصلاً تمام کشورها او را می‌شناسند، ما نمی‌توانیم او را بکشیم!»

ابولهب با ابروانی گره خورده گفت: «اگر او در بین دوستانش نباشد، آن‌ها نمی‌توانند کاری بکنند و کاری از دست آن‌ها ساخته نیست.»

پیرمردی که ریش بلند و سفیدی داشت و در گوشی اطاق نشسته بود، با صدای لرزان گفت: «محمد ﷺ خود را پیامبر خدایی بزرگ تراز خدایان ما می‌داند و مردم بسیاری به حرف‌های او گوش داده‌اند و طرفدارش شده‌اند. اگر محمد ﷺ نباشد، ما می‌توانیم آن‌ها را سرکوب کنیم. ما قدرت و پول داریم و می‌توانیم همه‌ی آن‌ها را نابود کنیم.»

پیرمرد در حالی که عصبانی و ناراحت بود، ادامه داد: «او بت‌های ما را که خدایان ما هستند تحریر می‌کند و آینین اجداد ما را قبول نمی‌کند، پس او باید کشته شود.»

یکی دیگر با صدای بلند گفت: «او بر دگان ما را فریب داده و آن‌ها مثل او حرف می‌زنند و دیگر بت‌ها را قبول ندارند، بله! به نظر من هم او باید کشته شود.» مهمه‌ی تمام اطاق را پر کرد و ابولهب که دید چند نفر دیگر هم مثل او حاضرند محمد ﷺ را بکشند، خوشحال شد. اما هیچ کس حاضر نمی‌شد این کار را انجام بدند و محمد ﷺ را بکشد و به هر کس که می‌گفتند قبول نمی‌کرد و بهانه‌ای می‌آورد.

ابولهب هم که حالا دستش را زیر چانه‌اش گذاشته بود و به این اوضاع نگاه

می‌کرد، دیگر حوصله‌اش سر رفته بود، برای همین گفت: «دوستان! می‌دانم همه‌ی شما می‌ترسید، اما من یک راه حل دارم، بهترین کار این است که از هر قبیله یک نفر بیاید و با کمک هم و به صورت دسته جمعی او را بکشیم. در این صورت پیروان او با همه‌ی ما طرف خواهند بود و ما می‌توانیم با اتحاد همه‌ی آن‌ها را شکست بدھیم.»

به این ترتیب بود که چهل نفر از مردان قوی انتخاب شدند، برای این که کسی آن‌ها را نشناسد، نقاب روی صورت کشیدند و در نیمه‌های شب به طرف خانه‌ی حضرت محمد ﷺ به راه افتادند. آن‌ها بی سر و صدا و آرام پاورچین پاورچین رفتند و رفتند تا رسیدند به کنار خانه‌ی پیامبر ﷺ، آن‌گاه ابو لهب گفت: «همه با هم یک دفعه می‌ریزیم داخل و با شمشیر او را می‌کشیم. او الان خوابیده و خبر ندارد.» به این ترتیب آن‌ها به یک باره وارد اطاق شدند و شمشیرها را بالای سر گرفتند، اما هنوز هم می‌ترسیدند که او یک دفعه بیدار شود و همه چیز به هم بریزد. برای همین به هم دیگر نگاه کردند و به اشاره می‌گفتند که چه کار کنیم. در این لحظه ابو لهب با اشاره گفت: «که من پارچه را از روی او می‌کشم شما به یک باره به او ضربه بزنید.»

آن‌گاه ابو لهب آرام دستش را به طرف پارچه برد، اما انگار می‌ترسید. دستش را عقب کشید، ولی چون تمام افراد نگاه می‌کردند، مجبور شد دوباره دستش را جلو ببرد و پارچه را بردارد، اما یک دفعه پارچه خود کنار رفت و همه از وحشت نزدیک بود سکته کنند.

حضرت علی ؓ جای پیامبر ﷺ در رختخوابش بود و آن‌ها را نگاه می‌کرد.
 ابولهب که گویا لال شده بود گفت: «تو، تو، تو اینجا چه کار می‌کنی، پس
 محمد ﷺ کو، کجا رفته؟»
 بله! آن‌ها فکر نمی‌کردند که خداوند از پیامبرش محافظت کند و این آیه هم به
 خاطر کاری که حضرت علی ؓ در آن شب انجام داده، نازل شد. به ترجمه آیه
 توجه کنید:

«بعضی از مردم در راه رضای خداوند از جان خود می‌گذرند و خداوند بر این
 بندگان مهربان است»

با هم آیه را بلنده می‌خوانیم:

«وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ أَبْيَغَاءَ مَرْضَايَ اللَّهِ وَ اللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ»



نام درس

نقی محمد نژاد

احترام والدین

موضوع

قرآن

هدف کلی

دانشآموزان درین در بایکی از قواعد روحانی قرآن «تنوین» و اهمیت احترام به والدین در اسلام آشنا می‌شوند.

اهداف جزئی

دانشآموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند:

۱. تنوین.

۲. شیوه نوشتن و خواندن تنوین.

۳. احترام به والدین.

هدف رفتاری (خروچی)

از دانشآموزان انتظار می‌رود که در پایان درس «قاعده تنوین» را در هنگام قرائت قرآن به کار ببرند و در چگونگی رفتار با والدین دقت نمایند.

روشن‌های مناسب تدریس

۱. توضیحی ۲. فعال (پرسش و پاسخ، خط فانتزی، داستان)

رسانه‌های آموزشی

تعچته سبیله، کتاب تعلیمات سوم ابتدایی

احترام والدین

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام آن که باشد مهربان قدر
برای ماز بابا و مادر
بچه‌ها سلام!

حالتان خوبه، خوب خوب

پیچه‌ها! کیست که از پاپا و مامان مهریانتر است... چه کسی؟
خدا
یعنی خدا از بابا مهریان تر است، از مامان هم مهریانتر است.^(۱)
آفرین بر شما که خیلی خوب فهمیدید، خدا به خاطر این همه نعمت‌هایی که به
ما داده از همه و همه حتی از پدر و مادر هم مهریان تر است.

آیا تا به حال دیده‌اید بناء و کارگرها چقدر برای ساختن یک خانه زحمت
می‌کشند، این ساختمان‌های بزرگ و زیبایی را که می‌بینید، خیلی زحمت
می‌کشیدند تا این چنین زیبا و برای زندگی ما راحت و مناسب باشد.

ببینید! بچه‌ها! برای ساختن یک خانه

اوّل از همه چند تا ستون مثل این‌ها^(۲)
درست می‌کنند و بعد شروع به ساختن

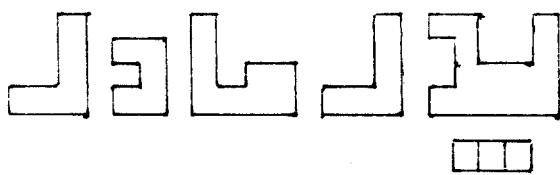
۱- به گونه‌ای از بچه‌ها سؤال پرسیده شود که یک صدا جواب دهند.

۲- برای اجرای این خط فانتزی در کلاس لازم است از قبل بر روی دفتر شطرنجی تمرین کنید تا در کلاس راحت و خوش خط اجرا کنید.

دیوارها می‌کنند.

بچه‌ها! انگار این نقشه که من دارم طراحی می‌کنم می‌خواهد شبیه یک کلمه‌ای

باشد. شما هم متوجه شدید؟... پس صبر کنید تکمیل کنم. (۱)



بله! درست است. **پدر و مادر!** بزرگ‌ترین نعمت‌های خداوند.

اگر یادتان باشد در کتاب تعلیمات دینی سوم ابتدایی خواندیم که باید چگونه با

پدر و مادر خود رفتار کنیم. (۲)

«وَ أَعْبُدُوا اللَّهَ وَ لَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»^(۳)، «و خداوند را پرستید و

چیزی را با او همانند نسازید و به پدر و مادر نیکی کنید».

بچه‌ها! گفتم که اگر بخواهیم آیات قرآن را راحت بخوانیم باید با حرکات آن

خوب خوب آشنا باشیم، درسته.

امروز می‌خواهیم با یکی دیگر از این حرکات قرآنی که در آیه مشخص شده آشنا

شویم.

شناختی مرا؟ نامم تنوین است (﴿ ﴾)^(۴).

۱- مربي طرح را مرحله به مرحله تکمیل می‌کند.

۲- کتاب تعلیمات دینی کلاس سوم ابتدایی را به همراه بیرید و این درس را برای بچه‌ها بازخوانی کنید.

۳- سوره نساء آیه ۳۶.

۴- هنگام نوشتن این علامت‌ها صدای آن را اداء کنید.

یاد را بدأ یا تسوی حتماً
خوانده می‌شوم گاهی با فتحه
در ظاهر اما هستم گوناگون

متلأ هستم، تسوی متلأ

خوانده می‌شوم گاهی با فتحه

خوانده می‌شوم با صدای (نون)

با فتحه ے این است کتاباً
باکسره ے این است کتاب

با ضمه ے این است کتاب

حالات تو دیگر شناختی مرا

قرآن، محمد، مغفرة، رحمة، أحد، حساباً

خوب بچه‌های عزیز! درس را هم یاد گرفتیم، اگر گفتید نوبت چیست؟

بله! نوبت یکی دیگر از قصه‌های شیرین قرآن است.

صبح زود، مثل همیشه مردم از خانه‌ها بیرون آمده بودند تا به طرف مزارع و

مغازه‌هایشان بروند که ناگهان صدای فریادی راشنیدند؛ نه این کار را نکن. آخ!!!

آن‌هایی که جوان بودند به سرعت به طرف صدا دویدند. از بین کوچه پس

کوچه‌ها عبور کردند و خود را به جایی که صدای فریاد از آن جا می‌آمد، رساندند.

کوچه پُر شده بود از جمعیت. هر کس یک چیزی می‌گفت؛ یعنی کارکیه، کی این

کار رو کرده‌است؟، آن روز مردم آشفته شدند. آخر چرا باید یک چنین اتفاقی در این جا

می‌افتد یعنی کی او را کشته است؟ هر کس نظری می‌داد. حتماً دزدھا او را کشتند. یا

نکنه می‌رفته دزدی کنه؟ صاحبخانه او را کشته! بگو مگوهای شروع شد و کار به جایی

رسید که قبیله‌ها^(۱) را به این قتل متهم می‌کردند و چیزی نمانده بود که کار به جنگ و دعوا بکشد. بالآخره یکی از آن‌ها گفت: چه خبره، هنوز که چیزی معلوم نیست. شما چرا به جان هم افتادید. بهتره که بریم پیش پیامبر خدا تا از او سؤال کنیم. دسته دسته راه افتادند به در خانه حضرت موسی ﷺ رفتند و گفتند: «یک اتفاق بدی افتاده که راز آن فقط به دست شما گشوده می‌شود».

حضرت موسی ﷺ یک روز از آن‌ها مهلت خواست و فرمود: «فردا صبح باید تا من کمکتان کنم. فردا صبح مردم رفتند جلوی خانه حضرت موسی اجتماع کردند تا پیامبر خدا قاتل را معرفی کند».

حضرت موسی ﷺ فرمود: «خداوند فرمان داده گاو ماده‌ای را بکشید. و قسمتی از بدن او را ببرید و به جسد آن جوان که کشته شده است بزنید. مرده زنده می‌شود و خودش قاتل را معرفی می‌کند».

مردم گفتند: «ای بابا، مثل این که پیامبر با ما شوختی دارد. بعد گفتند از خداوند پرس که چگونه گاوی باشد».

حضرت موسی ﷺ فرمود: «گاو ماده‌ای که نه زیاد پیر باشد نه زیاد جوان در ضمن رنگ زرد تند باشد».

مردم دیدند فقط یک گاو است که این نشانه‌ها را دارد و آن مال یک پسر است که با پدرش که فلچ است زندگی می‌کند. برای همین خود را به در خانه اورساندند و در زدند. وقتی آن جوان صاحب گاو آمد، گفتند ما آمدیم گاو شما را از تو بخریم.

۱- مریم کلمه قبیله را توضیح دهد.

پسر که می‌دانست قضیه چیست، گفت: «قیمت گاو خیلی زیاد است.»
 گفتند: «قبول داریم.» پسر گفت: «شما باید آنقدر طلا توی پوست گاو بریزین که
 پر بشه!». مردم با تعجب پرسیدند: «مگر چه خبره، چقدر گران؟!»
 پسر گفت: «اگه خریدارین، قیمتش همینه که گفتم.»

مردم هم مجبور شدند که هر طوری شده پول را جمع کنند و به صاحب گاو
 بدهند و گاو را بخرند. آن وقت همان طور که خدا فرمان داده بود گاو را کشتند و
 قسمتی از بدن گاو را به جسد زدند و آن جوان زنده شد و گفت: «پسر عمومیش او را
 کشته است.»

بله! خداوند با این فرمان خودش صاحب گاو که جوان فقیری بود، اما با پدر
 خیلی مهریان بود و تمام کارهای او را که فلنج بود می‌رسید سرمایه‌ای بسیار زیاد
 داد. (۱)

۱- نتیجه‌ی داستان را به عهده دانش آموزان بگذارید.

نام درس

نقی محمد نژاد

امتحان الهی

موضوع

قرآن

هدف کلی

دانشآموزان در این درس با یکی از قواعد روخوانی قرآن و نمونه‌ای از امتحان الهی در زندگانی حضرت ایوب ﷺ آشنا می‌شوند.

اهداف جزئی

دانشآموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند:

۱. حروف والی.

۲. پایه‌های کرسی در «حروف والی».

۳. طرز نوشتن و تلفظ «حروف والی».

۴. امتحان و آزمایش الهی در زندگی حضرت ایوب ﷺ

هدف رفتاری (حروچی)

از دانشآموزان انتظار می‌رود در پایان درس علاوه بر آشنایی با قواعد «حروف والی» با توجه به داستان زندگی حضرت ایوب ﷺ در شیوه رفتاری خود دقت کنند.

روش‌های مناسب تدریس

۱. توضیحی ۲. فعال (سؤال و جواب، داستان و...)

رسانه‌های آموزشی

تابلو و کتاب درسی

امتحان‌الله

بسم الله الرحمن الرحيم

این درس درباره‌ی یکی دیگر از قواعد قرآنی است. می‌خواهم با چند سؤال از شما امتحان شفاهی بگیرم!

نور یکی از شهرهای ایران که اسم یک سوره است:

مادر پیشتر زید پای اوست:

سلام قیل از هر کلام، پايد پگويم:

اگر قرآن را بخوانیم و به دستوراتش عمل کنیم و به مادرمان احترام بگذاریم. به دیگران هم سلام کنیم، نمره‌ی ما چند است؟^(۱)

بچه‌ها! چه شد که وقتی گفتم امتحان، بعضی‌ها یک جوری نگاه کردند، مگر امتحان ترس دارد، چه کسی از امتحان می‌ترسد؟!

شاگردان خوب و زرنگ چون همیشه آماده‌ی امتحانند، تند و سریع جواب‌ها را می‌نویسند و مسائل سخت را هم با کمی فکر کردن حل می‌کنند و نمره‌ی قبولی می‌گیرند. خداوند هم در این دنیای بزرگ ما را خیلی آزمایش می‌کند. اگر فریب شیطان را نخوریم، می‌توانیم در تمام این امتحانات نمره‌ی قبولی بگیریم و نتیجه‌ی

۱- چهار جواب را با خط خوانا روی تخته بنویسید تا در ادامه بحث با توجه به حروف دوم آن‌ها، درس را ادامه دهیم.

امتحانات خود را ببینیم، مثلاً اگر شیطان ما را فریب دهد و به جای این که راستگو باشیم، دروغ بگوییم و بعد معلوم شود دروغ گفته‌ایم، چقدر برای ما بد می‌شود و تازه یک گناه بزرگ هم محسوب می‌شود. کلاس سوم که بودیم یک شعر راجع به کارهای ما در کتاب نوشته بود، اگر یادتان باشد^(۱) شعرش این بود.

خوشحال می‌دویدم	من در کمرکش کوه
صدای پا شنیدم	ناگاهه از دل کوه
دیگر صدا نیامد	وقتی که ایستادم
صدای پا نیامد	همراه نالهه باد
بر سنگ‌های انبوه	وقتی که می‌دویدم
من می‌شنیدم از کوه	صدای پای خود را
اعمال ما و دنیا	مثل صدا و کوه است
هر کار زشت و زیبا	آید به سوی ما، باز

باید همیشه و قبل از هر کاری خوب فکر کنیم تا خدای نکرده، کاری بدی از ما سر نزند که مجبور شویم نتیجه‌ی بد آن را هم ببینیم.

خوب! حالا با کمک شما می‌خواهم از حروف دوم کلمات «نور، مادر، سلام، بیست» یک کلمه بسازم.

بله! والی

چه کلمه‌ای شد؟

گاهی هنگام قرائت قرآن با چهار حرف «و»، «ا»، «ل»، «ی» رو به رو می‌شویم. این

۱- کتاب تعلیمات دینی سوم ابتدائی، درس بازگشت کارهای ما.

حروف اگر علامت نداشته باشند، خوانده نمی‌شوند.

برای آشنایی بیشتر شما من این چهار حرف را به ترتیب توضیح می‌دهم:

● «واو»: هرگاه همزه روی حرف واو، قرار بگیرد (و) واو خوانده نمی‌شود، مثل مؤمن.

یکی دیگر از مواردی که «واو» خوانده نمی‌شود، زمانی است که «و» بعد از صدای کشیده‌ی فتحه (۱) قرار بگیرد، مثل: «حیوة» که خوانده می‌شود، «حياة» و «صلوة» که خوانده می‌شود: (صلوة)

حروف دوم از حروف والی:

● «الف»: الف که پایه و کرسی قرار بگیرد، (یعنی یک همزه بالایش باید) والی که در وسط یا آخر کلمه باید و علامتی نداشته باشد، خوانده نمی‌شود، مثل: والارض، که خوانده می‌شود والارض
قاللوا، که خوانده می‌شود قاللوا
فَاصِرٍ، که خوانده می‌شود فَاصِرٍ
بالكافرين، که خوانده می‌شود بِالْكَافِرِينَ

● «لام»: هرگاه «لام» علامتی نداشته باشد، حرف بعد از آن با تشدید خوانده می‌شود ولی «لام» خوانده نمی‌شود، مثل:

الرحيم، که خوانده می‌شود أَرْحَيم
الناس، که خوانده می‌شود آنَاس
الروح، که خوانده می‌شود أَرْوح

الشمس، که خوانده می شود اشمس

● «یاء»: هر گاه همزه (ء) روی حرف «یا»ی بزرگ و یا «یا»ی کوچک (ئی، ئ) قرار گیرد، «یا» در حکم پایه و کرسی است و خوانده نمی شود و نیز اگر «یا» کرسی صدای کشیده فتحه، واقع شود و علامتی نداشته باشد، خوانده نمی شود.

مثُل: باری ء که خوانده می شود: باری باری باری

ملائکة که خوانده می شود: ملائکة ملائکة ملائکة

علی که خوانده می شود: علی علی علی

تلیها که خوانده می شود: تلیها تلیها تلیها

برای تمرين بیشتر به کلمات زیر توجه کنید:

ذوالعرش، مالحیوة، فی الزبور، اطیعوا الرسول، ارحم الراحمین

خوب! نوبت می رسد به یکی از داستان های خوب قرآن.

حضرت ایوب ﷺ از پیامبرانی است که در قرآن به عنوان نمونه‌ی «فضیلت و صبر» از او یاد شده است.

خداؤند یکتا به ایوب ﷺ ثروت فراوانی بخشید. او دارای باغها و گوسفندان فراوانی بود. حضرت ایوب ﷺ آنها را وقف یتیمان و بینوایان می کرد و بسیار شکرگذار خداوند بود. شیطان از این که می دید فردی صالح و پرهیزکار در زمین خدا را عبادت می کند بسیار ناراحت شد و سعی کرد حضرت ایوب ﷺ پیامبر خدا را فریب دهد و او را از عبادت بازدارد، اما هر چه سعی کرد نتوانست او را فریب دهد. شیطان گفت: «خدا یا ایوب که بنده‌ی شکرگزار تو است و تو را عبادت می کند

از این می‌ترسد که تواین نعمت‌ها را از او بگیری، او عبادتش حقیقی نیست.» خداروند فرمود: «ایوب طیلّا بنده خوب و با ایمان من است او یک انسان نمونه است.»

پس خداوند ایوب طیلّا را آزمایش کرد. روزی سیلی بزرگ به راه افتاد و آنچه حضرت ایوب طیلّا داشت، از بین برد. شیطان به صورت پیرمردی دلسوز نزد حضرت ایوب رفت و گفت: «هر چه داشتی از بین رفت. اگر خدا تو را دوست می‌داشت، این طور نمی‌شد.»

حضرت ایوب طیلّا گفت: «این ثروت را خدا به من داد. حالا هم آن امانت را پس گرفته است.» حضرت ایوب طیلّا باز هم خدا را شکر می‌کرد. کار می‌کرد و از دسترنج کم خود، به بیچاره‌ها کمک می‌کرد.

شیطان وقتی وضع را این طور دید، خشمگین شد و به فکر افتاد نقشه دیگری بریزد.

شیطان بار دیگر به خداوند عرض کرد: «خداوند اگر می‌بینی باز هم ایوب تو را می‌پرسند، برای این است که او علاقه‌ای به ثروت نداشت. زیرا او فرزندانی سالم و نیرومند دارد و امیدوار است آنچه را که از بین رفته دوباره به دست آورد.»

خداوند یکبار دیگر پیامبرش را آزمایش کرد. این بار یک زلزله‌ای ناگهانی، همه چیز را در هم کویید. خانه‌ی آن‌ها خراب شد و فرزندان حضرت ایوب طیلّا، در زیر خاک جان دادند و همه چیز او از بین رفت. شیطان انتظار داشت حضرت ایوب طیلّا دیگر دست از عبادت خدا بردارد، به صورت پیرمردی مهربان به سراغ پیامبر خدا

رفت.» و گفت: «فرزندانت کشته شدند؛ آیا باز هم خدا راشکر می‌کنی؟» حضرت ایوب ﷺ گفت: «فرزندانم را خدا داده بود و حالا از من گرفته است. پس شکراو به عهده من است.»

شیطان که در فکر نقشه‌ای دیگر بود به خدا گفت: «او بدنی سالم دارد و امیدوار است باکار و کوشش، ثروت و فرزندان دیگری به دست آورد، اگر سلامتی خود را از دست بدهد. حتماً از بندگی خدایش دست خواهد کشید.»

حضرت ایوب ﷺ به مریضی سختی مبتلا شد. اما تنها رو به سوی خدا آورد و دعا کرد: «پروردگار، شیطان مرا سخت آزار رسانده است؛ شر او را از من دور فرما.» خداوند وقتی پیامبرش را در همه‌ی آزمایش‌ها پیروز دید، دعای او را پذیرفت و به او وحی فرستاد پایت را به زمین بکش؛ چشم‌هی آبی برایت می‌جوشد. از آن بخور و خود را در چشم‌هی شستشو بده. حضرت ایوب ﷺ همین کارها را کرد و شنا یافت.

نام درس

نقی محمد نژاد

علم و دانش

موضوع

قرآن

هدف کلی

دانش آموزان در این درس با یکی از قواعد روخوانی قرآن «مد» و اهمیت «علم و دانش» آشنا می شوند.

هدف جزئی

دانش آموزان در این درس با موارد زیر آشنا می شوند:

۱. قاعده‌ی مذ.

۲. پچگونگی تلفظ حروف مذ.

۳. پرخی از پندهای لقمان به فرزندش.

هدف رفتاری

از دانش آموزان انتظار می‌رود در پایان کلاس علاوه بر شناخت یکی از قواعد روخوانی قرآن، بتوانند کلمات مذکور را به خوبی تلفظ کنند و پندهای لقمان را در زندگی به کار ببرند.

روزنه‌های مناسب تدریس

۱. توضیحی ۲. قعال (پرسش و پاسخ، تصویر، شعر، داستان)

رسانه‌های آموزشی

تصویر، گچ، تخته و کارت

حکم و دلنش

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام آن که بخشایندۀ باشد
به ملک خویشتن پاینده باشد
خدای مهربان مهربور
که دائم مهربان بر بندۀ باشد
بچه‌ها! سلام. حالتان خوب است. الحمد لله رب العالمين. خدا را شکر که نعمت
بزرگ سلامتی و تندرستی را به شما عطا فرموده است.

بچه‌ها! می خواهم درس را با یک سؤال شروع کنم. (۱) تند و سریع بگویید:
علی طیلا
چه کسی در حانه‌ی خدا متولد و در حانه‌ی خدا شفید شده؟
اگر یک حرف می‌میم به آخر آن اضافه کنیم چه می‌شود؟
علیم
علیم یکی از صفات خدا است، یعنی داناتر از همه‌ی دانایان.
اگر حرف «ها» را پیش «یا» و «میم» پکدّاریم، چه می‌شود؟
خوب! اگر «ها» و «یا» را پکدّاریم و به چهای آخرها «الف» پکدّاریم، چه می‌شود؟ عالم
آن را بخوانید، هم عالم خوانده می‌شود و هم عالم.
به این جمله‌ها که این دو کلمه در آن استفاده شده است توجه کنید:

۱- بازی با کارت: مری کارت هایی به اندازه‌ی 10×15 از قبل تهیه کند و این کلمات را روی آن با خط خوانا بنویسد:
عالیم - عالم - علیهم - علیم - علی
بعد از طرح سؤال کارت را به طرف بچه‌ها بگیرد.

«خداؤند عالم به انسان یک قدرتی داده که به هیچ یک از موجودات نداده است، قدرت دانایی و علم. هر کسی این قدرت را داشته باشد عالم است. ما انسان‌ها برای این که بتوانیم در این دنیا موفق شویم باید از این نعمت که خدا به ما داده است، استفاده کنیم و با جدیت درس بخوانیم تا بتوانیم سعادت دنیا و آخرت را به دست آوریم. عالم نزد خداوند اهمیت خاصی دارد، حتی در قرآن سوره‌ای به نام یکی از کسانی که پیامبر نبود، ولی خوبی عالم و دانا بود آمده است، آیا نام او را می‌دانید؟

لقطمان

در این سوره حضرت لقطمان به فرزندش نصایحی دارد یکی از آن‌ها را در آیه‌ی ۱۵ می‌خوانیم: **يَا بُنَيَّ إِنَّهَا وَإِنْ تَكُ مُثْقَالَ حَبَّةٍ... (۱)** «ای فرزندم! بدان که خدا اعمال بد و خوب خلق را گرچه به مقدار خردلی باشد حساب می‌کند.» حالا با توجه به آیه از سوره حمد می‌خواهیم یکی دیگر از حرکات قرآنی را یاد بگیریم در قرآن به علامتی با این شکل (ـ) برمی‌خوریم که نام آن «**مَدّ**» است. این علامت بالای بعضی از حروف قرار می‌گیرد و باعث کشش بیشتر در تلفظ آن‌ها می‌شود و به صورت «کشیده» تلفظ می‌شود: **جـا - سـؤـء - جـىـء**

خوب بچه‌ها! حالا که با این علامت آشنا شدید با هم این آیه از سوره‌ی حمد را می‌خوانیم **«...غَيْرِ الْمَعْصُوبِ عَلَيْهِمْ وِلَا الصَّالِيْنَ»**.

در هر آیه از قرآن که این علامت (ـ) را دیدید، هنگام تلفظ کمی آن حرف را

۱- مریبی آیه‌ی ۱۵ سوره‌ی لقطمان را برای بچه‌ها بخواند و علامت (ـ) «آن‌ها» را با خط قرمز مشخص کند.

۲- مریبی آیه‌ی آخر سوره‌ی حمد را بخواند و قسمت مذکور آن را برای بچه‌ها بازگو کند.

بکشید.

قصه‌های قرآن برای پندگرفتن است. قسمتی از پندهای خوب قرآن از زبان حضرت لقمان است که در سوره لقمان آمده است.

حالا به داستان حضرت لقمان به دقت گوش کنید:

لقمان غلام سیاهی بود، از مردم سودان مصر که در زمان حضرت داود^{علیه السلام} می‌زیست. با این که چهره‌ی او سیاه بود ولی دلی روشن و روحی پاک داشت، او در انجام وظایف دینی دقیق بود. روحی آرام و دلی بیدار داشت، بیشتر اوقات خود را به سکوت و تفکر می‌گذراند و از پیش آمدها و رویدادهای روزگار پند می‌گرفت و برای رشد شخصیت و کمال خود تجربه می‌آموخت.

او می‌گفت: «بدترین مردم کسانی هستند که در حال گناه و معصیت باشند.» از خنده بی جا و مسخره نمودن مردم سخت بیزار بود، هرگز کسی را مسخره نمی‌کرد، او از کامیابی و موفقیت در امور دنیا مغرور نمی‌شد و از ناکامی‌ها و شکست در زندگی اندوه و غم به خود راه نمی‌داد. بیشتر اوقات با دانشمندان و بزرگان و اهل ادب می‌نشست و پیوسته خاموش بود. به سخنان علماء و دانشمندان گوش فرا می‌داد و از صحبت آنان لذت می‌برد.

خداآوند به خاطر شایستگی و لیاقتی که داشت، علم و حکمت به او عطا فرمود. روزی گروهی از فرشتگان (که لقمان آنان را نمی‌دید)، او را صدا کردند و گفتند: «ای لقمان آیا دوست داری که خداوند تو را به پیامبری خویش برگزیند تا در اختلافات مردم قاضی باشی و رهبری مردم را به عهده بگیری؟»

لقمان که برای نخستین بار این سروش آسمانی را می‌شنید، گفت: «هرگاه خدای من، مرا به قبول این وظیفه‌ی سنگین مأمور سازد بدون چون و چرا می‌پذیرم و فرمان او را از جان و دل اطاعت می‌کنم، زیرا یقین دارم که اگر او مرا به این کار مأمور سازد، مرا در این امر یاری خواهد کرد».

شب فرا رسید، لقمان به خواب رفت، خدای تعالی وجود او را غرق در نور ساخت، سخنان حکمت‌آمیز بر زبانش روان گشت، سخنان حکیمانه و ارزشمندش همه را متوجه او ساخت، افراد خوش ذوق، پروانه وار پیرامون شمع وجودش گرد آمدند، لقمان از آن تاریخ به بعد، به «**لقمان حکیم**» معروف شد.

لقمان پس‌ری داشت بسیار باهوش و با استعداد که بیش از همه توجه پدرش را به خود جلب کرد، او چون مراتب استعداد فرزندش را دید، از تربیتش کوتاهی نکرد، لذا لقمان بیشتر پندها و نصایح خود را با این که جنبه‌ی عمومی داشت متوجه او ساخت.

با هم به برخی دیگر از پندهای او گوش فرادهیم.

فرزندم: در روز و شب ساعاتی را به تحصیل علم و کسب دانش اختصاص بده و هر روز بر علم و دانش خود بیفزای زیرا در عالم هیچ زیان و خسارت گران‌تر از ترک تحصیل علم و دانش نیست.

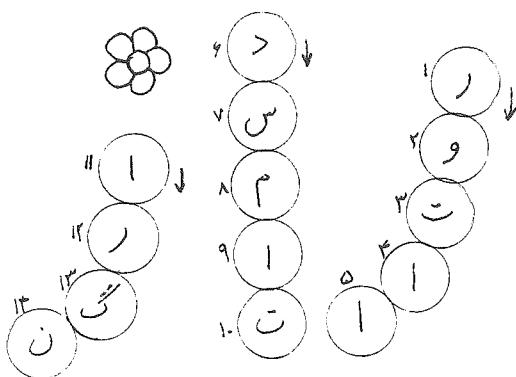
فرزنند عزیزم: تا می‌توانی خوبی کن و در نیکوکاری خود بدیدهی اعجاب منگر و در هنگام انجام عمل صالح فخر فروشی مکن و به این وسیله عمل خود را ضایع مگردان.

فرزندم: در خوردن غذا زیاده روی مکن و بیش از اندازه مخور، اگر معده از غذا پر بشود، انسان قادر به عبادت نمی شود، و تا کاملاً گرسنه نشده‌ای، از خوردن غذا پرهیز کن و سیر نشده دست از طعام بازدار.^(۱)

یکی دیگر از پندهای حکیمانه‌ی حضرت لقمان این است:

روزی از حضرت لقمان پرسیدند: «تو که به شغل چوپانی مشغول بوده‌ای چگونه به این مقام دست یافته‌ی؟» گفت: «سه عامل سبب شد که خداوند این مقام را به من عنایت فرماید، اول؛ ترک کارهای بیهوده. دوم؛ بچه‌های عزیز دو تا دیگر از «عوامل موققیت لقمان» در این دایره‌ها آمده است، با کمک شما می‌خواهم اول با سؤال‌هایی که از شما می‌پرسم حروف پاسخ را به ترتیب در دایره‌های معین شده

قرار دهیم^(۲)



۱- تفسیر مجمع البيان، ج ۷-۸ ص ۳۰۸ - ۳۱۵، هدایة القرآن الى اخبار لقمان ص ۶۵. قصص قرآن صدرالدین بلاغی ص ۲۵۴ - ۲۶۹.

۲- الف: قابل توجه مریم محترم‌اکلمه «راز» را روی تابلو بنویسید و شماره گذاری نمایید.

ب: جواب سؤال‌ها را طبق شمار در جدول قرار دهید.

ج: حرف خانه شماره یک (ر) را بنویسید و از بچه‌ها بخواهید سه خانه سه خانه بشمارند و حرف خانه سوم را بنویسید و به همین ترتیب ادامه دهید تا پایان از خانه اول ادامه دهید. این کلمه به دست می‌آید: راستگو، اماندار.

- بە آموزگار و کسی کە علم و هنر را بە دىگران تعلیم مى دەد مى گويند:

استاد (٤-٣-٥-٦)

گران (١٣-١-١١-١٤)

- بە چىزى کە ارزاڭ نىست مى گويند:

- اين شعر را كاملا كېيدى: ميازار..... ئى كە دانە كشىن است.

تا (٩-١٠)

- بە خميىدگى كاغذ مى گويند

اخلاق

نام درس

محسن کرفی

حسن خلق

موضوع

اخلاق

هدف کلی

دانش آموزان در این درس با «خوش خوبی»، و بخشی از ثمرات آن آشنا می شوند.

اهداف خزینی

دانش آموزان در این درس با موارد زیر آشنا می شوند:

۱. اهمیت و ارزش حُسن حُلقه.

۲. آثار حُسن حُلقه.

۳. نشانه های حُسن حُلقه.

هدف رفتاری (خروجی)

از دانش آموزان انتظار می رود در پایان درس آداب برخورد با دیگران را رعایت نمایند.

روش های مناسب تدریس

۱. توضیحی ۲. فعال (پرسش و پاسخ، چدول، راز دایرها، کارت و ...)

رسانه های آموزشی

تخته سیاه و کارت

حسن خلق

بسم الله الرحمن الرحيم

بچه های خوب! سلام

درس را با چند سؤال شروع می کنیم.

ح س ن (۱) نام امام دوم:

س ج د ه سد پر مهر گذاشتند:

ن م ا ز ستون دین:

خ د ا آفرینشده هستی:

ل ال ه گل منسوب به شهداء:

ق م شهد حُون و قیام:

پیام: **حسن خلق**

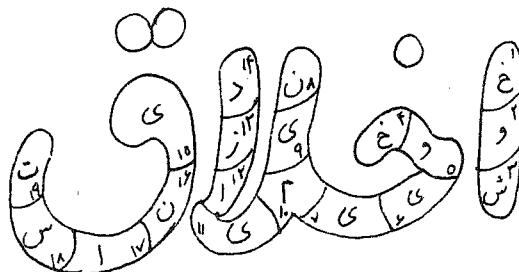
پیامی که به دست آمد **حسن خلق** شد. آیا می دانید یعنی چه؟

آفرین بر شما! یعنی خوش اخلاقی

و حالا برای این که به ارزش خوش اخلاقی پی ببریم، به این سؤالات پاسخ دهید. من هم با قرار دادن جواب ها در خانه های مربوطه و وصل کردن حروف

۱- مربی جواب ها را به صورت حروف منقطع و جدا از هم روی تخته بنویسد و در پایان حرف اول کلمات را لازم با
باشد. به پایین به هم متصل کند و پیام مورد نظر را به دست آورد آن گاه، پیام را به صورت برجسته روی تخته بنویسد.

خانه‌های ۱ تا ۱۹ به شما کمک می‌کنم.



۱. صفت معروف پیامبر اکرم ﷺ به معنای امامت دارد **امین (۱۷-۹-۸)**
 ۲. در رگ‌ها چاری است؟ **خون (۱-۲-۱۶)**
 ۳. دهیمن ماه سال؟ **دی (۱۴-۱-۱۵)**
 ۴. منراح و لطیفه **شوخی (۳-۵-۴-۶)**
 ۵. پیردنا تمام **بیز (۱۱-۱-۱۳)**
 ۶. پدران قرمن راهنمایی علامت آن است **ایست (۱۲-۷-۱۹)**
- پیام ما کلامی است از حضرت رسول اکرم ﷺ که با اتصال حروف خانه‌های ۱ تا ۱۹ به دست می‌آید.

خوش خوبی نیمی از دین است. ^(۱)

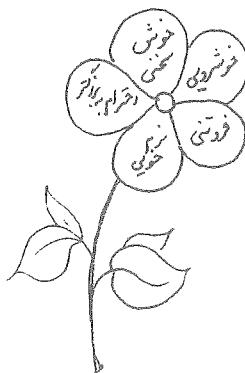
بله! بچه‌ها با اخلاق خوب نیمی از دین انسان کامل می‌شود، همان‌گونه که

۱- متن عربی حدیث: قال رسول الله ﷺ: حسن الخلق نصف الدين.

پرنده یا هو پیما اگر یک بال کم داشته باشد نمی تواند پرواز کنند، انسان هم اگر اخلاق خوب نداشته باشد دین کامل نخواهد داشت.

حالا باید ببینیم که خوش اخلاقی با چه چیزهایی تحقق پیدا می کند و یک فرد دین دار چه نشانه هایی را باید داشته باشد تا به عنوان فردی خوب و خوش اخلاق در جامعه شناخته شود.

به این گل توجه کنید!



از نشانه های یک خوب این است که نرم و لطیف، خوشبو و زیبا باشد.

در این صورت است که همه او را دوست خواهند داشت و همین طور یک درخت اگر بخواهد پُر بار و پُر ثمر باشد، باید دارای شاخه های نرم باشد تا توان نگهداری میوه ها را بر روی خود داشته باشد و شاخه ها زود نشکنند. از همین جا پی می بریم که اگر بخواهیم دیگران در محیط زندگی ما را تحمل کنند و از ما دوری نگزینند باید نرم سخن و خوش برشورد باشیم. بله! اگر نرم و لطیف نبود و چهره‌ی خشنی می داشت کسی او را به دست نمی گرفت! ما هم اگر نرم سخن و خوش برشورد نباشیم دیگران ما را تحمل نخواهند کرد و ما مثل یک شاخه

خشک تاب تحمل میوه‌ها رانخواهیم داشت.

بچه‌های عزیزاً انسان‌ها اگر بخواهند دیگران آنان را تحمل کنند باید خودشان فروتن باشند.

بله! باید فروتن بود. در مقابل دیگران با احترام سخن گفت و هنگام گفتن سخنان نیک نیز خوش رویی را فراموش نکرد. و اگر رفتارهای ما چنین شود اثرات خوبی ایجاد خواهد شد. هم‌چنان‌که می‌توانیم در زندگی مردمان گذشته ببینیم که چگونه رفتار نیک و اخلاق خوب یک قبیله می‌توانست باعث از میان رفتن **کینه‌ها** شود.^(۱)

همچنین اخلاق خوب یک فرد باعث **محبوبیت** او نزد مردم می‌شد.

در روایت آمده است که اخلاق خوب

باعث طولانی شدن **عمر** می‌شود.

باعث **برکت** و فراوانی مال می‌شود.

باعث واجب شدن **بهشت** می‌شود.

انسان را در **دنیا** و **آخرت** نجات می‌دهد.

هم‌چنان‌که نقل است روزی از روزها که لشکر اسلام در جنگ با قبیله‌ی «طی» پیروز شدند و اسرای قبیله را به مدینه آوردند، در میان اسیران دختری بود که در حضور رسول اکرم ﷺ گفت: «اگر مصلحت بدانید مرا آزاد کنید و خود را در معرض ناسزاگویی‌های عرب قرار ندهید چون من دختر سخاوتمند قبیله‌ی خود

۱- مربی کلمات داخل کارت بنویسد و هنگام سخن گفتن با دانش آموزان یک آن‌ها را به دانش آموزان نشان دهد.

هستم. پدرم اسیران را آزاد می‌سازد و به فقیران کمک می‌کند. او اخلاق نیک دارد و به گرسنگان غذا می‌دهد. من دختر حاتم طایی هستم.»

بله! در این لحظه بود که پیامبر ﷺ فرمود: «او را آزاد کنید زیرا پدرش حاتم طایی صاحب اخلاق نیک و مکارم اخلاق بود.»^(۱)

و حالا این حدیث را با هم تکمیل و تکرار کنیم تا حفظ شویم.

قال الحسن عَلَيْهِ الْكَلَمُ الْمُبِينُ

ان.....الحسن.....الحسن^(۲)

همانا بهترین نیکی‌ها اخلاق خوب است.

والسلام

۱- میرزا حسن نوری: «مستدرک»، قم، موسسه آل البيت، ۱۳۶۸، ۱۸، جلدی، ج ۲، ص ۲۸۴.

۲- علی ابن حسام ابن متفی: «کنزالعمال»، بیروت، مؤسسه رسالت، ۱۴۱۳ هـ، ۱۸، جلدی، ج ۳، ص ۵.

قال الحسن (ع): ان احسن الحسن خلق الحسن

نام درسی

روح الله بازیار

یاران

موضوع

اخلاق

هدف کلی

دانشآموزان در این درس با قسمتی از خصوصیات دوستان مناسب و نامناسب و با برخی از راههای انتخاب دوست آشنا می‌شوند.

اهداف جزئی

دانشآموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند:

۱. صفات دوست خوب.

۲. عوامل دوام دوستی.

۳. تنها ماندن انسان پی دوست.

۴. دوستان بده.

۵. حقوق یک دوست.

هدف رفتاری (خروجی)

از دانشآموزان انتظار می‌رود در پایان درس برخی از ویژگی دوستان و صفات دوست خوب را بیان کنند و به عوامل دوام دوستی اهمیت دهند.

روش‌های مناسب تدریس

۱. توضیحی ۲. فعال (سوال و پاسخ، کارت و...)

رسانه‌های آموزشی

تابلو (واپت پرد و رنگ‌های متنوع ماتریک)



بسم الله الرحمن الرحيم

بچه‌ها! سلام، ان شاء الله که حالتان خوب است و خودتان هم سرحال و آماده‌اید.

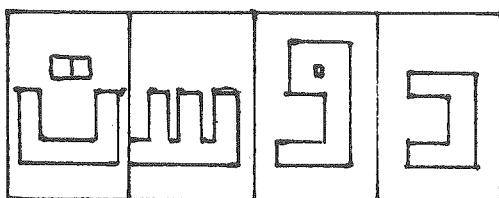
آیا می‌توانید بگویید آن چیست که...

از دانش « DAL » آن را دارد.

از وفا « WAU » آن را دارد.

از سلام « SAIN » آن را دارد.

از تسبیح « TA » آن را دارد.



چه کسی می‌تواند با این حروف یک کلمه‌ی چهار حرفی بسازد؟ آفرین! شما بگویید تا من در تابلو بنویسم.

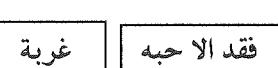
بله! صحبت ما در باره‌ی دولت است.

دوست دارید « دولت » داشته باشید یا « بی دولت » بمانید؟

حضرت علی طیلہ در این باره می‌فرماید: « قَدْ أَحَبَّهُ عَرِبَةً »^(۱)

به این کارت‌ها^(۲) توجه کنید:

غربة فقد لا حبه



۱- فیض الاسلام: «نهج البلاغه»: مرکز نشر، تهران، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۱۵، حکمت ۲۲.

۲- مربی کارت‌هایی در اندازه‌ی مناسب تهیه کند و با خط زیبا حدیث را روی آن‌ها بنویسد.

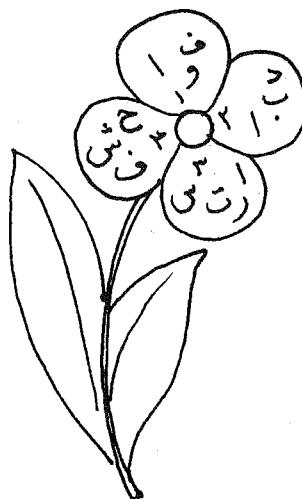
طرف راست: فقد الاحبه

دوباره،... معنی آن چیست؟ بله! حضرت علی علیہ السلام فرمود: «انسان بی دوست تنهاست» راستی! چرا انسان بی دوست تنهاست؟

اگر مشکلی پرای یک دوست پیش آید دیگران چه می کنند؟
آیا کسی هست که او را پاری دهد؟

اگر خواست پازی کند، چه می کند آیا کسی هست که با او پازی کند؟
در درس های مُخود از چه کسی کمک پیگیرد، آیا کسی هست که با او درس پیغوازد؟
شما حتماً دوستانی دارید؟ نام چند تا از دوستان خود را که از کودکی با آنها
دوست بوده اید و حالا هم دوست هستید، نام ببرید. این را هم بگویید که چرا
دوستی شما تا به حال دوام داشته است؟

بله! شما می توانید با استفاده از کلمات داخل گلبرگ های این شاخه گل بگویید
که چه چیزی باعث می شود یک دوستی با دوام بماند.



گلبرگ اول: «وفا» بله! دوست من تا حالا با وفا بوده است.

گلبرگ دوم: «ادب» آفرین! من دوست با ادبی داشته‌ام و برای همین مدت زیادی توانسته‌ایم با هم دوست بمانیم.

گلبرگ سوم: «راست» چی؟ راست، بله! راستگویی. دوست من تلاش بسیاری کرده است که از دروغ گویی پرهیز کند و همیشه انسان «راستگویی» باشد و به همین خاطر خیلی آدم دوست داشتیم است.

اما گلبرگ آخر: «فحش». بله! دوست من به کسی فحش نمی‌دهد، ناسزا نمی‌گوید، بدزبانی نمی‌کند...

آیا دوست شما هم این طور است. اگر دوست شما نیز این صفات را دارد، پس بدانید که دوست خوبی دارید. حتماً شما هم دوستی خود را با او ادامه می‌دهید؟ بله! چنین دوستی می‌تواند انسان را از تنها بی برهاند، ولی عده ایی هم هستند که خودشان را دوست انسان معرفی می‌کنند، ولی در واقع دوست نیستند بلکه با معرفی خودشان به عنوان دوست، با ما دوست می‌شوند.

آیا می‌دانید نام (پین گروه) چیست؟

بله! دوست بد

دوست بد مثل بعضی از  سمی است.

شما می‌دانید که در طبیعت علاوه بر قارچ‌های خوارکی و مفید قارچ‌هایی هم هستند که عده ایی آن‌ها را نمی‌شناسند. این دسته هر چند به شکل دیگر قارچ‌ها هستند، ولی سمی‌اند و خوردن آن‌ها باعث مسمومیت می‌شود.

حالا ببینیم چه دوستانی مثل قارچ سمی‌اند و دوستی با آن برای انسان ضرر دارد.

شما به این قارچ‌ها نگاه کنید و با توجه به حروف به هم ریخته‌ی داخل آن‌ها، بگویید آن دوستانی که به انسان ضرر می‌رسانند و سمی و خطرناک‌اند چه کسانی هستند؟

شما فکر می‌کنید تمام کسانی که با آن‌ها رفت و آمد دارید و در مدرسه یا خانه با آن‌ها برخورد می‌کنید، لیاقت دوستی با شما را دارند؟

جواب شما چیست؟ برای این که این نوع دوست را بشناسید حروف به هم ریخته‌ی این شکل^(۱) را طوری منظم کنید که یک کلمه‌ی با معنی به دست آید. خوب! به نظر شما این دوست خطرناک که مثل یک قارچ سمی ضرر دارد، کیست؟



بله! «احمق» احمق یعنی نادان

راستی! مگر شخص احمق چگونه به انسان ضرر می‌زند که باید از دوستی با او دوری کنیم؟ به یک لطیفه توجه کنید تا بدانید چرا نباید با احمق دوست شد.

۱- مربی یک شکل قارچ در تابلو رسم کند، در آن حروف کلمه‌ی «احمق» را به طور پراکنده بنویسد و پس از یافتن این کلمه و کلمات قارچه‌های دیگر آن‌ها را در ساقه‌ی هر قارچ جای دهد.

شخصی در برابر دوستانش ادعا می‌کرد که ثروتمند است. دوستان او گفتند: «پس ما را به خانه‌ی خود دعوت کن. او هم قبول کرد ویرای این که آبرویش پیش دوستانش نرود، به یک فردی (که مثل این قارچ سمی بود)، گفت: «فردا چند نفر از دوستانم می‌آیند. من برای آن‌ها یک میهمانی ترتیب داده‌ام. از شما می‌خواهم جلوی آنان نقش نوکر را بازی کنی و هر کدام از میهمان‌ها چیزی خواستند، پرسی چه رنگی از آن را بیاورم، مثلاً اگر کسی لیوانی خواست، بپرس: چه رنگی می‌خواهید، قرمز، زرد، سبز و..»

خلاصه روز میهمانی فرا رسید و آن شخص داشت به خوبی وظیفه‌اش را انجام می‌داد. ناگهان یکی از میهمان‌ها احوال پدر صاحب خانه را پرسید. صاحب خانه نوکر را صدا کرد و به او گفت: برو پدرم را صدا کن تا بیاید. نوکر گفت: «آقا کدام پدر را می‌خواهید، قرمز، زرد یا سبز.

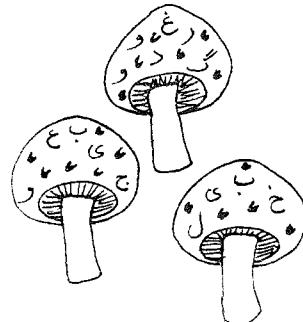
میهمانان زدند زیر خنده، و میزان از این که دید چگونه حماقت او موجب رسوایی شده است شرمنده شد.^(۱)

به نظر شما چرا او شرمنده شد؟

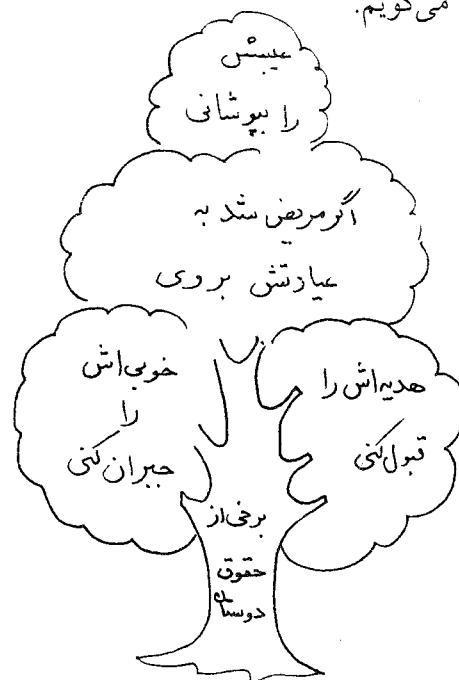
حالا به قارچ‌های دیگری هم که در تابلو رسم می‌کنم.^(۲) توجه کنید و از حروف پراکنده‌ی داخل آن قارچ‌ها کلماتی را به دست آورید که دوستی با آن‌ها که آن صفت‌ها را دارد، سبب ضرر انسان است.

۱- سید هادی مدرسی: «دوستی و دوستان» دفتر بنیاد پژوهش‌های اسلامی، تهران، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۴۵.

۲- مری شکل قارچ‌های دیگر را با کلمات: «بخلیل»، «عبد جو»، «دروغ‌گو» به طور پراکنده پُر کند و در باره‌ی هر کدام به طور مختصر توضیح بدهد.



حالا بچه های عزیز! دوستان خوب شما، به گردن شما حقوقی دارند که من چهار نمونه از حق های آنها را می گویم.



این درخت دوستی است که من برای شما کشیدم. حالا این حقوق را می نویسم و از شما می خواهم آنها را حفظ کنید. بعد تابلو را پاک می کنم و از شما سؤال می کنم تا ببینم چه کسی این حقوق را حفظ کرده است.

فام درس

محمد رضا عابدی

سلام

موضوع

اخلاق

هدف کلی

دانش آموزان در این درس با آداب انجام یکی از سنت های اسلامی «سلام» آشنایی می شوند.

اهداف جزئی

دانش آموزان در این درس با موارد زیر آشنایی می شوند:

۱. سلام نشانه‌ی مهرپاňی، دوستی و محبت.

۲. آداب سلام کردن.

۳. آداب چوای سلام دادن.

۴. موارد سلام و چوای سلام.

هدف رفتاری (خروچی)

از دانش آموزان انتظار می رود که در پایان درس با یکی از سنت های اسلامی و آداب انجام آن آشنا شده و در رفتار اجتماعی خود از آن بهره جویندو آثار مثبت عمل به سنت های اسلامی را در زندگی خود مشاهده کنند.

روش های مناسب تدریس

۱. توضیحی ۲. فعال (پرسش و پاسخ، چدول، شعر)

رسانیه های آموزشی

۱. پلوا (تخته سیاه و گچ)، ۲. کارت پارزی

شنبه

به نام خداوند بخشنده‌ی... مهریان

بچه‌ها! سلام. چه کسی نام این شکل‌ها را خوب می‌داند؟ من یکی آن‌ها را با رسم در تابلو نشان می‌دهم، شما بگویید اسمش چیست؟ اولین شکل این است:



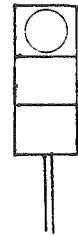
آفرین! مستطیل

(اما نام شکل پُعدی چیست؟)

دایره



از ترکیب این دو شکل یک وسیله را به طور ناقص می‌کشم.
حتماً این وسیله را بارها دیده‌اید، نام آن را می‌دانید؟
کمی راهنمایی می‌کنم، بیشتر در خیابان‌های شلوغ، به
خصوص در چهارراه‌ها و... آن را دیده‌اید. شکل را کامل می‌کنم
تا نام آن را بگویید.



بله! آفرین! چراغ راهنمایی، در چراغ راهنمایی، ۳ چراغ به
رنگ‌های مختلف وجود دارد، چه رنگ‌هایی؟

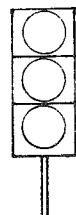
سبز، زرد، قرمز

آیا می توانید، بگویید هر رنگ، نشانه‌ی چیست؟ شما بگویید تا من مقابل هر رنگ بنویسم.^(۱)

قرمز نشانه‌ی ایست (عبور ممنوع)

زرد نشانه‌ی احتیاط (مواظب باشید)

سبز نشانه‌ی عبور آزاد



پس هر رنگ در چراغ راهنمای علامت و نشانه‌ی یک کار مخصوص است، اما امروز می خواهیم بدانیم:

نشانه‌ی «مهربانی و دوستی» چیست؟ آیا شما هم می خواهید بدانید نشانه‌ی دوستی و مهربانی چیست؟ پس با هم یک جدول حل بکنیم، تا متوجه شویم چه کاری نشانه‌ی دوستی است و ماهم سعی کنیم آن نشانه‌ها را در خودمان داشته باشیم. این جدول ۲۸ خانه دارد. من سؤال می کنم، و هر وقت شما جواب صحیح را پیدا کردید، آن را طبق شماره‌های داده شده در جدول قرار می دهیم با «رمز=۴» پیام جدول را به دست می آوریم. برای این کار حرف یکی از خانه‌ها را انتخاب می کنیم و با شماره‌ی رمز حروف را در کنار یکدیگر قرار می دهیم.

۱- بعد از رسم شکل تکمیل شود.

ف	ل	ه	ل	س	ک	ب
۱۴م	۱۳ر	۱۲م	۱۱ا	۱۰ت	۹ت	۸ا
۲۱ه	۲۰س	۱۹ش	۱۸ا	۱۷ز	۱۶ع	۱۵ر
*	۱۷س	۲۶ت	۲۵ر	۲۴ت	۲۳ع	۲۲س

۱- بلال (۱-۱۰-۴)

- مؤذن حضرت رسول خدا (ص):

۲- شهری که حضرت علی (علیهم السلام) در آن په دنیا آمد:

۳- مکه (۱۲-۲-۵)

- یکی از شهرهای کشور سوریه:

۴- شام (۱۹-۱۱-۱۴)

۵- فارس (۷-۱۸-۱۳-۲۰)

- شهر شیراز مرکز آن استان است:

۶- ترس (۲۶-۲۵-۲۷)

- پیغم و مخوب:

۷- سر، مطلب پوشیده و پنهان، آنچه که پاید پنهان داست: راز (۱۵-۱۶-۱۷)

۸- ستاره (۳-۹-۸-۱۳-۱-۲۱)

- شب در آسمان می درخشد:

۹- سال (۲۲-۲۳-۴)

- مدت گردش یک دوره کامل زمین په دور خورشید:

پیام جدول

«بهتر ز هر کلام است.

سفارش اسلام است.

آی بچه ها! سلام است.

این کلام کدام است؟

با هم تکرار می کنیم :

- دسته‌ی اول: بهتر ز.....

- دسته‌ی دوم: سفارش.....

چه کسی می تواند یک حدیث درباره‌ی سلام بگوید!

آفین! السَّلَامُ قَبْلَ الْكَلَامِ (۱)

ترجمه‌ی آن را با هم بگوییم.

دسته‌ی اول: اول سلام

دسته‌ی دوم: بعداً کلام

تکرار می‌کنیم:

سلام، یکی از سنت‌های اسلام است که خداوند در قرآن^(۲) به آن اشاره فرموده و آن را وسیله‌ای برای «اعلام دوستی و محبت» قرار داده است و معناش این است: «هیچگونه دشمنی از جانب من برای شما وجود ندارد و از طرف من در امنیت هستی و من دوستی خود را به تو می‌گویم.»^(۳)

آیا تاکنون به کسی سلام کرده‌اید که جواب شما را نداده باشد، آیا او با شما دشمنی داشت؟

هرگز این طور فکر نکنید! بدانید که سلام کردن را باید به طور صحیح انجام داد. بله! حضرت صادق طیلبا در این باره می‌فرمود: «(هرگز) مسلمانی نگوید من سلام کردم و به من جواب نداد، زیرا شاید سلام کردید و او نشنید.» هر وقت یکی از شما خواست سلام دهد، باید «بلند سلام» بگوید و کسی هم که جواب سلام را می‌دهد، باید بلند جواب دهد. (به طور واضح و آشکار)

۱- محمد باقر علامه مجلسی: «بحار الانوار»، منشورات مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳، ط ۲، ج ۷۸، ص ۱۱۶.

۲- نور، ۲۷ و ۶۱، انعام، ۵۴، زخرف ۸۹، مریم ۴۷، و هود ۶۹.

۳- سید محمد حسین علامه طباطبائی ره «المیزان»، ج موسسه الاعلمی، بیروت، ج ۵، ص ۳۲-۳۴.

و کلینی ره «اصول کافی» چاپ دارالاضواء، بیروت، ج ۲، ص ۶۱۵.

۴- همان، ج دفتر نشر فرهنگ اهل بیت طیلبا، تهران، ج ۴، ص ۴۶۰.

حضرت امام محمد باقر علیه السلام هم می فرمود: ^(۱) مردی یهودی نزد رسول خدا علیه السلام آمد، در آن زمان چند نفر دیگر هم در حضور پیامبر علیه السلام بودند. مرد یهودی گفت: «سام علیکم» یعنی مرگ بر شما!.

رسول خدا علیه السلام در پاسخ فرمود: «علیکم» یعنی بر خودت لحظه‌ای بعد یکی دیگر از یهودیان آمد او هم گفت: «سام علیکم» رسول خدا علیه السلام نیز مانند دفعه‌ی قبل به او جواب داد.

اطرافیان پیامبر علیه السلام با دیدن این وضعیت ناراحت شدند... اما پیامبر علیه السلام به آنان فرمود: «مگر شما متوجه نشید من پاسخ آنان را دادم» و گفتم: «علیکم! آن گاه حضرت علیه السلام فرمود: «هر گاه مسلمانی به شما سلام کرد، به او بگویید «سلام علیکم» و هر کس (به طور صحیح سلام نکرد مثلاً گفت: سام) مثل آن یهودی سلام کرد، در پاسخش بگویید: «علیک» یعنی بر شما!»

در پایان سخنی از حضرت صادق علیه السلام ^(۲) را تقدیم می کنم که حضرت فرمود: «از فروتنی و تواضع این است که به هر کسی برخورد کردن، سلام کنی.»

جواب سلام هم باید بهتر باشد، شما جواب این سلام‌ها را بگویید:

سلام علیکم جواب بهتر این است که بگویید: سلام علیکم

اگرکسی گفت: سلام علیکم علیکم سلام علیکم و رحمة الله

سلام علیکم و رحمة الله سلام علیکم و رحمة الله و برکاته ^(۳)

۱- همان، ص ۴۶۴، ح ۱.

۲- همان.

۳- همان، ص ۴۶۰ و ۴۶۱، ح ۹.

خوب، شیوه‌ی «سلام کردن» و «جواب سلام دادن» را دانستیم حالا به این کلمات دقت کنید.^(۱) آیامی توانید بگویید شایسته است چه کسی سلام را شروع کند؟

کوچک، گروه بسیار، بزرگ، تازه وارد، پیاده، رهگذر، سواره، نشسته،
کسانی که از قبل آمده‌اند، گروه اندک، ایستاده.

حضرت صادق طیلله:

کوچک به بزرگ سلام کند.

رهگذر به نشسته سلام کند.

گروه اندک به گروه بسیار سلام کنند.

سواره به پیاده و پیاده به نشسته سلام کنند.

ایستاده به نشسته، تازه وارد به کسانی که از قبل بودند، سلام کند.^(۲)

حالا، یک شعر^(۳) درباره‌ی سلام. خوب گوش کنید:

خوشخواهی و مهربانیم

ما پیرو قرآنیم

سفارش اسلام است

عادت ما سلام است

مربی در تابلو بنویسد

الف: بلند و به طور آشکار.

ب: صحیح، (سام علیک نگوییم). چه گونه سلام کنیم:

ج: به هر کس برخورد کردیم سلام کنیم

د: جواب سلام را بهتر از سلام بگوییم

۱- مربی در تابلو کلمات را بنویسد و از بین دانش آموزان دو گروه انتخاب کند تا از میان کلمات داده شده «کسی که باید آغاز به سلام کند» را مقابل «کسی که باید به او سلام شود» بنویسد. هر گروه که تعداد بیشتری را نوشت، امتیاز بیشتری کسب خواهد کرد و برنده خواهد شد.

۲- مرحوم کلینی: «بیشین»، ص ۴۶۲ و ۴۶۳، سید محمد حسین علامه طباطبائی ره، بیشین، جلد ۵، ص ۳۴ و ۳۵.

۳- در صورت امکان هم خوانی شود.

به خواهر و برادر	به پدر و به مادر
اول سلام گویم	به هر که رو به رویم
خیرو سعادت آرد	سلام عزت آرد
بهرز هر کلام است	نشان دین سلام است

برای اطلاع بیشتر مردم محترم:

آنچه که از شریعت اسلام در مورد سلام نکردن به بعضی افراد می‌دانیم، دلیلش این است که: مسلمانان طبق دستور آیات قرآن نباید از گروه‌های خاص برای خود سرپرست و دوست انتخاب کنند و نسبت به آنان تمایل داشته باشند، از جمله می‌توان به این آیات اشاره کرد:

«ولاتخذوا اليهود و النصارى أولياء»^(۱)

«لاتخذوا عدوّي و عدوكم أولياء»^(۲)

«ولا تركنا إلى الذين ظلموا فتمسّكهم النار»^(۳)

و....

ولی، گاهی بر اساس مصلحت و اقتضای زمان جهت تبلیغ دین، یا رسانیدن کلمه‌ی حق به آنان، مناسب است به آنان سلام کنیم تا بین ما و آنان نزدیکی حاصل شود و بهتر به اهداف اسلامی خود برسیم.^(۴)

۱- مائده، ۵۱

۲- سمعان، ۱.

۳- هود، ۵۱۳

۴- علامه طباطبائی، پیشین، ص ۳۵ و ۳۶

همان طور که پیامبر اسلام ﷺ به این کار مأمور شد:

«فَاصْحَّ عَنْهُمْ وَ قُلْ سَلَامٌ»^(۱)

و مؤمنان در قرآن با این وصف از آنان یاد شد:

«وَاذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا»^(۲)

مربی محترم! با توجه به شرایط زمان و مکان می توانید از بخش پایانی بحث
صرف نظر کنید و یا آن را با بیانی منطقی و مستدل بیان کنید.

والسلام

نام درس

خوبان و بدان

موضوع

اخلاق

هدف کلی

محمد رضا عابدی

دانشآموزان در این درس با یکی از اقوام معرفی شده در قرآن «بني اسرائیل» آشنا می‌شوند.

اهداف جزئی

دانشآموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند:

(۱) نام پدرخی از اقوام مختلفی که در قرآن آمده است و یا به داستان آنها اشاره گردیده است.

۲. چند کلمه‌ی قرآنی و ترجمه‌ی آن

۳. قوم بنی اسرائیل از صهیونیست‌ها جدا هستند و گروهی از آنان حبوب و عده‌ای دیگر حیله گردند.

هدف رفتاری (اخروی)

از دانشآموزان انتظار می‌رود که در پایان درس فرق صهیونیست‌ها و بنی اسرائیل را بیان کنند. احترام و نیکی به پدر و مادر را در زندگی خود وارد کنند و شرح دهند که قوم بنی اسرائیل افرادی خوب هم (هر چند کم) داشته‌اند که در قرآن از آنان قدر دانی گردیده است.

روش‌های مناسب تدریس

(۱) توضیعی ۲. فعل (پرسش و پاسخ، بازی با کلمات، جدول و...)

رسانه‌های آموزشی

تخته سیاه و کج

خوبی و بیگان

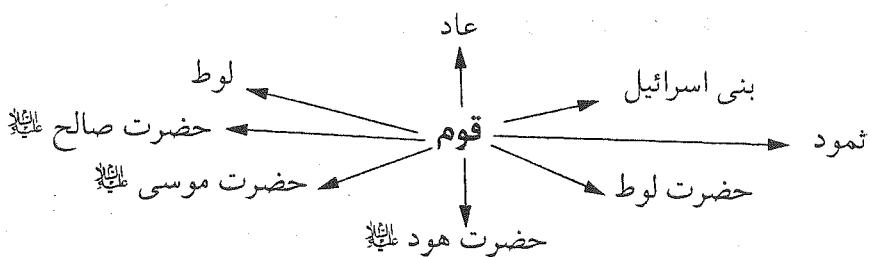
بسم الله الرحمن الرحيم

سلام بچه ها!

درس را با چه شروع کردیم؟ با نام خداوند بخشندۀ مهریان بعد با سلام!
سین اول کلمه‌ی سلام چیست؟

حالا یک معما:

«آن چیست که اشرف دین است اولش «با» و آخرش «سین» است؟»
بله! درست است: کتاب آسمانی ما، «قرآن» که در سوره‌ی حمد، با «بسم الله الرحمن الرحيم» آغاز و با کلمه‌ی «الناس» در سوره‌ی ناس (۱۱۴) ختم شده است.
خوب، حتماً می‌دانید قرآن شامل کلیات احکام مربوط به زندگی است، داستان
هایی هم دارد که پیرامون زندگی اقوام گوناگون است، نام چند قوم را که در قرآن از
آنها یاد شده است، بگویید. من آنها را در تابلو می‌نویسم.^(۱)



۱- مربی کلمه‌ی «قوم» را در وسط تابلو می‌نویسد و آن گاه پایمی بر آن قوم را در طرف مقابل قوم، با علامت فلش مشخص می‌سازد.

قوم^(۱) (بنی اسرائیل) از اقوامی است که بیشترین آیات قرآن را به خود اختصاص داده است،^(۲) البته گروهی از آنان یهودیانی جنایت پیشه‌اند که در تاریخ معاصر هم آن‌ها را می‌شناسیم، جنایتکارانی که بیش از ۵۰ سال است با انواع تجاوز، نیرنگ، توطئه و کشتارهای جمعی، مردم مسلمان فلسطین را از سرزمین اصلی خود بیرون رانده و این کشو را به اشغال خود در آورده‌اند. این گروه، صهیونیست‌هایی هستند که افکارشان، استعماری است و همیشه در صدد استثمار دیگران هستند. بله! این گروه را «اسرائیلی» و منسوب به «اسرائیل»^(۳) (حضرت یعقوب علیه السلام) یکی از پیامبران خدا دانسته‌اند.

البته از نظر اعتقادی، لازم بود یهودیان نیز مسلمان شوند؛ ولی با این وصف صهیونیست‌های خائن با عموم یهودی‌ها تفاوت دارند.

قرآن کریم زندگی آنان را از جنبه‌های مختلف بررسی و ویژگی‌های خاص آن‌ها را معین کرده است. برخی از این ویژگی‌ها را می‌توانیم از جدول^(۴) زیر به دست آوریم.

این جدول نام دو داستان از زندگی یهودیان را در خود جای داده است.

۱- قوم به معنی جماعتی از مردان و زنان است.

۲- سید علی اکبر قرشی: «قاموس قرآن»، چاپ اسلامیه، تهران، ج ۱، ج ۶، ص ۶۷.

۳- عفیف عبدالفتاح طیاره: «يهود از نظر قرآن»، ترجمه‌ی علی منتظمی، انتشارات بخت، تهران، ص ۱۱.

۴- جدول ۷×۲ با رمز ۳ می‌باشد. نام داستان گاو بنی اسرائیل و ماهی‌گیری آنان در جدول است از جدول نام عربی و ترجمه‌ی آن واژه که داستان آن ذکر می‌شود، به دست می‌آید. حرف خانه‌ی اول (ح) را بنویسید و به دست آورید.

ت	گ	ی	و	۵	۵	ح
۱۴	۱۲	۱۲	۱۰	۹	۸	ب
۱۳	۱	ق	۲	۱	۱	ر

دوستان عزیز در این بخش به سؤال‌های من پاسخ دهید تا حروف جواب‌ها را به ترتیب شماره‌های داده شده در جدول بگذاریم.

۱- قمر (۱۱-۱۰-۱۴)

- ماه عدی:

۲- هوا (۲-۱۲-۱۳)

- اطراف زمین را فراگرفته است:

۳- بی تاب (۸-۷-۵-۹-۲)

- «تپ» ندارد

۴- گه (۶-۳)

- مخفف «گاه»

۵- شرم (۱-۵-۹)

- شرم:

۶- مو (۱۰-۱-۴)

- هر چه پیشینیم کوتاه‌تر می‌شود

از داستان‌های این قوم، حیله‌گری آنان در ماهیگیری است (با توجه به کلمه‌ای

که از جدول به دست آورده‌یم) «حوت^(۱)، ماهی»

گروهی از یهودی‌ها بنابر تعلیم حضرت موسی^{علیه السلام} یک روز در هفته را به عبادت خداوند اختصاص داده بودند. آنان در روز خاص، خرید و فروش را رهایی کردند و راهی جایی می‌شدند تا به موعده‌ی حضرت موسی^{علیه السلام} گوش کنند. برای همین،

۱- کهف، ۶۳، با رمز ۳ و انتخاب حرف «ح» در خانه‌ی شماره‌ی یک واژه‌ی عربی «حوت» و ترجمه‌ی فارسی آن (ماهی) به دست آورید و در ادامه کلمه‌ی عربی «بقره» و ترجمه‌ی فارسی آن، گاو را به دست آورید.

این روز برای آنان فوق العاده اهمیت داشت، اما گروهی از بنی اسراییل که در کنار دریا زندگی می‌کردند، بر خلاف دستور حضرت، در آن روز، کار خود را تعطیل نمی‌کردند و به ماهی‌گیری می‌پرداختند. خوب! صید خوبی هم داشتند، زیرا ماهی‌ها در آن روز به طور گسترده به سوی ساحل می‌آمدند، ولی در روزهای غیر تعطیل که یهودی‌ها در صید ماهی آزاد بودند، از ساحل دور می‌شدند. بله! این یک امتحان الهی بود تا معلوم شود چه کسانی به دستور حضرت موسی علیه السلام عمل می‌کنند. (۱)

يهودیان که از این موضوع ناراحت بودند، جلسه‌ایی تشکیل دادند و نقشه‌ای خائنانه کشیدند، آن‌ها در روز تعطیل نهرهایی کنار ساحل حفر کردند. آب دریا را از طریق این نهرها به حوضچه‌هایی که تهیه کرده بودند، هدایت کردند. به این ترتیب در روز تعطیل (شنبه) ماهی‌های فراوانی از طریق نهرها به حوضچه‌ها وارد می‌شدند و یهودی‌ها در پایان روز دریچه‌ی حوضچه‌ها را می‌بستند و روز بعد به سراغ حوضچه‌ها می‌رفتند و ماهی‌ها را به آسانی صید می‌کردند.

بعد از مدتی عده‌ای متوجه حیله‌گری آن‌ها شدند و به آن‌ها هشدار دادند و گفتند این کار، نوعی دروغ (عملی) و خدعاً است، شما با این کار، دستورات الهی را مخالفت می‌کنید، به هوش باشید که «عذاب الهی» شما را فرا خواهد گرفت!

نصایح این گروه در آنان اثر نکرد و همچنان به کار ریخت خود ادامه دادند و حتی این کار را نوعی زرنگی دانستند. خداوند متعال هم آن گروه حیله‌گر را عذاب کرد و

به سزای فسادگری شان رساند. آیا می‌دانید چگونه عذاب شدند؟ چه کسی می‌تواند بگوید؟ بله! سه روز و سه شب عذاب دردنگ و بعد هلاکت و نابودی سرنوشت آنان بود. حالا دوباره با رمز ۳ ادامه‌ی جدول را پی‌گیری کنیم، چه به دست خواهد آمد؟

«بقره، گاو»

بله! کلمه‌ی بقره نام یکی از سوره‌های قرآن نیز هست. در این سوره داستان گاو بنی اسرائیل هم آمده است. داستان درباره‌ی گروهی است که از حیله‌گری به دور بودند و قرآن همان گونه که به معرفی آن گروه حیله‌گر پرداخت، گروهی را هم که صفاتی خوب داشتند معرفی می‌کند و ضمن قدردانی از آنان، درس چگونه زیستن را به ما می‌آموزد.

این داستان، مربوط به خانواده‌ای خوب از میان آنان است. در این خانواده، فرزندی جوان زندگی می‌کرد، جوانی مؤدب و مؤمن که هرگز احترام به پدر و مادر را فراموش نمی‌کرد و وظیفه‌ی خود می‌دانست به آنان احترام بگذارد.

این خانواده که به شغل فروشنده‌ی اشتغال داشتند، مدت‌ها بود که نتوانسته بودند، فروشی داشته باشند و به سختی زندگی می‌کردند، با این حال در زندگی صبر پیشه می‌کردند و منتظر بودند تا زندگی شان سروسامانی بگیرد.

روزی یک مشتری آمد و از آنان تقاضای جنسی کرد. چون پدر به خواب عمیقی فرو رفت، بود فرزند خانواده تا حدی که توانست به مشتری کمک کرد و معامله را به اتمام رساند، آن‌گاه به انبار رفت تا جنس را بیاورد و تحویل مشتری بدهد، اما وقتی به انبار رسید، فهمید که درب انبار بسته است. برای بردن کلید دو باره به مغازه

برگشت، ولی هر چه گشت آن را نیافت تا این که مجبور شد نزد پدر برود و از او سؤال کند، ولی دید که پدر درخواب است. مانده بود که چه کند، آیا پدرش را که تازه به خواب رفته بود، بیدار کند؟ به خود نهیب زد: نه، پدر خیلی خسته است. باز با خودش گفت: اگر او را بیدار نکنم مشتری خواهد رفت و از مغازه‌ای دیگر جنس خواهد خرید!

آیا می‌دانید او سراجام چه تصمیمی گرفت؟

او به طرف مشتری به راه افتاد و ضمن معذرت خواهی از او خواست در یک وقت مناسب برای بردن جنس خود مراجعه کند. اما مشتری نپذیرفت. پسر به ناچار بار دیگر به طرف پدر رفت، ولی گویا پدر قصد نداشت که بیدار شود. پسر جوان با خود گفت: باشد، رضایت پدر برسود معامله ترجیح دارد. و به این ترتیب از بیدار کردن پدر منصرف شد. مدتی بعد پدر از خواب برخاست و جویای اوضاع کار و کاسبی شد. فرزند ماجراهی خود را تعریف کرد. پدر به پاس این کار به او گاوی را که در منزل داشت بخشید. پسر جوان نیر بعدها گاو را به قیمت مناسبی فروخت. به این صورت که گاو او در میان گاوهای قوم یهود تنها گاوی بود که نشانه «گاو مخصوص بنی اسرائیل» را داشت. و بنی اسرائیل مأمور بودند آن را ذبح کنند تا علاوه بر شرکت در آزمایش الهی مسئله‌ای نیز به وسیله‌ی ذبح گاو حل شود. جوان مؤدب و مؤمن به پاس احترام به پدر از آثار احترام به او در دنیا بهره‌مند شد^(۱) و توانست گاو را با قیمتی مناسب بفروشد.

۱- همان، ص ۱۴۶، (با تصرف).

أحكام

نام درس

حمید رضا کریمی

راه روشن

موضوع

احکام

هدف کلی

دانشآموزان در این درس به اهمیت یادگیری احکام پی می‌برند و با برخی از احکام «نماز و روزه» آشنا می‌شوند.

اهداف جزئی

دانشآموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند:

۱. اهمیت یادگیری احکام.

۲. پرخی از احکام شرعی.

۳. پرخی از مبیطلات روزه.

۴. پرخی از واجبات نماز.

۵. پرخی از مبیطلات نماز.

هدف رفتاری (خروچی)

از دانشآموزان انتظار می‌رود در پایان درس علاوه بر درک اهمیت یادگیری احکام، بتوانند برخی از احکام نماز و روزه را بیان کنند.

روش‌های مناسب تدریس

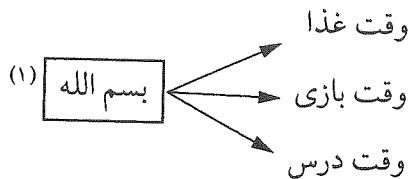
۱. توضیعی ۲. فعال (پرسش و پاسخ، کارت، تمثیل، راز چنگل یا (ایده‌ها))

رسانه‌های آموزنی

تعّثه سیاه، کارت

لهم وش

بسمه تعالى



وقت شیطونی، خوب حواستان جمع است. پس:

اول هر کار بسم الله ، ما هم برنامه‌ی خود را با «بسم الله الرحمن الرحيم» آغاز می‌کنیم. بعد از بسم الله باید به همه‌ی شما دانش آموزان خوب بگوییم.

سلام

چون سلام، سلامتی می‌آورد و نشانه‌ی احترام به دیگران است.
دوستان من! آماده هستید برنامه را آغاز کنیم؟ حالا که آماده‌اید، باید به شما بگوییم، می‌خواهیم با هم به یک اردو و سفر کوتاه برویم و در این اردو باید از میان یک جنگل انبوه و پُر درخت و پُر پیچ و خم عبور کنیم، خوب حاضرید؟
پس سوار مینی بوس بشوید تا حرکت کنیم، نه، نه، مینی بوسی در کار نیست!
این‌ها همه باید در ذهن شما باشد.

۱- مریب از قبل دو کارت مناسب آماده و نهیه کند و روی یک کارت «سلام» می‌نویسد و با استفاده از آن برنامه را شروع می‌کند.

راستی بچه‌ها شما تا به حال به سفر رفته‌اید؟.. پس می‌دانید که راننده‌ی اتومبیل باید در سفر قوانین راهنمایی و رانندگی را رعایت کند تا خدای نکرده تصادف نکند.

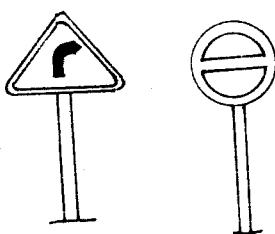
آیا تا به حال تصادف کرده‌اید یا شاهد تصادف دیگران بوده‌اید؟^(۱)

بله دوستان یک راننده‌ی خوب باید:

۱- گواهینامه‌ی رانندگی داشته باشد.

۲- با پیچ و خم جاده آشنا باشد.

در غیر این صورت چه اتفاقی می‌افتد؟ بله! خدای ناکرده تصادف می‌کند، به درجه سقوط می‌کند و یا به کوه می‌زند و یا...



بچه‌ها! در رانندگی توجه به علایم راهنمایی خیلی مهم است، چون آن‌ها روش صحیح رانندگی را به ما نشان می‌دهند به طور مثال به تصاویر نگاه کنید.^(۲)

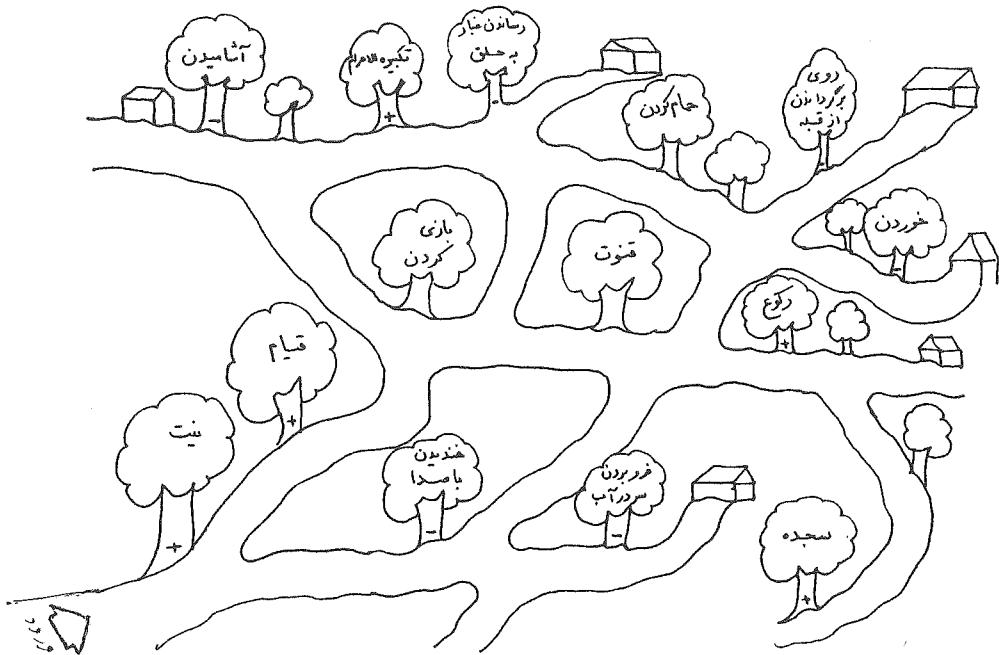
این تابلو یعنی خطر درگردش به راست و راننده با توجه به این علامت باید با احتیاط به سمت راست بپیچد.

۱- مریبی می‌تواند قبلاً از مکانی که قرار است برنامه اجرا شود تحقیق کند و اگر مورد تصادفی بوده آن را مثال بزند.

۲- مریب تصویر دو علامت را روی تخته رسم می‌کند و در مورد آن‌ها توضیح می‌دهد.

سریچ سرعت نگیر جانا مگر دیوانهای (۱)

تابلوی دیگر، ورود ممنوع را نشان می‌دهد و راننده باید مراقب باشد که خلاف نکند. خیلی خوب! برمی‌گردیم به سفر خودمان. بچه‌ها! ما باید خیلی مراقب باشیم؛ هم در این راه و هم در آن جنگل ابوه. شما می‌دانید که اگر راه را بلد نباشیم در جنگل گم می‌شویم، پس باید ابتدا راه عبور از جنگل را پیدا کنیم، ولی چگونه؟ (۲)



۱- مربي از داشن آموزان بخواهد تا اينشعار را تكرار كنند.

۲- مربي همراه با کشیدن درختان و نوشتن کلمات توضیحات لازم را بدهد و يا از قبل تصویر اين جنگل را بکشد.

بچه‌ها! همان طور که می‌بینید در درختان این جنگل کلماتی نوشته شده است. شما باید با توجه به این کلمات، پاسخ صحیح سؤالات را پیدا کنید، آن وقت با ترتیب خاصی که گفته می‌شود این درختان را علامت گذاری کنید. به این ترتیب راه خروج از جنگل نمایان خواهد شد.

یک تذکر: در میان درخت‌ها، درخت‌هایی هستند که پاسخ صحیح نیستند، پس مراقب باشید که راه درست را انتخاب کنید تا راه را اشتباه نروید.

اما سؤالات:

دوستان من! به عنوان «اولین سؤال»، شما باید پنج تا از «واجبات رکنی» نماز را به ترتیب پیدا کنید.^(۱)

(اول): نیت، (دوم): قیام، (سه): تکبیرة الاحرام، (چهارم): رکوع ، (پنجم): سجود^(۲)
یادتان نرود که بر روی تنہی هر درختی که پاسخ سؤال است، علامت مثبت بگذارید.

حالا از شما می‌خواهم ذکر رکوع و سجود را برایم بگویید، بله! همه با هم «سبحان ربی العظیم و بحمدہ» و «سبحان ربی الاعلی و بحمدہ»

بچه‌ها مثل این که یکی از «واجبات نماز» را که در این جنگل است فراموش کردید! بله! قنوت!! درست گفتید، حواس‌ها جمع است، قنوت «واجب» نیست، بلکه «مستحب» است.

۱- مریم با همکاری دانش آموزان و راهنمایی آن‌ها پاسخ صحیح را از میان کلمات پیدا کند. توجه به این نکته لازم است که در واجبات رکنی نماز رعایت ترتیب آن بشود.

۲- «توضیح المسائل مراجع»، دفتر انتشارات اسلامی قم، ۱۳۷۸، ج ۳، ج ۱، ص ۵۵۲. (واجبات نماز)

«دومین سؤال»: شما باید ۲ مورد از مبطلات نماز را پیدا کنید. بچه‌ها! چه

بله! «روی برگرداندن از قبله»^(۱)

چیزی نماز را باطل می‌کند؟

باید در نماز همیشه رو به قبله باشیم و اگر سر خود را عمدتاً از قبله برگردانیم نماز

باطل می‌شود. حالا آن را علامت منفی می‌گذاریم.^(۲)

حالا مورد دوم از مبطلات نماز را پیدا کنید.

بله! «خندیدن با صدا»، یعنی طوری بخندیم که صدای آن به گوش دیگران

بررسد،^(۳) البته خندیدن به هر صورت در نماز خوب نیست. این درخت را هم

علامت منفی» بگذارید.

و آخرين سؤال: شما از میان درخت‌ها، ۴ تا از مبطلات روزه را پیدا کنید.

● «خوردن»: بچه‌ها! خوردن چه چیزی روزه را باطل می‌کند؟ دارو. باز هم

درخت را هم علامت گذاری کنید چه علامتی؟ منفی

● «آشامیدن»: بله! درست است، علامت گذاری کنید. با چه؟ با علامت

منفی.

● «فرو بردن سر در آب»: یعنی فرو بردن سر در آب باعث می‌شود روزه

باطل شود، ولی بچه‌ها مثل این که داخل یکی از این درخت‌ها نوشته شده حمام

کردن، آیا حمام کردن هم روزه را باطل می‌کند؟... اگر سر زیر آب نرود روزه باطل

۱- مریبی با نشان دادن کلمه‌ای که روی درخت نوشته شده است توضیحات لازم را بدهد و در مورد نگاه به راست و چپ هم توضیح دهد و بگویید که اگر رو بر زنگرداند، نمازش باطل نمی‌شود.

۲- مریبی در هنگام بیان مبطلات نماز به این نکته اشاره کند، مبطلات در احکام مانند راه‌های بن بست می‌باشد که ما را از رسیدن به هدف باز می‌دارد. برخلاف راه‌های مثبت «واجبات» که استفاده از آن ما را به هدف می‌رساند.

۳- توضیح المسائل مراجع: پیشین، ص ۶۳۷، (مبطلات نماز)

نمی شود، مثلاً اگر شما دوش بگیرید روزه باطل نمی شود. حالا با علامت منفی علامت گذاری کنید. اما آخرین مورد از مبطلات روزه چیست؟
بله

- «رساندن گرد و غبار غلیظ به حلق»^(۱) مثل وقتی که جارو می زنیم و غبار غلیظ بلند می شود. این درخت را هم با علامت «منفی» علامت بگذارید.
گویا در یک درخت دیگر نوشته شده «بازی کردن»، اما بچه ها بازی کردن روزه را باطل نمی کند.

حالا که پاسخ سؤالات را پیدا کردید، با کمک علامت های مثبت راه خروج از جنگل را به دست آورید. حالا که فهمیدید چطور از این جنگل پرپیچ و خم خارج شدید؟ شما مثل آن راننده ای شدید که علایم راهنمایی را می داند و با احتیاط رانندگی می کند و سالم به مقصد می رسد.

بله! اگر می خواهیم در زندگی سعادتمند باشیم و جزء انسان های خوب و نیکوکار باشیم، باید به احکام عمل کنیم و قبل از عمل به احکام شرعی آنها را بیاموزیم.

امیدوارم که از برنامه امروز استفاده کرده باشید.

والسلام

نام درس

آرامش دل

موضوع

احکام

هدف کلی

دانش آموزان در این درس با برخی از احکام نماز و اهمیت آن آشنا می شوند.

اهداف جزئی

دانش آموزان در این درس با موارد زیر آشنا می شوند.

۱. اهمیت نماز.

۲. پرخی از میطلات نماز.

۳. پرخی از واجبات نماز.

هدف رفتاری (خروچی)

از دانش آموزان انتظار می رود در پایان این درس «اهمیت نماز» را درک کنند و بتوانند برخی از احکام آن را بیان کنند.

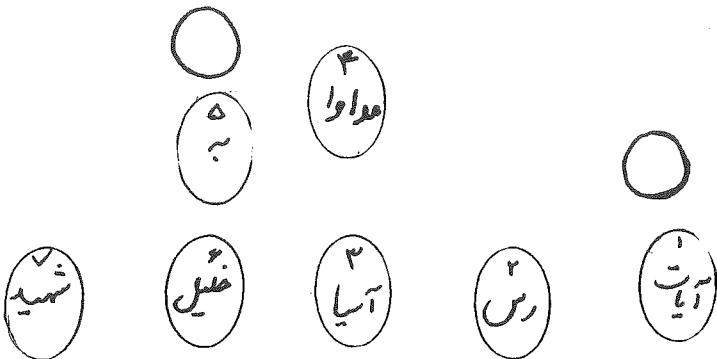
روش های مناسب تدریس

۱. توضیحی ۲. فعال (راز دایره، نمایش، معملا، پرسش و پاسخ، شعر)

رسانه های اموزشی

۱. تخته سیاه ۲. کارت

آن داشتند



بعد از نام خدا و سلام و احوال پرسی با دانش آموزان، مربی اسم شکل های بالا را از دانش آموزان می پرسد. (قطره، پیاز، برگ، گل، و...)

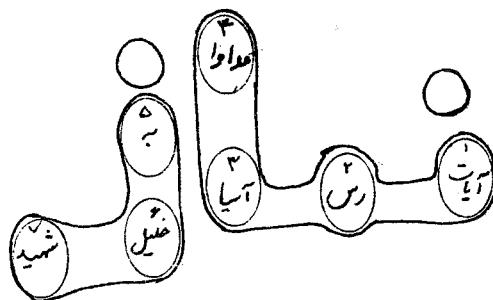
آن گاه سؤالات^(۱) زیر را مطرح می کند:

- ۱- جمع آیه چیست؟
- ۲- پهترين حاک پرای کوره گري چیست؟
- ۳- ایران چه کدام قاره‌ی جهان است؟
- ۴- به درمان و معالجه چه می گویند؟
- ۵- نام میوه‌ای دو حرقوی است؟
- ۶- لقب و صفت حضرت ابراهیم علیه السلام چیست؟
- ۷- به کسی که در راه خدا کشته می شود، چه می گویند؟

۱- مربی جواب صحیح سؤالات را در دایره‌ی مورد نظر می نویسد.

حال اگر این شکل‌ها را به هم وصل کنیم، چه می‌شود؟
 نماز
 بله، ما مسلمان و بندهای خدا هستیم و اعتقاد به پیامبر و قرآن و بهشت و جهنّم
 داریم. خداوند در قرآن به ما دستور داده که نماز بخوانیم. بر هر مسلمان واجب
 است که در شبانه روز، پنج بار نماز بخواند؛ صبح ۲ رکعت، ظهر ۴ رکعت، عصر ۴
 رکعت، مغرب ۳ رکعت، و عشا ۴ رکعت که روی هم ۱۷ رکعت می‌شود.
 این شکل‌های ما یک پیام قرآنی نیز دارد، چه کسی می‌تواند این پیام را به دست
 آورد؟ با اتصال حرف‌های اوّل جواب‌ها به ترتیب شماره (از یک تا هفت) و در
 ادامه با اتصال حرف‌های آخر جواب‌ها از آخر (شماره‌ی هفت تا یک) پیام جدول
 به دست می‌آید:

«نماز، آرام بخش دل‌ها است.»



آری، هر وقت آدمی نماز می‌خواند، دلش آرام می‌گیرد و به خدا نزدیک
 می‌شود.
 آیا دوست دارید برایتان یک شعر قشنگ بخوانم؟ اما اول یک معمامی پرسم اگر
 جواب دادید، شعر می‌خوانم، حاضر هستید؟

با بندگان گمراه

در سوره‌ی حمد

ما را مکن تو همراه

این را در کجای نماز می‌خوانیم؟

آفرین، آیا سوره‌ی حمد را از حفظ می‌دانید؟ بله

پس همه یک بار با هم بخوانیم: بسم الله الرحمن الرحيم.....غیر المغضوب
عليهم و لا الضالين؛ يعني چه؟

بعد از جواب دانش آموزان، مربی شعر زیر را می‌خواند:

انگار تو آسمونم

وقتی نماز می‌خونم

پیش فرشته هایم

من از زمین جدایم

پر می‌زنم تو آسمون

دستای من تو دستشون

می‌چینم از ستاره‌ها

من با اونا مردم بالا

پر میشه جا نماز از ستاره

ستاره از دستای من می‌باره

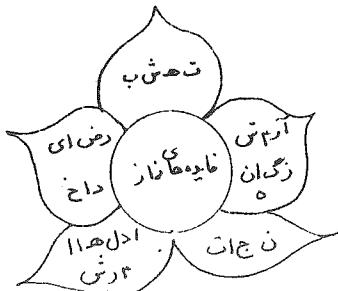
می‌ذند به تو اگر تو هم بخواهی

ستاره‌های رحمت الهی

ترک نکنی قدرش رو بدونی

به شرطی که نمازو بخونی

خوب، بچه‌ها، نماز چه فایده‌هایی دارد؟ خیلی فایده دارد:



خوب، بچه‌ها خسته شدید، آن‌هایی که خسته هستند صلوuat بفرستند.

مثلاً این که همه خسته هستید؟ می دانم شما بچه های زرنگی هستید و خسته نمی شوید. چون صلووات ثواب زیادی دارد، شما صلووات فرستادید.
برای این که خستگی از شما بر طرف شود این حدیث را با هم حفظ کنیم: (روی تخته سیاه)

قال علی طیب‌الله: «أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَيَّ اللَّهِ الصَّلَاةُ»

یک بار دیگر خوب چه کسی حفظ کرد؟

آن هایی که حفظ کردند، سرها یشان بالا و بخوانند: (نه) بعضی نگاه می کردند.
این بار دست ها روی چشم ها بگذارند. (نه، بعضی بین انگشتان نگاه می کردند.)

این بار پاک می کنم. (نیمه پاک)، (نه، جایش پیدا بود)

این بار پاک پاک، آفرین خیلی خوب حفظ کردید.

مربی در این قسمت از کارت ها استفاده می کند. کارت ها را پشت سر هم مرتب

می کند و از دانش آموزان می پرسد:

از چه کسی **تسلیک** کنیم؟ در کارت بعدی نوشته شده است: از **فضل**.

چرا از خدا تشکر کنیم؟ زیرا به ما **نعمت** داده است.

چه نعمتی داده است؟ **گوش**.

دیگر چه؟ **پیش** **زبان**

با زبان چکار می کنیم؟ **قرآن** می خوانیم.

دیگر.....

آیا می دانید چند نوع تشکر داریم؟ (دونوع)، یکی با **زبان** مثل **الحمد لله**

عمل نماز
اجرای نمایش

مری می تواند با هماهنگی قبلی تعدادی از دانش آموزان را انتخاب کند و از آنان بخواهد تا مبطلات نماز را به صورت نمایشی برای جمع کلاس اجرا کنند. سپس از دانش آموزان بخواهد تا با نگاه کردن دقیق به حرکات نمایشی دوستانشان، عمل خاصی که سبب باطل شدن نماز می شود بیان کنند و توضیح دهند.

کسی که توانست جواب صحیح بدهد، مورد تشویق مناسب قرار بگیرد. (همچنین می توان با تعداد کمتری از دانش آموزان، مبطلات نماز را بیان کرد؛ به این صورت که یک نفر در طول نمایش، چند عملی که سبب بطلان نماز می شود را انجام دهد).

نفر اول: در جایی که ایستاده و نماز می خواند. یادش باید که «غصی» است صاحب آن راضی نیست که در آن جا نماز می خواند. (۱)

نفر دوم: (یا همان شخص اول) در وسط نماز خواندن، چند خمیازه بکشد و خوابش ببرد. بعد از مدتی از خواب بیدار شود و نمازش را ادامه دهد. (۲)

نفر بعد: در وسط نماز، از جیبش خوراکی در بیاورد و بخورد (یا تخمه بشکند) و یا لیوان آبی را از روی میز در کنار دستش (یا روی زمین در هنگام سجده رفتن)

۱- اگر در بین نماز یکی از شرایط صحیح بودن آن از بین برود؛ نماز باطل است. (توضیح المسائل امام خمینی، م ۱۱۲۶ به بعد)

۲- اگر در بین نماز، چیزی که وضو با غسل را باطل می کند، پیش باید نماز باطل می گردد.

بردارد و آن را بیاشامد.^(۱)

نفر بعد: با صدای بلند در وسط نماز شروع به خندهیدن کند.^(۲)

نفر بعد: با صدای بلند در وسط نماز گریه کند.^(۳)

نفر بعد: در بین نماز مشغول صحبت کردن بشود.^(۴)

نفر بعد: در وسط نماز روی خود را از قبله برگرداند.^(۵)

نفر بعد: در هنگام نماز خواندن، دست هایش را بر هم بگذارد.^(۶)

نفر بعد: در بین نماز به هوا پرداز و یا دست بزند.^(۷)

نفر بعد: بعد از خواندن سوره‌ی حمد، «آمين» بگوید.^(۸)

نفر بعد: در نماز دو رکعتی یا سه رکعتی، شک در تعداد رکعت‌ها بکند.^(۹)

نفر بعد: یکی از ارکان نماز (مثلاً رکوع) را کم یا زیاد کند. (اصلًاً رکوع نرود و یا دو

۱- خوردن و آشامیدن در بین نماز، سبب بطلان آن می‌گردد.

۲- اگر نمازگزار عمدًاً با صدا بخنده، نمازش باطل می‌گردد. لبخند زدن نماز را باطل نمی‌کند.

۳- اگر نمازگزار برای کار دنیا عمدًاً با صدا گریه کند. نمازش باطل است، اما گریه‌ی بدون صدا و یا گریه برای آخرت نماز را باطل نمی‌کند.

۴- اگر نمازگزار عمدًاً کلمه‌ای بگوید و بخواهد با آن معنایی را برساند، نماز باطل می‌شود، اگر چه آن کلمه معنایی نداشته باشد و یک حرف هم باشد.

۵- اگر عمدًاً به مقداری روی خود را از قبله برگرداند، به طوری که نگویند رو به قبله است، نمازش باطل است.

۶- اگر مثل بعضی افراد که شیعه نیستند در حال نماز دست‌ها را روی هم بگذارند، نماز باطل است.

۷- اگر در بین نماز کاری کند که صورت نماز را بر هم زند؛ مثل: دست زدن، به هوا پریدن و مانند این‌ها، هر چند از روی فراموشی باشد، نماز باطل می‌شود.

۸- اگر بعد از حمد، عمدًاً «آمين» بگوید، نماز باطل است، ولی اگر اشتباهاً یا از روی تقهیه بگوید نمازش باطل نیست.

۹- شک در رکعت‌های نمازهای واجبی که چهار رکعت نیستند و نیز شک در رکعت اول و دوم نمازهای واجب چهار رکعتی.

بار رکوع برود^(۱)

مربی می‌تواند چند مورد دیگر که نماز را باطل نمی‌کند به صورت نمایشی ارائه

دهد:

۱ ° سرفه کردن یا آروغ زدن

۲ ° لبخند زدن.

۳ ° جواب «سلام» را دادن.(در نماز نباید به کسی سلام کرد، ولی اگر کسی به نمازگزار سلام کند، واجب است جواب او را بدهد و باید «سلام» را مقدم بدارد؛ مثلاً بگویید: «السلام عليک» یا «سلام عليکم».

۴ ° آه کشیدن.

همچنین می‌توان مواردی که در نماز «مکروه» است را نیز با نمایش ارایه کرد:

۱ ° بر هم گذاشتن چشم‌ها.

۲ ° بازی کردن با انگشتان و دست‌ها.

۳ ° سکوت کردن هنگام خواندن حمد یا سوره یا ذکر، برای شنیدن حرف کسی.

۴ ° هر کاری که خشون و خضوع را از بین می‌برد.

۵ ° برگرداندن صورت به طرف راست یا چپ به مقدار کم.

شکستن نماز واجب (رها کردن آن) «حرام» است، مگر در حال اضطرار و ناچاری، مانند: حفظ جان، حفظ مال، جلوگیری از ضرر مالی و بدنی.

۱- اگر رکن نماز (چیز) را عمدتاً یا سهوأ کم یا زیاد کند، یا واجب غیر رکنی را عمدتاً کم یا زیاد کند، نماز باطل می‌شود.

نام درس

بهنام لطفی

پاکیزه و با حیا باشیم

موضوع

احکام

هدف کلی

دانش آموزان در این درس با برخی از احکام «تخلى» آشنا می شوند.

اهداف جزئی

در این درس دانش آموزان مطالب زیر را درک می کنند:

۱. حرام پومنشستن به طرف قبله در دستشویی.

۲. وجوه پوشانیدن عورتیں هنگام تعطی.

۳. کراحت ایستاده پول کردن.

۴. وجوه شست و شوی مخدع پول با آب.

۵. کراحت ادارار در آب های راک.

هدف رفتاری (خروجی)

بعد از این درس انتظار می رود دانش آموزان هنگام ادوار کردن و... ایستاده و به طرف قبله نباشند، آب های راک، کوچه های خلوت، زمین های خصوصی مردم و... «تخلى» نکنند.

روش های مناسب تدریس

۱. توضیحی ۲. فعال (پرسش و پاسخ، چدول، معما، لطیفه، محاطره، شعر)

وسائط های آموزشی

علامت اختصاری که روی درهای دستشویی می زند (تپلوی پذرگ)، یک طرف پر از آب، یک قطره چکان.

داستان خاطراتی

به نام خداوند بخشندۀ مهریان

بچه‌ها سلام! حالتان چوب است؟ ببخشید حالتان خوب است؟ خوب خوب
خوب یا فقط چوب؟ ای بابا! چرا من اشتباه می‌کنم، حالتان فقط خوب یا خوب
خوب یا خوب؟ امیدوارم همیشه خوب و سلامت و پیروز و سرزنشه باشد.

دوست دارید برایتان خاطره‌ای شیرین، شنیدنی و خنده دار از دوران کودکی
وحید نقل کنم؟ شاید این اتفاق برای بعضی‌ها هم افتاده باشد (البته نه برای
شما) ^(۱) پس خوب گوش کنید و تنبیلی را هم فراموش کنید! آقا وحید گل تعريف
می‌کرد: آن روز من خیلی خوشحال بودم چون قرار بود دایی و زن دایی و چند تا از
فamilی‌های دور و نزدیک برای صرف شام به خانه‌ی ما بیایند. خوشحالی من دو
علت داشت که یکی بازی کردن با مجید (پسر دایی ام) و دیگری، بخور، بخور
مفصلی بود که مادر برای میهمانان آماده کرده بود. سرانجام مهمان‌ها سررسیدند و
چند ساعت بعد سفره‌ی شام چیده شد. غذاهای رنگارانگ و خوشمزه پشت سر
هم چشمک می‌زدند. پدرم از مغازه سرکوچه یک جعبه نوشابه خریده بود و خربزه
هم در سفره داشتیم. من هم که هر وقت خربزه می‌دیدم آب از لب و لوجه‌ام
می‌ریخت، عاشق خربزه مشهدی بودم، حمله به غذاها شروع شد. سروصدا زیاد

-۱- مریم این جمله را با خنده بگوید.

بود در آن شلوغی من تا می‌توانستم خربزه خوردم چند تا نوشابه هم سرکشیدم و خلاصه آنقدر خوردم که شکم مثل طبل شد.

آخر شب که میهمان‌ها رفتند، تلویزیون فیلم خوبی داشت برای همین دراز کشیدم تا به فیلم نگاه کنم ولی لحظاتی بعد خوابم برد. دقایقی بعد مادر مرا بیدار کرد که به دستشویی بروم، ولی چون خواب آلود بودم به عوض دستشویی به اطاق خواب رفتم و خوابیدم.

صبح با سر و صدای بچه‌ها بیدار شدم، ولی همین که خواستم بلند شوم دستم خیس شد. بچه‌ها! چشم شما روز بد نبیند، از ترس سر جایم خشک شدم. من رختخواب خود را خیس کرده بودم، مثل این که شب باران آمده و فقط جای من خیس شده بود! اگر مادرم می‌فهمید کتک مفصلی باید نوش جان می‌کردم. برای همین از جای خود بلند نشدم مثل (ای کی یوسان^(۱)) فکر می‌کردم تا شاید راه چاره‌ای پیدا کنم که یک دفعه فکری به سرم زد. فوراً به خواهر کوچکم وحیده گفتم: «وحیده! وحیده! برايم آب بیاور.»

وحیده از طاقچه یک لیوان آب برداشت تا به من بدهد. با تندي گفت: من خیلی
تشنه‌ام برو با پارچ آب بیار!

وحیده رفت از داخل یخچال پارچ را آورد.

نقشه‌ام این بود که تا پارچ به دستم داد، آن را ول کنم و آب رخت خواب را خیس کند و من به مادر و بچه‌ها بگویم: «رخت خواب به خاطر ریختن آب خیس شده چه

۱- شخصیت کارتونی که از تلویزیون در برنامه‌های کودکان نمایش داده می‌شد و بچه‌ها به او علاقه دارند.

نقشه‌ای!»

در همین موقع بود که مادر متوجه شد. او داشت با دست روی تشک می‌کشید. مثل کارگاه پلیس (گجت^(۱)) که گویا متوجه چیزی شده، دنبال آثار جرم می‌گشت. من مثل فنر از جا پریدم و با شلوار خیس و «نجس» به کوچه فرار کردم. مدتی در کوچه بودم تا این که پدرم را دیدم که دو تا نان در دست گرفته و به طرف خانه می‌آید او به من گفت: «وحید در کوچه، چه می‌کنی؟»

من خجالت می‌کشیدم علتش را بگویم ولی وحیده خانم که در را برای پدرم باز کرده بود فوراً گفت: «بابا! دیشب جای داداش وحید باران آمده بود!»

پدرم که داشت می‌خندید، گفت: «خدا را شکر که سیل نیامده!»

بعد دست مرا گرفت و به مهریانی گفت: پسر خوبیم تو باید به فکر مادر هم باشی، او با زحمت فراوان رخت خواب، فرش،... و خیلی از چیزهایی را که نجس شده است^(۲) باید بشوید و آب بکشد. حالا دیگر به من قول بدی که شب‌ها قبل از خواب به دستشویی^(۳) بروی... حالا با این کار مادرت را کمک کن. من هم قول می‌دهم تو را تنبیه نکنم.

به این ترتیب بود که هر دو رفته‌یم داخل خانه.

بچه‌ها! امیدوارم از این خاطره‌ی طولانی که برای شما گفتم خوشتان آمده باشد.

۱- شخصیت محبوب کارتونی بچه‌ها.

۲- رساله‌ی عملیه‌ی آیت‌افاضل، احکام نجاسات، م ۱۷ (در این قسمت دانش‌آموز نجس بودن ادرار را می‌فهمد).

۳- مریب در این جا مقداری در ارتباط با ضرر نگاه داشتن بول از نظر پزشکی (در حد فهم دانش‌آموزان) توضیح دهد.

حاله برای این که مثل وحید دچار مشکل نشویم، باید چه کنیم؟ آفرین! قبل از خواب و یا هر وقت نیاز به دستشویی بود، به دستشویی یا توالت برویم. چه کسی احکام آن را می‌داند مثلاً به نظر شما در دستشویی باید به کدام طرف نشست؟ معلوم است به طرفی که کاسه توالت است اما اگر در بیابان یا صحراء (در مسافرت و جاهای دیگر) بودید چه باید کرد و به کدام سمت دستشویی کرد؟ احسنت! دوست خودتان را تشویق کنید. هنگام نشستن باید «رو به قبله» و «پشت به قبله» نباشیم.^(۱)

بچه‌ها خسته شدید، کی خسته است؟ دشمن بله! دشمن خسته می‌شود ولی شما همیشه سرحال و با انرژی هستید. من هم برای این که لبخندی بر لب شما نقش بیندد برایتان لطیفه‌ای تعریف می‌کنم. روزی مردی مريض که غذای نامناسب خوردده بود (اسهال داشت پشت سر هم به دستشویی می‌رفت) سوار اتوبوس شد تا به تهران برود. در طول مسیر همین که ماشین مقداری حرکت کرد به راننده گفت: «آقا! بی زحمت نگهدار!». راننده هم ماشین را نگه می‌داشت تا این که او به دستشویی برود او چند بار این کار را انجام داد. در نزدیکی‌های تهران از ماشین پیاده شد و پشت دیوار خرابه‌ای رفت، از آن جا داد زد: «آقا! راننده! شما بروید من بعداً خودم می‌آیم. دیگر از مسافرین و شما خجالت می‌کشم!!».

بچه‌ها! ان شاء الله که شما مريض نشويد. به نظر شما آیا می‌شود جایی جهت

نخیر

دستشویی نشست که محل رفت و آمد مردم باشد؟

آیا می‌شود زیر درخت، در کوچه‌ی بن بست یا در مکانی که صاحب‌ش راضی نیست، دستشویی کرد، جواب همه‌ی این سؤال‌ها چیست؟ بله! یک نخیر بزرگ، نگاه کنید^(۱)

بله! این کار خیلی زشت است، به عنوان مثال آیا شما دوست دارید صبح زود که برای خرید نان و یا رفتن به مدرسه از کوچه رد می‌شوید بوی گل را احساس کنید و چشم شما به گل و درخت و بلبل بیفتند یا به چیزهای دیگرا!

حضرت رسول اکرم ﷺ چه زیبا فرمود: «کسی آدم فهمیده‌ای است که برای خود جایی مناسب جهت دستشویی انتخاب کند^(۲)»

بچه‌ها حتماً دیده‌اید که روی بعضی دیوارها نوشته‌اند: «شهر ما خانه‌ی ماست.» «محیط زیست خود را آلوده نکنیم.»، «زیبایی طبیعت را از بین نبریم.» چرا؟ در این جا می‌خواهیم برای شما شعری از زبان پرنده برای درخت بخوانم تا از نعمت‌های خدا خوب استفاده کنیم و آن‌ها را آلوده نسازیم. خوب گوش کنید

ز رقص شاخ و برگ تو

میان دست‌های باد

پر از ترانه می‌شوم

۱- مربی کارت بزرگی را نشان می‌دهد که کلمه‌ی (نه) روی آن نوشته شده است. و نیز مربی چند درخت و یک کوچه بکشد و با ضربدر قرمز روی علامت بفهماند که زیر درخت و... دستشویی کردن منوع است.

۲- احسانبخش: «آثار الصادقین»، ستاد اقامه نماز جمعه گیلان، رشت، ۱۳۶۷، ج ۳، ۲، ص ۱۱۰ «قال رسول الله ﷺ من فقه الرجل ان برتاب موضعأ لبولة».

ترانه‌های شاد شاد

پرنده‌ام پرنده‌ای

که عاشق صدای توست

پرنده‌ای که لانه‌اش

به روی دست‌های توست

تویی که هستی ای درخت

همیشه مست التماس

ببر به سوی آسمان

دو باره دست التماس

دوباره از صمیم دل

خدا خداکن ای درخت

بخوان سرود زندگی

مرا دعاکن ای درخت

(یحیی علوی فرد)

امیدوارم از شنیدن این شعر لذت برد و در پاکیزگی محیط زندگی خود و گهداری از درخت‌ها کوشایید. حالا به بازی با کلمات دقت کنید! (۱)

۱- آیا در مدرسه شما سرویس‌های بهداشتی برای دستشویی رفتن قرار داده

شده است.

ایست

۲- پلیس به کسی که در حال فرار است چه می‌دهند؟

۳- اگر شما در اتوبوس شرکت واحدروی صندلی نشسته باشید و پیرمردی وارد

ایستاد

شود، چه وظیفه‌ای دارید؟ بله باید

گاهی بعضی بچه‌ها در بعضی جاهای چگونه ادرار می‌کنند؟ (۲) ایستاده

آیا این کار خوب است؟ جواب روشن است، باز هم نخیر بزرگ

این کار خوب نیست (۳) چون در این موقع ذرات ادرار به شلوار و.. می‌خورد (به

این کار «ترشح نجاست» می‌گویند) و با آن شلوار نجس و کثیف دیگر نمی‌توان نماز خواند.

بچه‌ها! آیا شما به شنا علاقه دارید، آیا به استخر برای شنا کردن رفته‌اید؟ نام چند شنا را بگویید! کral، پروانه، قورباغه‌ای

بچه‌ها! یادتان باشد قبل از وارد شدن به استخر به دستشویی بروید! اگر در آب

استخر ادرار کنیم باعث مريض شدن خيلي‌ها خواهیم شد.

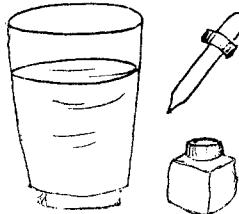
به این شيشه‌ی آب که در دست گرفته‌ام نگاه کنید! با این قطره چکان یک قطره

۱- مربی کلمات را در تابلو بنویسد.

۲- مربی چندمثال ملموس برای بچه‌ها بزند.

۳- حضرت آیت‌الله فاضل، پیشین، م ۸۳

کوچک مرکب داخل این آب می‌ریزیم نگاه کنید چه اتفاقی می‌افتد؟



بله! رنگ آب تغییر پیدا می‌کند و اگر این مرکب، میکروب باشد آب را آلوده و کسانی را که از این آب استفاده کنند مريض خواهد کرد، فرقی هم نمی‌کند در آب‌های راکد باشد یا در رودخانه‌ها و جاهای دیگر^(۱) به همین خاطر حضرت رسول اکرم ﷺ فرمود: «آب‌های مورد نیاز مردم را آلوده نکنید.»^(۲)

... بچه‌ها! دوست دارید بعد از شنا کردن در استخر در یک مسابقه‌ی دیگر که به قدرت دست بستگی دارد، شرکت کنید، چه کسانی می‌خواهند در مسابقه شرکت بکنند؟ هر کس آماده است دست خود را بلند کند! این دو نفر را تشویق کنید! شما دو نفر خودتان را^(۳) معرفی کنید.

مسابقه‌ی شما به این شکل است که با استفاده از چهار انگشت دست چپ (بدون کمک گرفتن از انگشت شست) جای سر خودکاری را عوض کنید! بچه‌ها! دوستان خودتان را تشویق بکنید.

شما دیدید که خداوند متعال به ما خیلی نعمت داده است و هر چه داریم از

۱- همان، م ۸۳، ۶۷.

۲- کافی، ج ۳، ص ۶۵، «الأنفسد على القوم ماءهم».

۳- مریبی دست خود را به شکل گرفتن میکروفن به بچه‌ها نشان دهد و بعد آن را به شرکت کننده‌ها بدهد شرکت کننده‌ها نیز دست‌های خود را به همان حالت در آورند و به سؤال‌ها پاسخ دهند.

اوست، حتی ما بدون استفاده از انگشت شست نمی‌توانیم سرخودکار را به راحتی عوض کنیم. خوب! یادمان باشد که هنگام طهارت گرفتن در دستشویی با کدام دست طهارت بگیریم؟

بله! با دست چپ^(۱) آن هم با آب و دویار^(۲)

حالا نوبت به پرسیدن یک معما رسید. معما به صورت شعر است خوب گوش کنید و پاسخ آن را بدھید!

لیز می‌خوری گل ناز
باشم درون حمام
مستطیل و کوچکم

مرا زمین نینداز
آخر حرف، این کلام
بگو چه هستم تکم
بله! جواب معما صابون بود.

بچه‌ها حالا با هم دسته جمعی این شعر را که در باره‌ی صابون است بخوانیم!

برای دستشوییم
پیش همه عزیزم
با آب بزن به صورت
پاک و تمیز و زیبا^(۳)

برای دست و رویم
سفیدم و تمیزم
مرا بکش به رویت
تا باشی مثل گل‌ها

بچه‌ها! آیا می‌دانید حضرت رسول اکرم ﷺ در باره‌ی پاکیزگی چه فرموده است؟

۱- حضرت آیت‌الله فاضل، پیشین، م ۸۲

۲- مریم آب قلیل و کر را برای بچه‌ها توضیح دهد.

۳- ابراهیم حافظی: «آی بچه‌ها، نظافت، نظافت» (ج اول، ۱۳۷۸، تهران، ص ۴).

پیامبر ﷺ فرمود: «پاکیزگی و تمیزی از اخلاق پیامبران است.»^(۱)

بچه‌ها برنامه را با خواندن دعایی به پایان می‌بریم من دعاها را می‌خوانم شما در جواب تکرار کنید! «خدایا، خدایا، خدایا»، آماده‌اید، شروع می‌کنم:

خدایا، خدایا، خدایا	خدایا ریشه کن، ظالمین را
خدایا، خدایا، خدایا	بشوی از لوث ناپاکان زمین را
خدایا، خدایا، خدایا	به جز حب علی ﷺ چیزی نداریم
خدایا، خدایا، خدایا	نگهدار از برای ما همین را

۱- «من اخلاق الانبياء التنظف»، احسانیخش، «آثار الصادقین» ستاد اقامه نماز جمعه گیلان، ج ۲۳، ۱، ۱۳۷۴، رشت، ص ۳۲۳.

نام درس

حسن مینا

وضو

موضوع

احکام

هدف کلی

دانشآموزان در این درس با برخی از احکام وضو و تیم آشنایی شوند.

اهداف جزئی

دانشآموزان با موارد زیر آشنایی شوند:

۱. احکام وضو

۲. بعضی از احکام وضوی چهیده

۳. تیم

هدف رفتاری (خروچی)

از دانشآموزان انتظار می‌رود در پایان درس بتوانند به طور صحیح و کامل
وضو بگیرند و همچنین وضوی جبیره و تیم را به خوبی انجام دهند.

روش‌های مناسب تدریس

۱. توضیحی ۲. فعال (پاپوتومیم، داستان، و...)

رسایه‌های آموزشی

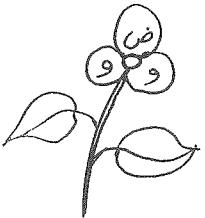
گل، تصویر، کارت



به نام خداوند بخشاینده مهربان

سلام علیکم! بچه‌ها، حالتان خوب است، بهتر شدید، یا بهتر بودید، راستی من
چرا سلام کردم، اصلاً چرا ما سلام می‌کنیم؟ بله! سلام سلامتی می‌آورد، سلام
دستور اسلام است و هر کس که با فرد دیگر رو به رو می‌شود باید اول سالم کند.
بعضی‌ها هم هنگام دیدار با افراد دیگر به آن‌ها هدیه می‌دهند، مثلاً یک کتاب، یک
قلم، یک شکلات و یا.... چه چیزهای دیگر؟
بله مثلاً یک گل.

چرا گل را به همدیگر هدیه می‌دهیم؟



چون هم زیباست، هم تمیز و پاک است. و هم تماشایی است، هم زیباترین
نشانه‌ی خلقت خدا و هم زیباترین سروده‌ی باغ و بستان است. دوستان من! در هر
گلی رازی نهفته است که آن راز مربوط به هدف خلقت آن گل است. ما هم در این
گل یک راز قرار داده‌ایم و امیدواریم شما آن را کشف کنید. من سه معملاً مطرح
می‌کنم تا شما راحت‌تر به راز آن گل بی ببرد.

آن چیست که من ندارم، تو پکی داری، آقای داودی دو دارد؟

واو

آن چیست که مثلت سه تا دارد، مربع چهارت؟
 آن چیست که با چند تا از آن‌ها قطار درست می‌کنند؟^(۱)
 آیا حالا می‌توانید رازی که در گل قرار داده‌ایم. کشف کنید؟ بله! وضو
 ما وقتی می‌خواهیم برای صحبت کردن با خدا آماده شویم و با اوراز و نیاز کنیم،
 وضو می‌گیریم.

چه کسی می‌خواهد وضو بگیرد تا بینم و فویش درست است یا نه؟
 چون می‌دانم همه‌ی شما حاضرید وضو بگیرید من هم کاری می‌کنم که همه
 بتوانید وضو بگیرید، برای این کار لازم است همه آستین‌ها را بالا بزنید^(۲) همه، همه
 آستین‌ها بالا، خوب! حالا یک حوض فرضی در جلوی خود بکشید؛ کشیدید یک
 حوض زیبا با یک شیر قشنگ، خوب، درست شد یا نه؟ بلند جواب بدھید؟... پس
 شیر را باز کنید؛ نه، نه خیلی باز نکنید آب اسراف می‌شود و «خدا اسراف کاران را
 دوست ندارد». او در قرآن می‌فرماید: «إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»^(۳) بلند بگویید «انه
 لا يحب المسرفين». پس هر بار که شیر را باز کردید و آب برداشتید، دوباره آن را
 بپنديد.

خوب! حالا که شیر را باز کردید، اول یک مقدار از آن بنوشید! صبر کنید من هم
 این شیر آب را باز کنم. به، چه آب خنکی!

-
- ۱- مری مختارم حروف اول کلمات را به ترتیب در گلبرگ‌ها قرار دهد و از دانش‌آموزان بخواهد کمله‌ی مورد نظر
 (وضو) را پیدا کنند.
 - ۲- مری مختارم از بچه‌ها بخواهد آستین‌ها را بالا بزنند، ولی در مورد دختران لازم نیست، کافی است آب فرضی در
 جلوی خود نصب کنند و طبق فرمان مری قسمت‌های مختلف وضو را به صورت نمایش پانتومیم اجرا کنند.
 - ۳- انعام، ۱۴۲.

وقتی آب می نوشیم چه می گوییم؟ سلام بر حسین طلاّ.

بله! (۱) حالا یک مشته آب پردارید. پرداشتید یا نه؟

بله! حالا پریزید، از رستنگاه مو رویختید یا نه؟

بلند بگو بله. آفرین جانم!

بله صورت خود را قشنگ پشور. شستی یا نه؟

بله! گوشی چشم‌ها، گوشی چشم‌ها را هم شستی یا نه؟

بله! دقق کنید، قی نپاشد. حالا گوشی پینی را پشویید. شستی یا نه؟

جواب بلند... آفرین جانم!

بله! گوشی لب‌ها را شستی یا نه؟

بله! تا کجاها را پاید پشوریم، تا زیر چانه؟

بله! کار صورت را تا کجا؛ تا پهناى دست؟

بله! پین دو انگشت، شست میانی، یک کمی پیشتر شستی یا نه؟

بله! حالا دوپاره آب پردارید. پرداشتی یا نه؟

بله! حالا دست راست، از کجا، بالای آرچ. شستی یا نه؟

بله! سپر را پیند، اسراف نشود، پستی یا نه؟

بله! قشنگ پشور تا به کجا؛ پایین دست. شستی یا نه؟

بله آفرین جانم!

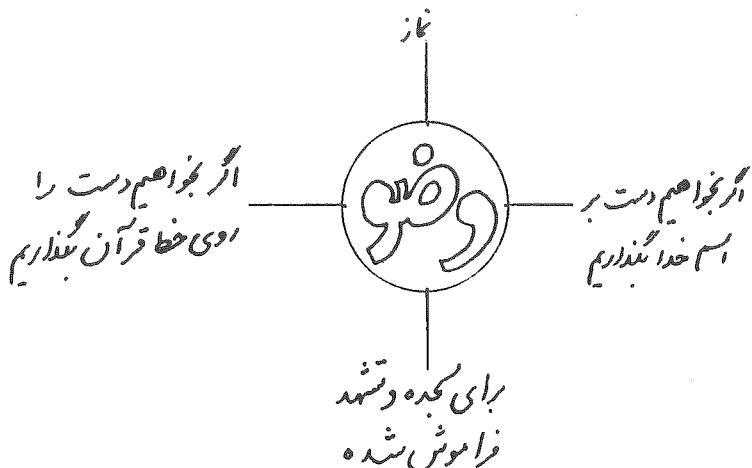
۱- مریم محترم از این قسمت وضو را به صورت ریتمیک بیان کند و از دانش‌آموزان بخواهد همه با هم بلند و هماهنگ به سوالاتش جواب دهند.

دست راست ما، تمام شد، یا نه؟
بله!
شسته شد یا نه؟
بله!

ولی من می گویم نخیر! انگشتها را هنوز نشسته ای، آنها را هم بشور، شستی
بله! یا نه؟

حالا دست چپ از کجا، پلند بگو از کجا؟
بالای آرنج
نوک انگشتها
بله! پلند بگو نوک انگشتان. شستی یا نه؟
بله
راستی نکفتم زیر ناخن ها تمیزه یا نه؟
بله! دوپاره می گویم زیر ناخن ها تمیزه یا نه؟
چوهره مودکار را پا کن کردی یا نه؟
بله! از آرنج دست تا نوک انگشت شستی یا نه؟
بله! پیانگیری و ضوی مچی، وضوی مچی حیلی علطه! علطه یا نه؟
بله! اصلاً باطله! باطله یا نه؟
حالا مسح سر، قسمت چلو کشیدی یا نه؟
بله! مواظب پاسید، موقع مسح، سر شما، تكون نعوره؟
حالا مسح پا! از سر انگشت. تا پرآمدگی، اول پای راست کشیدی یا نه؟
حالا پای چپ... حالا تمام شد، تمام شد یا نه؟
حالا صلوات!
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

حالا یک سؤال، وضو برای چه کارهای باید بگیریم؟ چند مورد را که برای شما خوب است، اینجا ذکر می‌کنیم، البته به طور فهرست وار:



خوب! صبر کنیدتا من یک خاطره‌ی شیرین برای شما تعریف کنم.

یک روز با چند نفر از دوستانم برای تفریح به کوهستان رفتیم. کوه بسیار زیبایی بود علف‌ها و سبزه‌ها و گل‌ها در کنار تخته سنگ‌های عظیم منظره‌ی زیبایی به وجود آورده بودند. ما کم کم به قله نزدیک می‌شدیم و صخره‌ها هر لحظه بزرگ‌تر و شبی آن تندتر می‌شد. همین طور که بالا می‌رفتیم به یک منطقه‌ی مسطح رسیدیم. در آن جامقداری غذا خوردیم و کمی هم استراحت کردیم. بعد دوباره شروع به بالا رفتن کردیم. اگر یک ساعت دیگر بالا می‌رفتیم، به قله می‌رسیدیم. می‌توانستیم از آن جا مناظر بسیار زیبایی اطراف را مشاهده کنیم. یکی از دوستان همین طور که بالا می‌رفت، سنگی از زیر پایش درفت و او تعادل خود را از دست داد. همه‌ی مادچار وحشت شدیم، چون اگر او به پایین سقوط می‌کرد خطر مرگ

حتمی بود، در آخرین لحظات که او تلاش می‌کرد تعادل خودرا حفظ کند، حدود پنج متر روی سنگ‌های لغزنده و پرشیب به طرف پایین سُر خورد و مدام او فریاد می‌کشید و می‌گفت: «یا علی مدد».

در آن لحظه همه‌ی ما از او قطع امید کرده بودیم، نفس‌ها در سینه‌ها حبس و دنا پیش چشمان ما سیاه شده بود. من با خودم گفتم: «خدایا حسین افتاد».

همان لحظه چشمانم را بستم تا افتادن او را نبینم ولی لحظه‌ای بعد که چشمانم را باز کردم، دیدم حسین هنوز سقوط نکرده و... با ناباوری به او نگاه کردم و دیدم دستش را محکم به ریشه‌ی یک بوته خارگرفته و خدا به وسیله‌ی همان خار او را از خطر مرگ نجات داده است.

به هر صورتی بود او را بالا کشیدیم، ولی زخمی عمیق روی دست او ایجاد شده بود. زخم او را هم بستیم و به راه افتادیم. بعد از کمی کوه پیمایی وقت نماز فرا رسید. وضو گرفتیم و نماز خواندیم، ولی حسین که دستش مجروح و خونین بود نمی‌توانست آب روی دستش بریزد، نمی‌دانست چه باید بکند. من به او گفتم: «باید وضوی جبیره بگیری».

خوب قبل از این که بقیه‌ی حاضره را تعریف کنم، سؤال می‌کنم، می‌دانید وضوی جبیره چیست؟ با دقت گوش کنید.

اگر یکی از اعضای وضو، زخم باشد و با پارچه روی آن بسته شده باشد، در صورتی که نتوانیم آن را باز کنیم و باز کردن آن ضرر و یا مشقت داشته باشد، باید «وضوی جبیره» بگیریم، یعنی به طور معمول اعضای وضو را بشوییم و به جای

قسمت زخمی شده، دست خیس خود را روی پارچه‌ای که با زخم بسته‌ایم بکشیم. خوب! حالا یک سؤال دیگر دارم. اگر مريض بودیم و وضو برای ما ضرر داشت و یا آب نداشتیم و یا وقت برای وضو نداشتیم و...، چه وظیفه‌ای داریم؟ بله! «تیمم». تیمم برای مواردی است که آب نداشته باشیم یا آب برای ما ضرر داشته باشد. چون وقت نداریم، همه با هم یک تیمم، سریع انجام دهیم.^(۱) هر کدام یک سنگ چهارگوش در مقابل خود بکشید.

- دست هایتان را بالا بیاورید، همه باهم! دو دست را با هم بزنید روی سنگ. با هر دو دست، مثل من برپیشانی بکشید، کف هر دو دست را به تمام پیشانی و از دو طرف آن جا که مو می‌روید، تا بالای ابروها^(۲) (واحتیاط واجب روی ابروها)
- خوب همه با هم، کف دست چپ را مثل من، روی تمام دست راست بکشید.

● کف دست راست روی تمام دست چپ بکشید.

مسائل مختلف تیمم را در جلسات بعدی خواهیم گفت.
برای قبولی وضویمان یک صلوات بلند بفرستید

اللهم صل علی محمد و آل محمد

۱- مربی محترم تیمم را به صورت نمایش پانتمیم انجام دهد و دانشآموزان را قدم به قدم در این مسئله راهنمایی کند.

۲- چنانچه مسائل این درس زیاد باشد مربی می‌تواند آن را در دو یا سه جلسه در کنار مباحثت دیگر عنوان کند.

سپرہ و رفتار علوی

نام درس

به خاطر نماز

موضوع

تاریخ

هدف کلی

دانشآموزان در این درس با نماز و قرآن خواندن حضرت علی ؑ آشنا می‌شوند.

اهداف جزئی

دانشآموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند:

۱. اولین مردمی که په رسول الله ؑ ایمان آورده.

۲. اولین نماز چماعت.

۳. حضرت علی ؑ و نماز اول وقت.

۴. حضرت علی ؑ و قرآن (نوشتمن قرآن و کمک از قرآن)

هدف رفتاری (خروجی)

از دانشآموزان انتظار می‌رود در پایان درس به نماز اول وقت بیشتر اهمیت دهدند. داستانی از زندگی حضرت علی ؑ در مورد خواندن نماز اول وقت در سخت‌ترین شرایط را بیان کنند و حدیثی در این مورد بگویند.

روشن‌های مناسب تدریس

۱. توضیحی، ۲. فعال (پرسش و پاسخ، چدول، شعر، معما)

رسانه‌های آموزشی

تعّثه، کارت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هر کاری را با نام خدا آغاز می‌کنیم، یعنی چه می‌گوییم؟

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوند بخشنده و مهربان

پچه‌ها! این پچه شکلی است؟



خوب! حالا این چه شکلی است؟ بله! خورشید است که

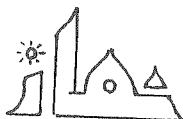
صبح‌ها با رنگ طلایی خود از مشرق طلوع و زندگی ما را روشن می‌کند.

می‌توانید چند فایده‌ی خورشید را نام ببرید؟ روشنایی، حرارت، گرما انرژی به

گیاهان و... در برابر این نعمت خدا باید از او تشکر کنیم.

می‌دانید بهترین راه تشکر چیست؟^(۱) به این طرح توجه کنید، حالا چه کسی

بله! نماز می‌تواند بگوید؟



نماز خواندن را از چه کسانی یاد بگیریم؟ از پدر، مادر یا معلم. بهترین کسانی که

۱- مریم شکل مسجدی را که نماز در آن خوانده می‌شود بکشد، ولی اعلام نکند که شکل مسجد است. در وقت نماز بگوید.

باید الگوی ما در زندگی باشند چه کسانی می‌باشند؟

آخرین ⇔ پیامبر ⇔ حضرت محمد ﷺ

اولین ⇔ امام معصوم ⇔ حضرت علی علیهم السلام^(۱)

در این درس می‌خواهیم عبادت (نماز) و قرآن را از امام علی علیهم السلام بیاموزیم. امام علی علیهم السلام پسر عمومی پیامبر ﷺ و اولین امام ما شیعیان است. حالا شما بچه‌ها یک ویژگی از حضرت علی علیهم السلام را بگویید که در آن از اولین‌ها باشد.^(۲)

اولین مردی که به پیامبر ﷺ ایمان آورد حضرت علی علیهم السلام است. حالا من داستان کوتاهی می‌گوییم شما در آخر حدس بزنید که در چه موردی از همین رابطه هست.

کم‌تر از یک ساعت دیگر وقت لازم است تا خورشید خود را به وسط آسمان برساند. محمد ﷺ از شهر مکه خارج می‌شود و با گام‌های بلند و سریع از شهر دور می‌شود. او از چند دقیقه و تپه می‌گذرد. علی هم با گام‌های کوچک، اما پرشتاب به دنبال وی می‌دود. محمد ﷺ گاه می‌ایستد و به پشت سر و اطراف نگاه می‌اندازد، ولی دویاره به راه خود ادامه می‌دهد بالاخره آن دو از تپه‌ای سرازیر می‌شوند. علی علیهم السلام در کف دره و زیر سایه‌ی یک صخره‌ی بزرگ پارچه‌ای را که با خود آورده است، پنهان می‌کند. آن گاه محمد جلو و او پشت سرش رو به کعبه می‌ایستند. پیامبر به رکوع و سجده می‌رود و علی هم از او پیروی می‌کند.

۱- مربی ابتداءً روی تابلو دو کلمه آخرین و اولین را بنویسد و سپس طرح را کامل کند.

۲- مربی ۲ تا کارت را که این کلمات به طور جداگانه روی آن‌ها نوشته شده است نشان دهد تا بچه‌ها حدس بزنند.

«عفیف» که آنها را از دور نظاره می‌کند، می‌گوید، تا به حال چنین کاری ندیده بودم. از عمومی پیامبر ﷺ که عباس نام داشت، می‌پرسد. او پاسخ می‌دهد: «خداؤند به این کار فرمان داده و سوگند به او که در روی زمین غیر آن‌ها کسی در این کار نیست». (۱)

عفیف می‌گوید: «ای کاش من هم یکی از آن‌ها بودم.» (۱)
 بچه‌ها! (این چه نهانی است که پیامبر ﷺ و امام علی علیهم السلام موافند نماز جماعت.
 پس علی علیهم السلام اولین کسی بود که همراه رسول الله ﷺ نماز خواند. او از همان کودکی با پیامبر خدا بود و از ایشان اخلاق و رفتار شایسته از جمله نماز را یاد می‌گرفت.

آیا شما هم دوست دارید رفتار شایسته‌ایی از امام علی علیهم السلام یاد بگیرید؟
 برای یادگرفتن این رفتار شایسته، باید شما اول به سوالات من پاسخ دهید تا با حروف جواب‌ها، جدول را پر کنم.

ن	اه	وه	خ	ب	ت
ق	و	ل	و	ا	ا
*	ن	ن	ز	۱۵	۱۳

۱- احمد بن محمد بن حنبل، المسند، دارالحدیث، ۱۴۱۶ هـ، ج ۱، ج ۲، ص ۳۹۱ الی ۳۹۶.

- هم در دست داشت آموز است، هم سوره‌ای از قرآن: قلم (۱۶-۱۰-۱۲-۱۴)؛

۲- تا آسمان نقدر از اید چاری نشود: باران (۱۷-۱۳-۷-۸-۲)؛

۳- ... پود هر که دان پود: توانا (۵-۶-۱۵-۴-۱)؛

۴- بد نیست: خوب (۲-۹-۳)؛

۵- شیب نیست: روز (۱۴-۱۱-۱۳)؛

حالا اگر حروف جدول را از آخر به اول (شماره ۱۷ تا ۱) کنار هم قرار دهید، سخن امام علی طیل در این رابطه به دست می‌آید. آن سخن چیست؟ توجه کنید آن سخن این است:

«نماز را اول وقت بخوان»^(۱)

حالا من یک شعر می خوانم، شما هم با من تکرار کنید. (۲)

از بام مهتاب	س رزد س پیده
برخیز از خواب	وقت ن ماز است
خوشبو و زیبا	مثل شکوفه
بر روی لبها	گل خنده واکن
خوب اذان را	بش نو صدای
صبح است حالا	وقت ن ماز
ساده بگشای	بعد از وضویت

١- نهج البلاغه، ترجمه‌ی مرحوم فيض الاسلام، نامه ۲۷، ص ۸۸۸.

۲- مرتبی شعر را بخوانند تا همه‌ی بچه‌ها تکرار کنند یا بیت اول را گروه اول و بیت دوم را گروه دوم بخوانند.

چون شاخه‌ی گل بر خیز از جا

بله، بچه‌ها! امام علی طیلله همیشه به حرفی که می‌زد عمل می‌کرد و در مورد نماز هم خودش اول وقت نماز می‌خواند. من داستانی در این مورد برای شما می‌گویم خوب گوش کنید و در پایان شما مکانی را که این داستان و ماجرا در آن جا واقع شده است برای من بگویید.

نzdیک ظهر بود. از آسمان آتش می‌بارید. دو طرف لحظه‌ای را به استراحت پرداختند. بیشتر سربازها در سایه‌ی چادرها دراز کشیده بودند و به فکر فرو رفته بودند. «ابن عباس»، پسر عمومی پیامبر ﷺ در گوش‌های نشسته بود و میدان جنگ رانگاه می‌کرد که ناگاه علی طیلله را دید که دست را سایبان چشم قرار داده و با دقت به آسمان خیره شده است. جلو رفت و به آرامی پرسید: «علی جان! با این دقت به دنبال چه می‌گردی؟»

امام طیلله به سمت او برگشت و با لبخندی ملايم گفت: «می‌خواهم بدانم وقت نماز رسیده یانه!»

«ابن عباس» با تعجب گفت: ما در حال جنگیم و هر لحظه احتمال حمله‌ی دشمن می‌رود!

امام طیلله فرمود: به یاد داشته باش که جنگ ما با شامیان بر سر نماز خواندن است. هنوز کلام امام تمام نشده بود که صدای خوش اذان فضا را معطر کرد و امام جلو ایستاد و با یاران و سربازان خود نماز را اول وقت و به جماعت خواند.^(۱)

۱- محمد باقر مجلسی: «بحار الانوار»، داراحیاء التراث العربي، بیروت، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۸۰، ۲۳.

صفین

خوب بچه ها! اسم این جنگ چه بود؟

ما از این روش امام علیهم السلام چه درسی می‌گیریم؟ نماز خود را حتی در سخت ترین شرایط اول وقت بخوانیم، اما دوستان من! عبادت و نماز امام علیهم السلام را از رسیدگی به فقیران باز نمی‌داشت. و در شرایط مناسب به آنها کمک می‌کرد. چنان که روزی هنگام نماز فقیری وارد مسجد شد و امام انگشت‌تر خود را به او هدیه کرد.

امام علیهم السلام علاوه بر خواندن نماز به خواندن یک چیز دیگر اهمیت بسیار می‌داد. (۱) آن چه بود؟

قرآن کتاب خداست که برای هدایت ما انسان‌ها فرستاده شده است و ما باید آن را یاد بگیریم، بخوانیم و به آن عمل کنیم.

از همان کودکی با پیامبر خدا صلوات الله علیه و آله و سلم بود. آنچه پیامبر صلوات الله علیه و آله و سلم از کلام الهی می‌خواند علیهم السلام هم به زیبایی تکرار و حفظ می‌کرد. او به دستور پیامبر آنها را با خط زیبا می‌نوشت. (۲) امام علیهم السلام به آیات نورانی قرآن عمل می‌کرد و در همه وقت از قرآن کمک می‌گرفت، خصوصاً در جنگ‌هایی که با دشمنان اسلام و قرآن داشت. حتماً می‌دانید سه جنگ در زمان امامت حضرت علیهم السلام اتفاق افتاد، آیا می‌توانید آنها را نام ببرید؟ بله! جنگ‌های «جمل»، «صفین»، «نهروان».

یک داستان دیگر از جنگ صفين برایتان می‌خواهم بگویم:

روزها به طول کشید. خستگی راه، گرمی هوا و طولانی شدن جنگ طاقت همه

۱- مربی کارتی که در آن قرآن نوشته شده است به دانش‌آموزان نشان می‌دهد.

۲- جعفر سبحانی؛ «فروع ولایت»، مؤسسه امام صادق(ع)، قم، ۱۳۷۴ ش، ج ۱، ص ۶۲.

را بریده بود و دشمن هر لحظه نزدیک‌تر می‌شد. آن چه که روحیه‌ی سپاه اسلام را ضعیف‌تر می‌کرد بسته شدن آب توسط دشمن بود. آن‌ها می‌خواستند به این وسیله نیروهای اسلام را به زانو در آورند اما با پایداری و شجاعت امام علی^{علیه السلام} و فرزندانشان امام حسن و امام حسین^{علیهم السلام} آب از آن‌ها گرفته شد، ولی باز آثار ناامیدی در چهره‌ی برخی نمایان بود!

یک مرتبه دیدند علی^{علیه السلام} که چیزی بر لب زمزمه می‌کند به طرف بلندی رفت و روی آن قرار گرفت. همه دور او حلقه زدند. کسی حرفی نمی‌زد و همه می‌خواستند بدانند علی^{علیه السلام} چه خواهد گفت و چه تصمیمی خواهد گرفت؛ تسلیم خواهد شد یا خواهد جنگید.

سکوت آنان با سخن امام^{علیه السلام} که ذکر خدا و نام او را بر زبان جاری کرد شکسته شد آن گاه امام^{علیه السلام} دست‌ها را به نشانه‌ی دعا به طرف آسمان برد و آیه‌ای از قرآن خواند: «خدا یا بین ما و قوم ما به حق داوری کن که تو بهترین داوران هستی»^(۱)

بعد پرسید: «می‌دانید چرا روحیه‌ی جنگیدن ندارید؟» گفتند: «نه.»

امام^{علیه السلام} فرمود: «برای این که خدا را فراموش کرده‌اید. از اونمی ترسید، با این که خداوند سزاوار ترس است. آماده و به یاری او امیدوار باشید از او کمک بگیرید، خدا هم به شما کمک می‌کند. در ادامه حضرت باز آیه‌هایی از قرآن با صدای زیبا برای آن‌ها خواند که من یک آیه را برای شما می‌خوانم: ^(۲) «وَأَذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ

-۱- اعراف، ۸۹

۲- مریم روی تخته این آیه را بنویسد. یک بار بخواند، بعد با دست اشاره کند تا دانش آموزان تکرار کنند و به آن‌ها بگویید که همه برای فردا آیه را حفظ کنند.

تُفْلِحُون»، «خدا را بسیار یاد کنید تا رستگار شوید^(۱)»
یاران امام علی علیہ السلام با سخنان امام که آمیخته با کلام خداوند بود روحیه‌ی جنگ
گرفتند و به قلب دشمن زدند و آن‌ها را دور ساختند.^(۲)

۱- انفال، ۴۵

۲- نصرین مزاحم منقری: «پیکار صفین»، ترجمه پرویز اتابکی، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۲۸۰.

نام درس

کار و تلاش

موضوع

تاریخ

هدف کلی

دانشآموزان در این درس با کار و تلاش حضرت علی ؑ آشنا می‌شوند.

اهداف جزئی

دانشآموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند.

۱. اهمیت کار در اسلام.

۲. فایده کار.

۳. امام علی ؑ و درخت کاری.

۴. نتیجه‌ی تبلی.

۵. امام علی ؑ مردم‌گردانی و سازندگی.

هدف رفتاری (حروچی)

از دانشآموزان انتظار می‌رود در پایان درس بتوانند فایده‌های کار و تلاش واثر تبلی را ذکر کنند و یک نمونه از کار و تلاش علی ؑ را توضیح دهند.

روش‌های مناسب تدریس

۱. توضیحی ۲. فعال (پارسی پا اعداد، جمله سازی، راز دایره‌ها، شعر، داستان)

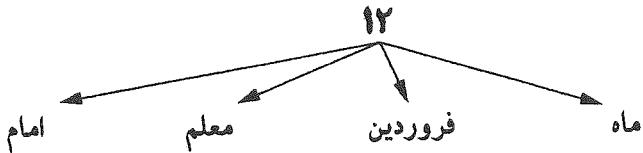
رسانه‌های آموزشی

تئاتر

نظر و فکر

بسم الله الرحمن الرحيم. به نام خدایی که رحمان است و رحیم

بچه‌ها این چه عددی است؟ بله! دوازده، حالا برای این که حواس‌ها بهتر جمع شود، چند تامناسبت را که مربوط به دوازده باشد نام ببرید.^(۱)



۱۲ ماه داریم، اولین ماه شمسی فروردین و آخرین آن اسفند است. ۱۲ فروردین روز جمهوری اسلامی است، روز معلم چه روزی است؟ ۱۲ اردیبهشت که همه‌ی ما از زحمت‌های معلم خود تقدیر و تشکر می‌کنیم، اما معلم‌های دیگری هم داریم که جانشین پیامبر ﷺ هستند، آن‌ها چند نفرند؟ ۱۲ نفر. حالا من عدد دوازده را روی تخته می‌نویسم.

سدریع ب من پکویید اولین امام و دومین معصوم چه کسی است؟ بله! حضرت

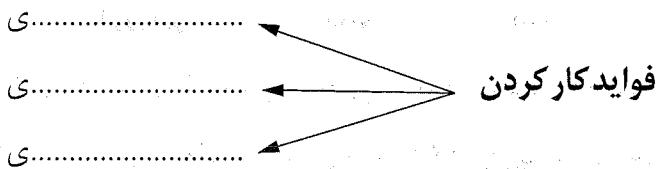
علی طیل

۱- مربی اول از بچه‌ها بپرسد و بعد چند کلمه‌ی فوق را روی تخته بنویسد و بگوید که این‌ها تنها چند نمونه است که ذکر می‌شود و شاید موارد بیشتری می‌توان یافت.

حالا من با عدد دوازده که اول درس نوشتیم، می خواهم کلمه‌ای درست کنم. آیا
شما می توانید آن را حدس بزنید؟

کار

در این درس با کار و کوشش امام علی علیه السلام آشنا می شویم.
هر انسانی ناچار است برای تأمین نیازهای زندگی خود کار کند و شغل و پیشه‌ای
داشته باشد. امامان و پیشوایان دین در سخن و عمل به کار و تلاش سفارش
می کردند و از بیکاری به شدت دوری می کردند.
آیا شما می توانید چند فایده‌ی کار کردن را نام ببرید؟ من چند فایده را می نویسم
که حرف آخرشان (ی) است. (۱)



کشاورز از کارش «خوشحال» است، اما چه وقت؟ وقتی که محصولی بکارد و از
آن درست نگهداری کند.

بچه‌ای هم که زرینگ پاشد، چه وقت خوشحال است؟
وقتی که کارنامه‌ی قبولی اش را می گیرد.
انسانی که کار و فعالیت دارد، کمتر مریض خواهد شد و به «سلامتی» دسترسی
پیدا می کند، با کار و فعالیت خود به «بی نیازی» می رسد.

۱- مرتب کلمات «خوشحالی»، «سلامتی»، «بی نیازی» را در تابلو می نویسد.

حالا برنامه را با یکی دیگر از فواید کار و تلاش ادامه می‌دهم، شما این سخن را

کامل کنید:



یک دقیقه فرصت دارید، بله این سخن از حضرت علی ظلله است:

«کار انسان را، نیرومند می‌کند.»^(۱)

به نمونه‌ای از «کار و تلاش» حضرت علی ظلله توجه کنید. حضرت علی ظلله از حاصل زحمت خود استفاده می‌کرد، نقل است که روزی شرایط بر امام سخت شد و او نتوانست غذایی برای خوردن و یا پولی برای خریدن غذا تهیه کند. از خانه بیرون آمد و در جست و جوی بود تا کاری پیدا کند. او شهر مدینه را گشت ولی کاری نیافت. برای همین تصمیم گرفت اطراف شهر برود. بالاخره به روستای سرسبز و کوچکی رسید. فردی را دید که مشغول الک کردن خاک است. به نظر می‌رسید کارگری جهت کمک نیاز داشته باشد. علی ظلله نزد او رفت و بعد از صحبت با او قرار گذاشت که از چاه آب بکشد و خاک‌ها را گل کند تا برای دیوارکشی آماده شود و در عوض هر سطحی که آب می‌کشد یک خرما مزد بگیرد. علی ظلله ۱۶ سطل برای او آب کشید و خرمها را گرفت و به شهر برگشت.

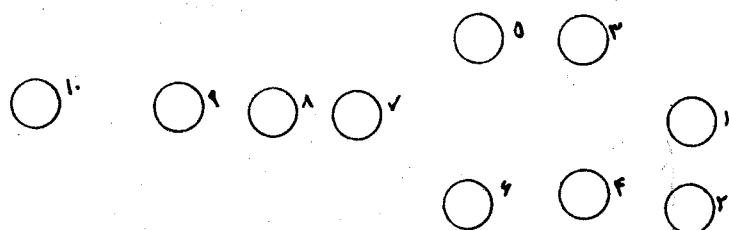
وقتی پیامبر ﷺ او را دید خوشحال شد و چند تا از خرمها را ت خورد و بقیه را

برای استفاده به خانه برد.^(۲)

۱- عبد الواحد بن محمد تمیم آمدی: «غزال الحكم و درر الكلم»، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶، ج ۵، ص ۲۰۴.

۲- عیسی بن ابن الفتح ارمنی: «کشف الغمة»، ترجمه‌ی علی بن حسین زواری، نشر ادب حوزه قم، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۲۲۳.

امام علی طیلباً برای اداره زندگی خود و مبارزه با فقر به کار توجه داشت و دیگران را هم تشویق می‌کرد در این مورد سخنی دارد که برای یافتن آن من سوالاتی از شما می‌پرسم و جواب‌ها را داخل دایره‌ها قرار می‌دهم.



- ۱- متاع و جنس
- ۲- سخن راست و پی پرده
- ۳- کسی که در کار خود مهارت ندارد
- ۴- صحیح و سالم و بی عیب
- ۵- به لقمان گفتند.... از که آموختی گفت از بی ادبان
- ۶- سوره‌ای که به قلب قرآن معروف است

یکتا

۷- یگانه و تنها

زش

۸- ورزش بدون ور

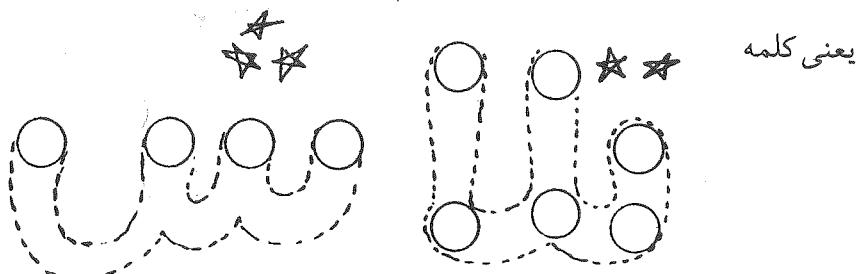
وحی

۹- آنچه از طرف مخداآوند پر پیامبر اکرم ﷺ نازل می‌شود

د

۱۰- حرف دهم القیا، فارسی

حالا با این دایره‌ها کلمه‌ای درست کنیم^(۱) که درس امروز ما در مورد آن است،



حالا شما حرف اول و آخر کلمات مورد نظر را به هم وصل کنید تا این سخن امام علی علیه السلام به دست آید. «کار کنید تا بی نیاز شوید». ^(۲) تمام این‌ها حکایت از ارزش مندی کار و کارگری دارد. دشمن کار و سازندگی «تبلي» است شما می‌توانید نتیجه‌ی تبلي را بگویید: ^(۳)

ناراحت	خجالت
--------	-------

یک دانش آموز چه وقتی خجالت می‌کشد و ناراحت می‌شود؟ وقتی که به واسطه‌ی تبلي نمره‌ی کم خود را ببیند و چهره‌ی غمگین پدر و مادر خود را مشاهده کند.

۱- مربي از بچه‌ها بخراهد کلمه‌ی مورد نظر را حدس بزنند.

۲- فروع کافی، ج ۱، ص ۳۷۰.

۳- مربي دو کلمه را روی کارت بنویسد و در ادامه، وقتی به آن کلمه رسید، از آن استفاده کند.

حالا آماده‌اید یک شعر برایتان بخوانم شاید شما هم آن را به یاد داشته باشید.

بچه زرنگش خوبه	گل همه رنگش خوبه
تنبلی خیلی زشتة	توى كتاب نوشته
جاش توى رختخوابه	تنبل همیشه خواب
بچه‌ی خوب می‌دونه	وقتی خروس می‌خونه
بخنده مثل آفتتاب	باید بلند شه از خواب
تمیز و زیبا بشه	مثل گلا وابشه

حالا شما چند تا شغل و حرفه‌ای که می‌شناسید نام ببرید، البته باید ۷ حرفی باشد.^(۱) نانوایی، دامداری... من یک کاری برای شما نام می‌برم، البته حروف آن پراکنده است باید شما آن کلمه را درست کنید (غی اب دار).

حتماً شما هم حدس زدید، بله! باقداری. یکی از کارهای بسیار مفید کاشت درخت و باقداری است که علاوه بر تأمین زندگی باعث آبادانی شهر و روستا و کمک به اقتصاد کشور می‌شود. امام علی طیللاً به باقداری و درخت کاری علاقه‌ی زیاد داشت.

خوب، بچه‌ها! می‌دانید چه روزی درکشور ما به روز درخت کاری نام گذاری شده است؟ بله! ۱۲ اسفند.

حالا من داستان زیبایی از درخت کاری و باقداری حضرت علی طیللاً برای شما

۱- مردم کلمات را از بچه‌ها سؤال کند هر کس به تعداد بیشتری اشاره کرد، تشویق شود و بعد در کارت یا روی تخته کلمه‌ی باقداری را به طور پراکنده به بچه‌ها نشان دهد تا کلمه را درست کنند.

نقل می‌کنم. شما خوب گوش کنید چون سه سؤال از داخل خود داستان از شما خواهم پرسید تا ببینم چه کسی حواسش جمع‌تر بوده اما قبل از داستان یک معماً مطرح می‌کنم. سه برادرند اولی همیشه ایستاده دومی نشسته و سومی در حال درخت. سنگ. آب حرکت؟

هر روز با شترش از بیرون شهر آب می‌آورد و به مردم می‌داد و با پول ناچیزی که در عوض آن می‌گرفت، زندگی اش را اداره می‌کرد. یک روز عوض ظرف آب که همیشه روی شتر می‌گذاشت کیسه‌هایی دیدم که دو طرف آن آویزان کرده بود، مثل همیشه با مهریانی به من سلام کرد و از کار و زندگی ام پرسید. من بعد از سلام از امام علی علیه السلام پرسیدم بار را به کجا می‌برید؟ او همان طور که به من نگاه می‌کرد، دستی به یک کیسه زد و گفت در داخل این کیسه‌ها صدهزار درخت خرماست.^(۱) با تعجب پرسیدم: چطور امکان دارد، مگر می‌شود؟

با لبخند همیشگی و در حالی که با انگشت دستش به مکانی اشاره می‌کرد، فرمود: بله! هسته‌های خرما را می‌کارم و به کمک خدا درختان خرمای زیادی خواهند شد. با امام خدا حافظی کردم. سال‌ها از این جریان گذشت. سؤالی سخت ذهن مرا مشغول کرده بود، از هر که پرسیدم مرا به مولا علی علیه السلام رفتم ولی امام علی علیه السلام برای کاری به اطراف شهر رفته بود. ما حرکت کردیم مقداری که از شهر دور شدیم، دوستم با دست به باعثی سرسبز اشاره کرد. نزدیک رفتیم به دیوار

۱- محمد باقر مجلسی: «بحار الانوار»، الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ج ۶۱/۳۳.

باغ که رسیدیم، صدای زیبای قرآن را شنیدیم. بی اختیار توقف کوتاهی کردیم صدای امام بود. به درب باغ که رسیدیم اجازه خواستیم.

امام علی ؑ که با پیلی در دست مشغول آب رساندن به درختان بود نزدیک آمد و با مهریانی از ما استقبال کرد. من که درختان زیبای خرمایی را در باغ می دیدم تعجب کردم واز امام پرسیدم مال شماست؟ امام در همان حال که بیل را به زمین می گذاشت، فرمود: بله! این همان درختان خرمایی است که من به تو خبر دادم و تو هسته های آنها را روی شتر دیدی.

من به تلاش و کوشش حضرت علی ؑ آفرین گفتم و سؤالم را پرسیدم و با دوستم برگشتم. ^(۱)

خوب من آن سه سؤالی که وعده دادم، می پرسم.

۱- امام علی ؑ بارشند را برای چه کاری می پردازد؟

۲- امام علی ؑ در باغ چه می خواند؟

۳- امام در باغ مشغول چه کاری پود؟

و خلاصه چه درسی از این ماجرا می گیریم؟ ^(۲)

بله! ما هم به پیروی از امام علی ؑ درخت بکاریم و هرگز کار و تلاش باعث نشود که از یاد خدا غافل شویم.

اما نکته‌ی مهمی که در کار و تلاش امام هست، این است که به نیازمندان کمک

۱- علی بن شهر آشوب: «مناقب آل ابی طالب»، دارالاضواء بیروت، ۱۴۱۲ق، ج ۲، چ ۱، ص ۳۲۳.

۲- مردی کسی را که بهتر جواب داد، تشویق کند.

کنیم چنان که روزی امام علی طیلبا در حالی که عرق از پیشانیش جاری بود چاهی را تمیز می‌کرد. وقتی کلنگ بر زمین می‌زد صدای آن را رهگذران می‌شنیدند. با تلاش و زحمت آب فراوانی از چاه بیرون آمد. بعد از آن شما حدس می‌زنید امام چه کرد؟ فرمود: کاغذی بیاورید وقتی کاغذ حاضر شد نوشت: این چشمها و باغی را که در آن است، برای فقیران و نیازمندان وقف کردم تا همیشه درآمد آن به افراد فقیر داده شود. حالا که صحبت از درخت شد، یک شعر برای شما می‌خوانم. (۱)

سربز و شادم	من یک درختم
رفیق بادم	بالا بلندم
اطراف خود را	می‌بینم اینجا
کوه است و صحراء	در رو به رویم
سر در هوایم	پا در زمینم
از غم هم رهایم	آزاد هستم

۱-مربي بخواند تا بجهه‌ها تکرار کنند.

نام درس

حسینعلی عرب انصاری

همراه پیامبر ﷺ

موضوع

تاریخ

هدف کلی

دانش آموزان در این درس با جلوه‌ای از ایثار امام علی ؑ آشنا می‌شوند.

اهداف جزئی

دانش آموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند:

۱. معنای ایثار.

۲. ایثار مال و چنان.

۳. علی ؑ و ایثار مال به قصیده.

۴. در پسته پیامبر ﷺ

۵. ایثار در احمد.

۶. لاقتنی الاعلى،.....

هدف رفتاری (خروچی)

از دانش آموزان انتظار می‌رود در پایان درس بتوانند معنای ایثار را بیان کرده، دو

نمونه از ایثار «مال و جان» را از زندگی امام علی ؑ بیان کنند.

روش‌های مناسب تدریس

۱. توصییحی ۲. فعال (سؤال و جواب، چمله سازی، بازی با اعداد، راز (دایره‌ها))

رسانه‌های آموزشی

تعّثه سیاه، کارت

حروفهای اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

در ابتدای درس چند سؤال از شما می‌پرسم تا موضوع درس مشخص شود.

۱. استقامت (اویستادگی و پایداری در هر کاری رامی‌گویند):

۲. یاری (کمک و همراهی کردن):

۳. ثابت (پایدار و پایبرچا):

۴. اسلام (پاک کننده‌ی کافر):

۵. رهبر (راهنما و هدایت کننده):

حالا دفترهایتان را باز کنید و یک جمله‌ی کوتاه بنویسید که در آن از این ۵ کلمه استفاده شده باشد. بهترین جمله آن است که از کلمات بیشتری در جمله استفاده شود. جمله‌ای که خودم ساخته‌ام، می‌خوانم: «ما باید رهبر و دینمان را یاری کنیم و در راه حفظ اسلام استقامت داشته باشیم». حالا می‌خواهیم از این پنج کلمه، کلمه‌ی ششمی درست کنیم که با این کلمات مناسب دارد. می‌دانید چیست؟

۶. ایثار (حروف اول کلمات را به ترتیب وصل کنید چه می‌شود؟)

درس ما در مورد ایثار امام علی طیلباً است. ایثار به چه معناست؟ «دیگری را برخود مقدم داشتن» در اسلام سفارش زیادی در مورد ایثار شده است، آنچه که ممکن است مورد فداکاری و ایثار واقع شود از دو نوع خارج نیست، من این دونوع را به

طور ناقص می‌نویسم و کم کم آن را کامل می‌کنم تا شما فرصت برای حدس زدن داشته باشید.

خوب بچه‌ها! به این خط‌ها، چه می‌گویند؟

بله! خط فاصله. علامت تفرق هم می‌گویند. حالا من چند تا خط عمودی به این خط‌ها اضافه می‌کنم.

ال سا

و حالا آن دو کلمه را به طور کامل می‌نویسم: «مال»، «جان»
اگر غذایی داشته باشیم و خودمان هم خیلی گرسنه باشیم و ببینیم دوست ما
محاج تراست چه کار می‌کنیم؟ غذا را با او تقسیم می‌کنیم و با هم می‌خوریم
ایثار مال.
به این کار پچه می‌گویند؟

یک ایثار جان هم داریم، مثل این که جایی آتش بگیرد و جان چند نفر در خطر
باشد آن وقت کسی برود و آن‌ها را نجات دهد. یک نمونه از ایثار جان را شما در
کتاب‌های خود خوانده‌اید، آیا می‌توانید نام ببرید؟... بله! ایثاری که در داستان ریز
علی خواجهی خواندید. یا این که اسلام در خطر باشد و عده‌ای شهید شوند تا خطر
از بین برود مثل زمان پیامبر که او و یارانش در راه اسلام جنگیدند و عده‌ای از
مسلمانان شهید شدند. و در زمان جنگ تحملی هم رزم‌مندان با ایثار جان از کشور
خود دفاع کردند.

بله بچه‌ها! الگوی ما در ایثار چه کسانی هستند؟ پیامبر ﷺ و جانشینان او

می‌دانید جانشین پیامبر چه کسی است؟ حضرت علی ؓ او از ساده‌ترین لباس‌ها و غذای استفاده می‌کرد.

اگر اورا می‌دیدی باور نمی‌کردی علی ابن ابیطالب ؓ امام مسلمین است. چند روزی می‌شد که تصمیم گرفته بود نان تازه‌ای تهیه کند. بالاخره یک روز غذای مورد علاقه‌اش را که از نان تازه و غذای ساده‌ی دیگری تهیه شده بود، سر سفره نهادند. آن روز با این که روزه گرفته بود و گرسنه بود ولی اوّل وقت نماز مغرب را خواند و بعد سر سفره نشست تا روزه‌اش را افطار کند. تا دست به طرف نان برد که مقداری از آن را بخورد، صدای در بلند شد. صدای ناله‌ی فقیری را شنید که از گرسنگی ناله می‌کرد. او از خانه‌ی امام کمک می‌خواست و می‌گفت: «چند روزی است غذان خورده‌ام، آیا به من کمک می‌کنید؟»

امام علی ؓ نان و غذا را برداشت و به دست فقیر داد.^(۱) و فرمود: «نمی‌خواهم جزو کسانی باشم که خداوند به آن‌ها خطاب می‌کند، نعمت‌های پاکیزه و خوب خود را در زندگی دنیا مصرف کردید و به نیازمندان ندادید.^(۲)

به این کار امام چه می‌گویند؟ ایثار مال. خداوند هم در قرآن می‌فرماید:

نمایید. دارید از آنچه بخشش دوست

«از آنچه دوست دارید بخشش نمایید»^(۳)

خوب بچه‌ها! دو مین نمونه‌ی ایثار چه بود؟ ایثار جان. من یک نمونه از زندگی

۱- جمعی از نویسنده‌گان: «تفسیر نمونه»، دارالکتب الاسلامیه، ج ۴، ج ۲۱، ص ۳۴۸

۲- احلاف، ۲۰

۳- آل عمران، ۹۲ «لَئِنْ تَنَاهُوا الظِّرِيفُوا مِنَ تَحْبُّونَ...»

امام علی علیہ السلام در این مورد می گوییم به دقت گوش کنید، چون در آخر باید بگویید
مریوط به چه ماجرای تاریخی است.

چند سالی است که ساکنان این درزه خشک با سخت ترین شرایط و بی هیچ
پناهی روزگار گذرانده اند تا دین محمد صلوات الله علیہ و آله و سلم پا بگیرد. علی علیہ السلام هم نوجوانی است که
همراه پیامبر و ابوطالب (پدر خود) برای یاری اسلام و پیامبر خدا آمده است و
همه سختی ها را تحمل می کند؟ او در حالی که دشمن همه راه ها را بسته است
تا نگذارد غذایی به مسلمانان برسد با شجاعت به شهر می رود و غذای مورد نیاز
پیامبر و محاصره شدگان را تهیه می کند.^(۱) ابوطالب هم همه تلاش خود را به کار
می برد تا مبادا به رسول خدا صلوات الله علیہ و آله و سلم آسیبی برسد و دشمنان به آن جا حمله کنند و با
یافتن محل استراحت پیامبر او را شهید کنند. برای همین تصمیم می گیرد یکی از
فرزندان خود را در جای او بخواباند. او به آهستگی دست بر شانه علی می گذارد
و با مهریانی او را صدا می زند: علی جان! علی جان!
علی به آهستگی پلک هایش را باز می کند. پدر را مثل هر شب بر بالین خود
می یابد.

ابوطالب می گوید: بلند شو، تو باید جای خود را با پسر عمومیت محمد عوض
کنی.

علی با لبخند همیشگی که دلالت بر رضایت دارد، می گوید: من افتخار می کنم.
ابوطالب می گوید: فرزندم! در این راه صیر کن که شایسته تر است.

۱-ابی جعفر اسکافی: «المعیار و الموازن»، مؤسسه فؤاد، بیروت، ۱۴۰۲، ج ۱، ص ۸۸

علی ظلیل که دارد خود را آماده می‌کند تا به جای پیامبر بخوابد، می‌گوید مرا به صبر فرمان می‌دهی با این که من همیشه فرمانبردار پیامبر هستم و همواره او را یاری خواهم کرد.^(۱)

امام علی ظلیل در این سه سال بسیار سخت هر شب به جای پیامبر می‌خوابید تا او آسیبی نبیند.

حالا مدرس زدید آن چاچه مکانی پوده
شعب ابی طالب
در عربستان و شهر مکه
خوب بچه‌ها! از این داستان چه درسی می‌گیریم؟ تسليم دشمن نشویم و در سختی‌ها استقامت داشته باشیم و چون علی ظلیل در یاری رهبر و دین اسلام حتی از جان هم دریغ نکنیم، چنانچه در انقلاب و جنگ تحملی نوجوانانی بودند که جان خود را فدای اسلام، رهبر و کشور خود کردند.

دشمنان تلاش زیادی کردند تا جلوی اسلام را بگیرند ولی موفق نشدند. مسلمانان نیز همه‌ی سختی‌ها مثل شعب ابی طالب را تحمل کردند، ولی تسليم نشدند.

آیا شمامی توائید نام چند تا از جنگ‌ها را که پیامبر پا دشمنان داشت پیویسیده
بدر، خیبر، خندق (احزاب)، تبوک، موته و...
به فدای کاری بی نظیر امام علی ظلیل در جنگ احد توجه کنید.

در دامنه‌ی کوهی که احد نام داشت جنگ بین مسلمانان و کفار قریش اتفاق

۱- هاشم معروف الحسنی: «سیرة المصطفى نظرة جديدة»، دارالعلم، بيروت، ۱۹۷۸، ص ۸۸

افتاد: مردان شمشیر زن از هر سولشکر پیامبر را مورد حمله قرار دادند و جنگ هر لحظه شدیدتر شد. رزم‌ندگان اسلام به مبارزه‌ی خود ادامه دادند و پیروزی‌های خوبی به دست آوردند؛ اما چند نفر نگهبان که از جای مهمی پاسداری می‌کردند، دست از جنگ کشیدند و سراغ کارهای خود رفتند. در همین وقت بود که مردی به دروغ فریاد زد: محمد کشته شده! به این ترتیب مسلمانان باقیمانده نیز روحیه‌ی خود را از دست دادند در آن لحظات فقط یک دلاور به تنهای شمشیر می‌زد و دشمن را از هر طرف مجبور به فرار می‌کرد، او که بود؟ کسی جز علی علیه السلام نبود. او که همچنان داشت به مبارزه ادامه می‌داد، رسول خدا را دید که اشک شوق در چشم‌اش حلقه زده است. برای همین نزد پیامبر رفت و او را که بی رمق شده بود، به کناری کشید. پیامبر که دید عده‌ی کمی در حال جنگ هستند فرمود: ای علی! مرا از شر این‌ها برهان.

علی از جا برخاست و در حالی که با پشت دست عرق‌هایش را از چهره پاک می‌کرد، با چشم‌ان تیزین نگاهی به میدان انداخت و بی درنگ خود را به میان دشمن افکند. زنده بودن پیامبر و دستورش روح تازه‌ای به علی بخشیده بود. مسلمانان هم که فریب شایعات را خورده و دست از جنگ کشیده بودند، وقتی دلاوری علی را دیدند با شدت بیشتری به جنگ پرداختند و ساعتی نگذشت که شمشیر زنان دشمن کشته شدند یا با ذلت فرار کردند.

علی که با شهامت از جان پیامبر علیه السلام دفاع کرده و نگذاشته بود آسیبی به او برسد، آرام به سوی رسول خداگام برداشت و به نزدیک وی رسید، پیامبر فرمود:

ای علی! خوب به وظیفه ات عمل کردی. خوب استقامت کردی! ای علی!
خوشحال نیستی؟

پیامبر ﷺ از جانب خدا جمله‌ای را در مورد شجاعت و ایثار علی طیلله در این
جنگ فرمود که من به وسیله‌ی دایره‌ها و با کمک شما آن جمله را درست می‌کنم.
برای این کار من چند دایره می‌کشم و بعد سوالاتی از شما می‌پرسم تا این پیام را
به دست آوریم.



۱. به وسیله‌ی آن خانه را تمیز می‌کنند:

امیرالمؤمنین

۲. معروف ترین لقب علی طیلله:

مهر

۳. ماهی که مدرسه‌ها پا زمی شود:

دی

۴. اولین ماه زمستان:

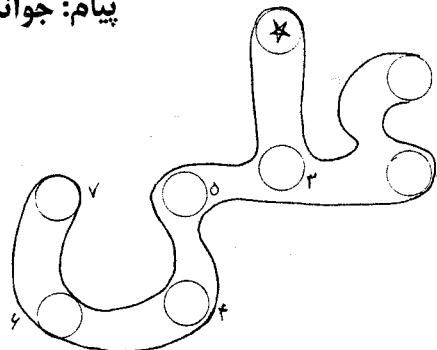
۵. به پیغمبر یا کسی که از طرف خدابدای هدایت انسان‌ها می‌آید، گفته
نبی می‌شود:

۶. جمع سیاره

۷. فرش کوچکی که روی آن نماز می‌خواهند:
جانماز

این کلمات را داخل دایره‌ها قرار می‌دهیم. بعد حروف اول و آخر را به ترتیب
کنار هم قرار می‌دهیم تا جمله‌ی مورد نظر ما به دست آید. اگر به وسیله‌ی دایره‌ها
اسم مورد نظر درست شود، جمله کامل خواهد شد.

پیام: جوانمردی نیست، جز علی



حالا چه کسی می‌تواند عربی این جمله را بگوید من می‌نویسم شما هم تکرار
کنید. لا فتی الا علی لا سيف الا ذوالفقار

جوان مردی نیست جز علی و شمشیری نیست مگر ذوالفقار^(۱)

- ۱- حسن بن یوسف بن مطهر حلی: «کشف الیقین فی فضائل امیر المؤمنین»، ترجمه‌ی حمید رضا آزیز، فرهنگ و ارشاد اسلامی (مرتبی بجهه‌ها را دو گروه کنند و با اشاره‌ی دست او هر گروه کلمه‌ی مورد اشاره را پخواند).

نام درس

حسینعلی عرب انصاری

پدر مهربان**موضوع****تاریخ****هدف کلی**

دانشآموزان در این درس با قسمتی از اخلاق اجتماعی «مهربانی - پشتیبانی»
امام علی ع آشنا می‌شوند.

اهداف جزئی

دانشآموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند:

۱. پهترين الگو.

۲. علی ع الگوی کامل.

۳. مهدیانی پاکودکان.

۴. پشتیبانی از ستمدیدگان.

۵. یاور ستمدیده و دشمن ظالم.

هدف رفتاری (خروجی)

از دانشآموزان انتظار می‌رود در پایان درس بتوانند امام علی ع را به عنوان
الگوی کامل انتخاب و دو نمونه از اخلاق خوب آن حضرت را بیان کنند.

روش‌های مناسب تدریس

۱. توضیحی، ۲. فعل (پرسش و پاسخ، شعر، چدول، داستان)

رسانه‌های آموزشی

نحوه

میراث مدنی

بسم الله الرحمن الرحيم

- (۱) الگو تراز نقشه سرمشق مدل

بچه ها! به این کلمات دقت کنید. از این کلمات چه چیزی می فهمید؟ من چند کلمه‌ی دیگر هم می نویسم.

- خیاط بنا مهندس خطاط نقاش

چه کسی می تواند کلمات بالا را با توجه به کلماتی که در پایین نوشتم، به هم وصل کند.

بله! نقاش برای کشیدن شکل مورد نظر باید مدل داشته باشد. کسی که می خواهد خط یاد بگیرد، سرمشق می خواهد تا بهتر یاد بگیرد. مهندس ساختمان باید اول نقشه‌ی ساختمان را بکشد بعد با توجه به نقشه، ساختمان سازی کند و بنّا

۱- مربی از قبل در جای مناسب از تابلو، ده دایره با نوشته‌های آن رسم کند، آن گاه از دانش آموزی داوطلب بخواهد که با راهنمایی او، دایره‌ها را که به یکدیگر ارتباط دارند، به هم دیگر وصل کند.

هم باید از «شاقول» و «تراز» استفاده کند تا دیوارها چج نشود و بالاخره خیاط لباس را از روی الگو درست می‌کند. اما این همه دقت برای چیست؟ برای این که جلوی اشتباه، اسراف و.. گرفته شود و کار با دقت بیشتری انجام گیرد. چه خوب است که ما هم در زندگی (طریقه‌ی غذا خوردن، لباس پوشیدن و..) طبق الگو کار کنیم! چه کسانی الگوی ماهستند و ما خودمان را با آن‌ها می‌سنجدیم؟ بله! پیامبر و امامان معصوم ﷺ.

حضرت علی علیه السلام یکی از آن‌ها است. ما باید او را بشناسیم و در عمل از آن حضرت پیروی کنیم. دوستان من! در دعاها و زیارت‌هایی هم که در مورد امام علی علیه السلام می‌خوانیم، به این «سرمشق بودن» اشاره شده است. حالا من یک جمله‌ی کوتاه برای شما می‌خوانم. (۱)

«آسلامُ عَلَيْكَ يَا مِيزَانَ الْأَعْمَالِ» (۲)

«سلام بر تو که ترازوی سنجش اعمال هستی»

ما در کارهای خود از امام علی علیه السلام پیروی می‌کنیم، یکی از چیزهایی که باید از امام علی علیه السلام یاد بگیریم این است.

۹۱۱۱

این عدد را بخوانید، اما این اعداد یک کلمه است، چطوراً من یک خط زیر آن‌ها

۱- مربی روی تخته بتویسید و یک بار بخوانند تا بچه‌ها تکرار کنند. بعد با اشاره‌ی دست از آن‌ها بخواهد بخوائند.

۲- شیخ عباس قمی، مقاتیع الجنان، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۳۵۳.

می‌کشم. شما دقت کنید و ببیند چه کلمه‌ای می‌شود.^(۱)

اَللّٰهُ

بله! «اخلاق»، ما باید رفتار شایسته داشته باشیم و طریقه‌ی رفتار و برخورد شایسته با دوستان، پدر و مادر و مردم را از امام یاد بگیریم. اخلاق بد را هم از خودمان دور سازیم، مثل: دروغ، فحش، ستم و زور گفتن و... در این درس با دو نمونه از اخلاق شایسته‌ی امام علی علیه السلام که روی تخته رسم می‌نماییم آشنا می‌شویم:
اما چه کلمه‌هایی را باید که این «بان» قرار دهیم تا کلمات مورد نظر په دست بیاید.



یکی «پشتی» است و دیگری ماه اول فصل پاییز که «مهر» باشد. حالا این دور را با هم ترکیب کنید.

امام علی علیه السلام با همه‌ی مردم به خصوص بچه‌ها «مهریان» و خوش اخلاق بود. آن‌ها را دوست می‌داشتند و هر جا بچه‌ای می‌دید به او سلام می‌کرد. نقل است که روزی آن حضرت وضو گرفت و در حالی که چند دقیقه بیشتر تا اذان ظهر وقت باقی نبود، به طرف مسجد حرکت کرد. بین راه یکی از یاران که در همسایگی او سکونت داشت با امام علیه السلام همراه شد. آن دو از اولین کوچه که باریک و

۱- مربی خطی زیر عدد بکشد نقطه‌ها را بگذارد بعد خط‌های اضافی را پاک کند تا اخلاق به دست آید.

کمی طولانی بود، بیرون آمدند. سروصدای بچه‌ها که مشغول بازی بودند، به گوش می‌رسید. بچه‌ها در یکی از زمین‌های هموار و خلوت مشغول بازی بودند. امام علیؑ راهش را کج کرد و به طرف آن‌ها رفت. همسایه‌ی امام علیؑ پرسید: «مگر قرار نیست به مسجد برویم!؟»

امام علیؑ که داشت لباس خود را مرتب می‌کرد، دستی به شانه‌ی او زد و گفت: «می‌روم. منتهی اول باید بازی این‌ها را ببینم!»

بچه‌ها گرم بازی بودند. حضرت علیؑ از بچه‌ای که در گوش‌های نشسته بود، پرسید: «چرا شما بیکار نشسته‌اید؟»

او در همان حال که دست زیر صورت خود گذاشته بود و در فکر بود، گفت: «مرا بازی نمی‌دهند.»

امام علیؑ کنار او نشست. کودک سرش را بالا برد و تازه امام را شناخت. بچه‌های دیگر هم که متوجه حضور امام علیؑ شده بودند یکی یکی دست از بازی کشیدند و دور امام علیؑ حلقه زدند. امام علیؑ با مهریانی به همه سلام کرد. خسته نباشید گفت. آن‌ها خیلی خوشحال بودند و نمی‌دانستند چه بگویند. امام از آن‌ها پرسید: «چرا این دوست خود را در بازی شرکت نمی‌دهید؟»

کسی حرفی نزد. از چهره‌ها معلوم بود که پی به اشتباه خود برده‌اند. اما آن بچه با صدای بعض گرفته‌اش گفت: «به من می‌گویند تو فقیری چیزی نداری و...!»

امام علیؑ نگذاشت او حرفش را ادامه دهد. نگاهی به بچه‌ها انداخت و گفت: «نه بچه‌ها! با هم مهریان باشید، او هم دوست شماست.»

امام طیلّه که آثار پشمیانی را در چهره‌ی آن‌ها می‌دید، فرمود: «حالا که من به دیدن شما آمدم، شما هم قول می‌دهید دیگر از این کارها انجام ندهید؟»
همه قبول کردند و آن گاه همراه امام طیلّه به سوی مسجد حرکت کردند.

امام طیلّه همیشه به خانه‌ی دوستان، خویشان و فقیران می‌رفت و اولین کاری که هنگام ورود به خانه‌ی آن‌ها انجام می‌داد این بود که هدیه هایی را که همراه می‌برد بین بچه‌ها تقسیم می‌کرد و برخی از بچه‌ها را که خیلی کوچک بودند و نمی‌توانستند غذا بخورند بغل می‌گرفت و از غذا و نانی که آورده بود به دهان آن‌ها می‌گذاشت و بعد با آن‌ها بازی می‌کرد و صدای گوسفند برای آن‌ها در می‌آورد.^(۱)
حالا یک شعر برایتان می‌خوانم شما هم با من تکرار کنید.^(۲)

در آسمان قلبها	تو اولین ستاره‌ای
تو در جهان قلبها	جهان نبود، بوده‌ای
برای توتست یا علی	تمام تاروپود من
فдای توتست یا علی	سراسر وجود من
تو بندی خوب خدا	توبی امام مهریان
تو هستی الگوی تمام	ماییم همه یاران تو
	علی علی علی ^(۲)

صلوات

۱- محمدعلی خراسانی؛ «منتخب التواریخ»، انتشارات علمیه اسلامی، تهران، ص ۸۸۶.
۲- مریم شعرها را طبق سلیقه با آهنگ بخواند و بچه‌ها دو مرتبه «علی علی، علی علی» بگویند.

حالا می خواهیم دومین کلمه مورد نظر را به همراه «بان» به دست آوریم اگر کلمه «پشتی» را به «بان» اضافه کنیم چه کلمه‌ای به دست می آید؟ آفرین! کلمه «پشتیبان» امام از چه کسانی حمایت و «پشتیبانی» می کرد؟

از افرادی که مورد ستم واقع شده بودند و کسی را نداشتند تا به آن‌ها کمک کند. او بعد از پیامبر ﷺ، پناهگاه مطمئنی برای همه‌ی مردم گرفتار بود. به سؤالات آن‌ها پاسخ می داد و مشکلاتشان را حل می کرد. حالا به یک داستان در این باره گوش کنید: آماده‌اید!

آن روز گرما توان آدم را می گرفت. او که عرق پیشانی اش را با دستمال پاک می کرد از سایه‌ی درختان کنار خیابان به سوی بازار به راه افتاد. کسی در خیابان نبود و مغازه‌ها بسته بودند. مسیر خود را به طرف خیابانی و کوچه‌ای قرار داد که مغازه‌های بیشتری در آن جا بود. دستش را سایبان چشم قرار داده بود تا آفتاب او را اذیت نکند. در سایه‌ی یکی از درختان کوچک، کنار یک مغازه‌ای که درب آن بسته بود. دختری که بسته‌ای در کنار او روی زمین قرار داشت. دخترک که گویا ناراحت بود، سر به زیر انداخته بود و با خود فکر می کرد. او قدم هایش را آهسته‌تر کرد کنار او ایستاد و سلام کرد و گفت: چه شده، در این هوای گرم این جا چه می کنی، چرا از خانه بیرون آمدی؟

او که نمی دانست چه کسی با او سخن می گوید، بدون این که سر خود را بالا ببرد، گفت: خرما خریدم، دیگر نتوانست صحبت کند زد زیر گریه و چیزهایی گفت که معلوم نبود منظورش چیست.

امام نشست بسته‌ای را که کنار او بود برداشت و آن را زیرورو کرد و فرمود: چه شده، بگو ببینم! او که اشک هایش را پاک می‌کرد، گفت: «پدرم خرماها را قبول نکرد، من هم آمدم پس بدهم، ولی مغازه دار پس نمی‌گیرد.»

امام سرش را به طرف مغازه‌ها برگرداند و گفت: «از چه کسی خریدی، پاشو». آن گاه حضرت خودش خرماها را به دست گرفت و حرکت کرد. چند مغازه که رد شدند، دختر صدا زد از این آقا!

امام برگشت و به داخل مغازه نگاه کرد و سلام داد. آن گاه وارد مغازه‌ی خرما فروش شد و فرمود: «این بچه این خرماها را از شما خریده.. صاحب مغازه نگذاشت امام حرفش را ادامه دهد و گفت: «مگر چه شده؟»

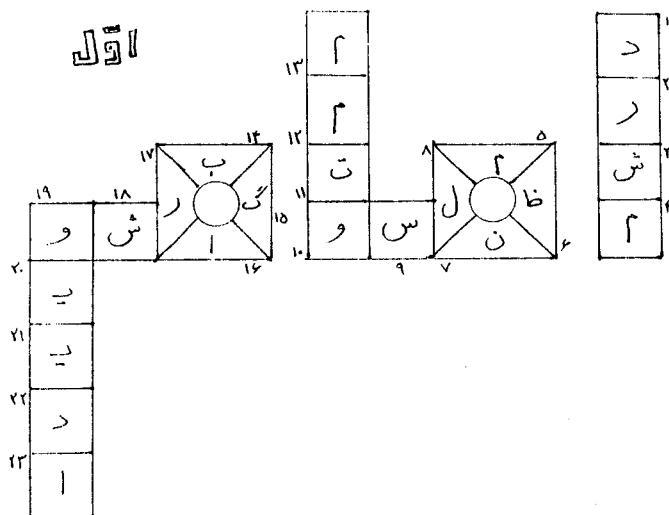
امام فرمود: «او اختیار ندارد، پدرش قبول نکرده است.»

غازه دار مغورو جلو آمد و امام را هُل داد و گفت: «به تو مربوط نیست!» در همان حال مغازه دار روبه رویی که می‌خواست به خانه برود، امام را شناخت، نزدیک آمد و گفت: «می‌دانی با چه کسی صحبت می‌کنی، او علی امیرالمؤمنین است!»

غازه دار مغورو که تازه امام را شناخته بود، رنگش پرید، معدرت خواهی کرد و خرماها را پس گرفت. امام هم فرمود: «به شرطی از تو راضی می‌شوم که با مردم اخلاق خوب داشته باشی!» دختر بچه هم که حالا لبخندی شیرین بر لب داشت و تازه فهمیده بود که یاری کننده‌ی او امام علی علی‌الله‌آله‌الراحمة‌الراحیم است، از او تشکر کرد و به سوی

خانه اش رفت.^(۱)

امام علی علیہ السلام در مورد کمک و «پشتیبانی» از ستمدیدگان سخن زیبایی دارد که من در جدول برای شما می‌آورم، البته اول باید به چند سوالی که می‌پرسم جواب دهید تا بتوانید جدول را پر کنید.^(۲)



سوالات

۱- نام سوره‌ای از قرآن و نام کشوری در قدیم: ﴿۱۰-۵﴾ (۱۷-۱۰-۵)

۲- اولین رکن در هد نماز:

۱- محمد باقر مجلسی: «بحار الانوار»، الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۴۱، ف ۴۸.

۲- مریبی بعد از پر کردن جدول کلمه‌ی اول را روی آن بنویسد تا امام اول مشخص شود و بعد از به دست آوردن پیام بگوید: امام اول فرمود:...

- ۳- یکی از قلنها که اگر پر عکس خوانده شود، کشته است
مس (۱۲-۹)
- ۴- به محصولی که با آپ پاران رشد کند، می گویند
دیم (۱-۲۰-۱۳)
- ۵- اولین چنگ پیامبر ﷺ با دشمنان که امام علی علیه السلام در آن چنگ شجاعت‌ها و
قداکاری‌های زیادی از خود نشان داد
بدر (۱۴-۲۲-۲)
- ۶- به وسیله‌ی آن می‌شنویم
گوش (۱۵-۱۹-۱۸)
- ۷- یکی از چهت‌های چهارگانه که نسیم آن معروف است
شمال (۳-۴-۱۶-۸)
حالا دفتر و مداد خود را حاضر کنید^(۱) دو دقیقه فرصت دارید تا پیام جدول را
حدس بزنید، من حرف «dal» را می‌نویسم شما دو خانه، دو خانه بشمارید و حروف
را کنار هم قرار دهید تا با تمامی ۲۳ حرف پیام درست شود.

امام اول فرمود:

«دشمن ستمگر و یار مظلوم باشید.»^(۲)

- ۱- مری خودش در خانه‌های ۶ و ۲۳ به ترتیب، ظ، الف بگذارد و کسی را که زودتر به پیام دست یافت تشویق کند و
دوبار طیب طیب الله احسنت بارک الله بگوید.
- ۲- «نهج البلاغه» ترجمه فیض الاسلام، ۱۳۶۵ش، تهران، نامه ۴۷، ص ۹۷۷
مری چند بار حدیث را بخواند تا بجهه‌ها تکرار و حفظ کنند. «کونوا لظالم خصم و لظلم عوناً»

نام درس

همسفر

موضوع

تاریخ

هدف کلی

دانشآموزان در این درس با گذشت، امام علی طیلبا آشنا می‌شوند.

اهداف جزئی

دانشآموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند:

۱. معنای احترام.

۲. احترام په همسفر و همسایه.

۳. ادب و سلام.

۴. پرده‌خواهی از آداب مسافرت.

۵. احترام امام علی طیلبا په همسفر و همسایه.

۶. پردازش در پردازش افراد ندان.

هدف رفتاری (خروجی)

از دانشآموزان انتظار می‌رود در پایان درس بتوانند نمونه‌ای از گذشت امام علی طیلبا فایده‌ی را بازگو و توصیه‌ی امام علی طیلبا در مورد مسافرت را بیان کنند.

روش‌های مناسب تدریس

۱. توضیحی ۲. فعل (پارسی با کلمات، راز دایره‌ها، شعر، پارسی با عدد، جمله سازی)

رسانه‌های آموزنی

تخته، کارت

همسفر

هر کاری را آغاز می‌کنیم با نام خدا پس همه با هم «بسم الله الرحمن الرحيم».»
سلام، سلام بچه‌ها!
چطوره حال شما؟
باشید همیشه خندان،
چون گل‌های گلستان.
حالا نوبت سؤال است ببینم می‌توانید به سؤالات من جواب بدھید یا نه. چند
سؤال می‌کنم تا موضوع درس امروزمان مشخص شود.

- ۱- پیست و هشتمن حرف القبای فارسی:
- ۲- حالا اگر یک حرف به اول آن اضافه کنیم به عربی «مادر» می‌شود:
- ۳- به اسپی که «چموش» نیست می‌گویند:
- ۴- به کارهایی که نباید انجام پذیریم می‌گویند:
- ۵- حاجی‌ها در مکه این لباس مخصوص را می‌پوشند و پسیاری از کارها پذیران ها حرام
حرام می‌شود:
- ۶- حالا پچه حرفی به این کلمه اضافه کنیم تا به معنای گرامی داشتن شود:
بله! «ت» که می‌شود «احترام»
«احترام» یعنی: «با رفتار و شایسته برخورد کردن و عزیز شمردن چیزی یا کسی»
خوب پچه‌ها! ما به چه کسانی پاید احترام پذیریم؟
معلم، پدر و مادر، همکلاسی، برادر و خواهر و..

پچونه به آن‌ها احترام پگذاریم؟

در سخن گفتن با معلم و پدر و مادر ادب داشته باشیم. حرف‌های زشت نزنیم و نامشان را با احترام ببریم، مثلاً بگوییم: «آقا معلم». وقتی جایی می‌خواهیم برویم، اگر در مدرسه هستیم از آقا معلم و اگر خانه هستیم از پدر و مادر «اجازه» بگیریم.

نشان دین سلام است

سلام عزت آرد

خوب بچه‌ها! بهترین کسانی که باید راه و رسم زندگی و ادب و احترام را از آن‌ها

یاد گرفت، چه کسانی هستند؟ پیامبر خدا حضرت محمد ﷺ

باید به احترام نام پیامبر صلوات بفرستیم.

جانشینان ایشان چند نفر می‌باشند؟
(۱)

یکی از این امامان معصوم ﷺ که می‌خواهیم در این درس احترام، ادب و گذشت را از ایشان یاد بگیریم امامی است که امسال هم به نام ایشان نام‌گذاری شد، بچه‌ها آن کدام امام است؟ من با همان عدد ۱۲ نام ایشان را برای شما می‌نویسم.^(۲)

۱۲

۱۳

حضرت علی ؓ بسیار مهربان بود. همیشه لبخند بر لبانش نقش می‌بست. به

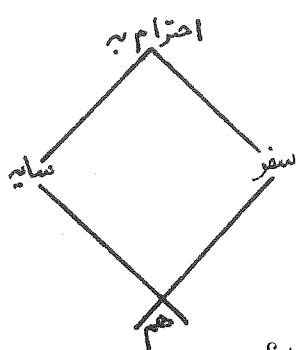
۱- مرتبی عدد «۱۲» را برابر تابلو رسم کند.

۲- مرتبی با یک خط شکسته عدد ۱۲ را تبدیل به نام علی ؓ می‌کند.

همه‌ی مردم به خصوص بچه‌ها احترام می‌گذاشت. با هر کس که برخورد می‌کرد، او اول سلام می‌داد و به همه، احترام می‌گذاشت.

حالا ما در این درس بادونمونه از رعایت ادب و احترام توسط ایشان در مقابل

افراد دیگر آشنا می‌شویم.



شما این دو کلمه را بخوانید؟

حالا اگر به اول دو کلمه «هم» را اضافه کنیم، چه می‌شود؟

بله! احترام به همسفر و همسایه

با شنیدن کلمه‌ی «سفر» همه‌ی شما به یاد مسافت افتادید. راستی تا به حال کجاها مسافت کرده‌اید؟ امسال تصمیم دارید کجا بروید؟! من هم می‌خواهم یکی از مسافت‌های امام علی علیه السلام را که در آن اتفاق جالبی افتاد برایتان نقل کنم. خوب گوش کنید.

تصمیم گرفته بودم در سپیده صبح حرکت کنم تا گرما در طول روز مرا اذیت نکند، لذا وقتی هوا هنوز تاریک بود به راه افتادم. تنها چیزی که مرا آزار می‌داد تنها بود و من مجبور بودم راه طولانی را بدون همسفر طی کنم. مقداری از راه را رفتم و همین طور مشغول تماشای اطراف بودم که در سیاهی و روشنی صبح مردی

را دیدم که کوله بار سنگینی بر دوش داشت و آرام در طول جاده به اندازه‌ی چند قدم جلوتر از من حرکت می‌کرد. قدم هایم را تندتر کردم تا خود را به او برسانم؛ اما او که گویا زودتر از من متوجه وجود شخصی در پشت سر خود شده بود، ایستاد تا من به او برسم. تشخیص چهره‌اش در تاریکی ابتدای صبح مشکل بود، بالحن گرم و صمیمانه و با رعایت احترام گفت: «به کدام سو می‌روی؟»

- به آن سوی کوفه،

- شما به کدام طرف می‌روید؟

- به سمت خود کوفه.

- به این ترتیب با هم همراه خواهیم بود.

اصحاحت مرد غریبیه چنان دلنشین بود که سخت و طولانی بودن راه را احساس نکردم و تنها وقتی به خود آمدم که از دوراهی شهر رد شده بودیم و مرد غریبیه هنوز همراه من بود. با تعجب پرسیدم: «مگر شما نمی‌خواستید به کوفه بروید؟»

- آری!

- پس چرا راه خود را کج کردید و همراه من آمدید؟

- این سفارش پیامبر ماست که فرمود: «هرگاه با کسی همسفر شدید بر یکدیگر حقی پیدا می‌کنید». تو نیز بر من حقی داری، می‌خواهم در مقداری از راه تو را بدرقه کنم و بعد به راه خود بروم.

با مشاهده‌ی این اخلاق زیبا و احترام فوق العاده در فکر فرو رفتم و این شگفتی وقتی زیادتر شد که در روشنی صبح توانستم چهره‌اش را تشخیص دهم؛ او علی

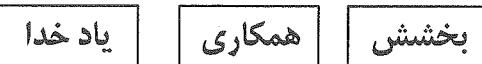
خليفه‌ی مسلمان بود. همراه همسفر خود به سمت کوفه رفت و به او گفت: «من هم به دين شما و پيامبرتان ايمان مي آورم.»

وقتی شهادتین را گفت، خورشيد را در بالاي آسمان دیدم که به من لبخند

مي زد.^(۱)

حالا که نام مسافرت پيش آمد سخنی از امام علی طیلا را برای شما نقل می کنم که

فرمود: در مسافرت سه چيز را فراموش نکنيد^(۲)



آنچه در سفر همراه داريد با ديگران مصرف کnid و مخالفت يكديگر نکnid و خدا را فراموش نکرde^(۳) نمازهاي خودتان را بخوانid که:^(۴)

نماز ستون دينه

هر کس نماز بخونه

خوب بچه‌ها! در مقابل همسایگان خود چه مواردی را باید رعایت کنیم؟

«کمک به يكديگر»، «شرکت در غم و شادي هم». ديگر چه...، به آنچه که در تابلو می نویسم توجه کnid تا به يك وظيفه‌ای که همسایگان و مسلمانان نسبت به هم دارند این است. و در مورد مریض به کار می رود آشنا شوید؛ آن وظیفه چیست؟

۱- محمد بن یعقوب بن اسحق: «أصول کافی»، ترجمه سید جواد مصطفوی، گلگشت، تهران، ۱۳۷۵ش، ج اول، ج ۴، ص ۴۹۵. (با اندکی تصرف).

۲- مریب سه تا کارت انتخاب کند و روی هر کدام کلمات مورد نظر را بنویسد و از بچه‌ها بخواهد این سه توصیه را بلند بخوانند.

۳- محمد باقر مجلسی: «حلیة المتقین»، انتشارات طاهری، تهران، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۲۹۱.

۴- مریب شعر را بخواند تا بچه‌ها تکرار کنند.

ی - ت - ی - ت - عیادت

امام علی علیه السلام به همسایگان خود احترام می‌گذاشت و اگر مریض می‌شدند از آن‌ها «عیادت» می‌کرد.

امام علی علیه السلام خبر دار شد یکی از همسایگان (که از دوستان ایشان بود) مریض شده است. همراه چند نفر دیگر به عیادت او رفت و از او دلجویی کرد. وقتی زندگی ساده‌ی او را دید فرمود: «به خدا از تو جز زندگی ساده و نیکو و یاری دادن مردم سراغ ندارم.» وقت خدا حافظی هم به او نصیحتی کرد و فرمود: «این که ما به احترام تو آمده‌ایم تو را مغورو نسازد که بر دیگران تکبر کنی که فلان کس به خانه‌ی من آمد.» امام علی علیه السلام در پایان این جمله را گفت:

انسان‌های	دوست	مغورو
ندارد	را	خداؤند

خوب بچه‌ها! چه کسی می‌تواند این سخن امام علی علیه السلام را که من پراکنده نوشت، کامل کند؟^(۱) خداوند انسان‌های مغورو را دوست ندارد.^(۲)

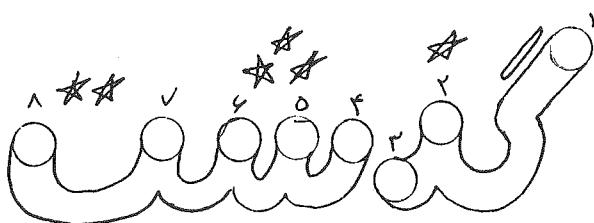
عده‌ای از افراد نادان از فروتنی امام علی علیه السلام سو استفاده می‌کردند و مرتکب

-۱- مریب روی تخته بنویسد و از بچه‌ها بخواهد جمله را درست کنند و هر کسی که زودتر جواب داد تشویق شود.
-۲- احمد بن این یعقوب: «تاریخ یعقوبی»، ترجمه‌ی محمد ابراهیم آیتی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۱ ش، ج ۶، ج ۲، ص ۱۱۹.

خطا می‌شدند. امام علی^{علیه السلام} با این که قدرت داشت از آن‌ها انتقام بگیرد و جوابشان را بدهد، ولی نسبت به بدی‌های آن‌ها (۱) بود و با مهربانی آن‌ها را از کارشان پشیمان می‌کرد.

روزی یکی از همین افراد نادان سخنان زشت به امام علی^{علیه السلام} گفته بود، برای کار مهمی نزد امام علی^{علیه السلام} آمد امام علی^{علیه السلام} بدون این که نادانی او را به رُخش بکشد، به او کمک کرد. یاران امام علی^{علیه السلام} با تعجب علت را پرسیدند. امام علی^{علیه السلام} فرمود: «شرم دارم از این که نادانی او بر بردباری من و خطایش بر عفو من و سوئالش بر بخشش من غلبه پیدا کند». لذا به او کمک کردم. (۲) اما امام علی^{علیه السلام} آن جا که پای دین در میان بود، دفاع می‌کرد و بردباری را جایز نمی‌دانست.

درس را با راز دایره‌ها که سخنی در همین مورد از امام علی^{علیه السلام} است، پایان می‌دهم.



۱- مربی کلمه بردبار را با کارت به بچه‌ها نشان دهد یا روی تخته بنویسد.

۲- محمد بن علی بن شهرآشوب مازندرانی: «مناقب آل ابی طالب»، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ج ۲، ص ۱۳۱.

من ۸ تا سؤال از شما می‌پرسم و پاسخ صحیح آن‌ها را به ترتیب در دایره‌ها قرار می‌دهم تا پیام به دست بیاید. بعد با دایره‌ها کلمه‌ی مورد نظر نوشته می‌شود.

(۱) نام فرشته‌ای که چنان مردم را می‌گیرد:

عزrael

۲- آن را به چای وضو یا غسل انجام می‌دهند:

تیمم

۳- محل خرید و فروش کالا:

بازار

۴- در اذان ۲ مرتبه و در اقامه (مرتبه پایید گفت:

لله الا الله

۵- تاره، آپ دار، خیس

تر

۶- دراز پی در

از

نیت

۷- اولین رکن نماز

ستون

۸- پیامبر اکرم ﷺ فرمود: نماز..... دین است^(۱)

اگر شما دو حرف اول و دوم از هر کلمه را کنار هم قرار دهید، چه جمله‌ای به دست می‌آید. احسنت! حالا من آن را روی تخته می‌نویسم.

عزتی بالاتر از..... نیست.^(۲) به نظر شما چه کلمه‌ای باید به کمک دایره‌ها در

نقطه چین نوشت.^(۳)

۱- محمد محمدی ری شهری: «میزان الحکمة»، دارالحدیث قم، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ج ۲، ص ۱۶۲۸، ح ۱۰۵۵۰: «الصلوة عباد الدين»

۲- محمد محمدی ری شهری: «میزان الحکمه»، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۶۲ش، ج اول، ج ۲، ص ۵۱۳.

۳- در صورتی که دانش آموزان نتوانستند کلمه مورد نظر را حدس بزنند سربی خودش دایره‌ها را به هم متصل می‌کند آن‌گاه دایره‌ها را به صورت کلمه‌ی گذشت در می‌آورد.

نام درس

قهرمان همیشه پیروز

موضوع

تاریخ

هدف کلی

دانش آموزان در این درس با ورزش امام علی طیلہ آشنا می شوند.

اهداف جزئی

دانش آموزان در این درس با موارد زیر آشنا می شوند:

۱. سلامتی، حاصل و رژیم.

۲. امام علی طیلہ و کشتی.

۳. علی طیلہ و تندرسی.

۴. تندرسی پهپدین نعمت.

هدف رفتاری (خروجی)

از دانش آموزان انتظار می رود در پایان درس بتوانند هدف از ورزش را بیان و دو

نمونه از ورزش امام علی طیلہ را ذکر کنند.

روش های مناسب تدریس

۱. توضیحی، ۲. فعال (پاری پا کلمات، شعر، پاری با عدد، چدول، کلمه ساری، مسابقه)

رسانه های آموزشی

تعّثه، کارت

تعمیرات همراه با میز

بسم الله الرحمن الرحيم

من یک شماره می نویسم تا موضوع درس امروز معلوم شود. ۱۳۱۱۹

این شماره رمز یکی از راههای سلامتی است.^(۱)

۸۰
۱۳۱۱۹

آیا برای ورزش آماده‌اید، حالا همه بلند شوید، دست‌ها را بالا بیاورید. دست‌ها را به اطراف بکشید. دست‌ها را پایین بیاورید و روی پا قرار دهید. همه در حال حرکت با شماره‌ی یک بشینید و با شماره‌ی دو بلند شوید...

دین اسلام برای ورزش و پرورش جسم اهمیت ویژه‌ای قایل شده است، چون انسانی که ورزش کند سالم‌تر است و بهتر می‌تواند تکالیف خود را انجام دهد. پیامبر خدا ﷺ ضمن تشویق ورزشکاران، خود در برخی از مسابقات شرکت می‌کرد و به

۱- مربی یک خط زیر عدها بکشد و نقطه گذاری کند. آن گاه خط‌های زاید را حذف کند تا کلمه‌ی ورزش درست شود.

پیروانش هم توصیه می کرد^(۱) تا «تیراندازی»، «شنا» را یاد بگیرند، تیراندازی برای دفاع از اسلام و شنا برای نجات انسانها است.

یکی از امامانی که امروز می خواهیم با ورزش او آشناسویم، امام علی طیلله است.

خوب پچه‌ها! کدام ورزش په عنوان ورزش رسمی کشور ما مطرح است؟ کشتی

کشتی یکی از ورزش‌های خوب است که در زمان پیامبران و امامان هم انجام می‌شد و آن‌ها هم به این رشته‌ی ورزشی علاقه داشتند، یکی از آن قهرمانان و پهلوانان کشتی، امام علی طیلله است و من قصه‌ی زیبایی را در همین مورد برای شما نقل می‌کنم. آماده‌اید این قصه را بشنوید؟

عصر جمعه است و هوا نسبتاً خنک. جمعیت زیادی از قبیله‌های مختلف در اطراف میدانی وسیع در کنار شهر مگه تجمع کرده‌اند و کشتی گیران جوان خود را تشویق می‌کنند. کشتی گیران در حد گروه سنی کودکان و نوجوانان جای گرفته‌اند. داوری مسابقه بر عهده‌ی ابوطالب است و علی کم سن و سال ترین شرکت‌کننده در میان آن‌هاست. حالا علی با اشاره‌ی ابوطالب به وسط میدان می‌آید^(۲) و آستین‌های خود را تا آرنج بالا می‌زند. بازوهای پهلوانی او همه را به یاد قهرمانان بزرگ می‌اندازد. اولین حریفش چهار پنج سال از او بزرگ‌تر است. با اشاره‌ی دست

۱- اگر کلاس مخصوص خواهان بود و مریبی نیز خواه بود این کار انجام شود و مریبی می‌تواند برای پسران چند دقیقه تمریناتی مختصر داشته باشد و برای هیجان می‌تواند به بچه‌ها بگوید دست راست بالا و خودش دست چپ را بالا بگیرد.

۲- مریبی به بچه‌ها بگوید هر جا در طول داستان پیروزی علی طیلله را شنیدید همه سه مرتبه بلند بگویید: «یا علی مدد».

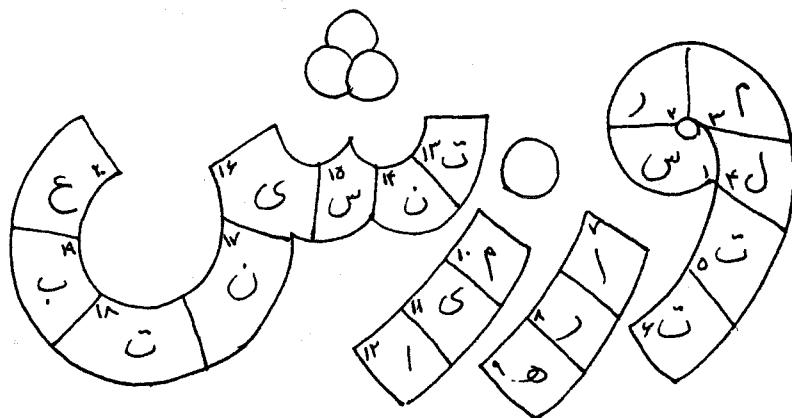
ابوطالب مسابقه شروع می‌شود دو کشتی گیر یقه و آستین یکدیگر را می‌گیرند و به سوی خود می‌کشند. در اولین ثانیه‌های مسابقه علی حریف خود را از زمین می‌کند و در حالی که یک دور کامل به دور خود می‌چرخاند او را در آسمان پرواز می‌دهد و با پشت بر زمین می‌کوبد. صدای تشویق فضای را پر می‌کند و ابوطالب دستش را بالا می‌برد و با صدای بلند اعلام می‌کند علی پیروز شد.

حریف بعدی علی یکی از پسرعموهایش است که او هم چهار سال از علی طیلا
بزرگ‌تر است. با شروع مسابقه علی یقه‌ی او را در اختیار می‌گیرد و به سوی خود می‌کشد و به راحتی او را با صورت به زمین می‌اندازد. ابوطالب به سرعت دست او را بالا می‌برد و می‌گوید: «علی پیروز شد.»

حالا سومین حریف علی، یعنی برادرش جعفر که ده سال از او بزرگ‌تر است و قدی بلند ویدنی قوی دارد پا به میدان می‌گذارد. با شروع مسابقه هر دو با یک دست کمریند پارچه‌ای و با دست دیگر شانه‌ی دیگری را در اختیار می‌گیرند و به سوی خود می‌کشند لحظه‌ای بعد جعفر بر روی سر علی دست و پا می‌زند. علی یک دور در اطراف او را می‌چرخاند و به آهستگی پایین می‌آورد و پشتیش را با خاک آشنا می‌کند. باز ابوطالب دست علی را بلند می‌کند و می‌گوید: «علی پیروز شد.» جعفر بر می‌خیزد. لباس خود را می‌تکاند و از زمین خارج می‌شود، اما علی همچنان در میانه‌ی میدان در انتظار حریف بعدی است. وقتی علی دهمین حریف خود را که مردی نیرومند و صاحب نام در کشتی بود از زمین می‌کند و بر سر دست می‌گیرد، صدای شادی و هلله در آخرین کونجه‌های مکه نیز به گوش می‌رسد و

هنگامی که حریف وی با پشت نقش بزمین می‌شود سروصدای مردم که آفرین و احسنت می‌گویند بلند می‌شود و باز دست ابوطالب به نشانه‌ی پیروزی علی بالا می‌رود. و با صدای رسا اعلام می‌کند که «علی باز هم پیروز شد.» او از همه سر است. شکست نمی‌خورد و قهرمانی است همیشه پیروز. آن گاه پیش می‌آید و پیشانی علی را می‌بوسد و علی از میدان کشته بیرون می‌آید.^(۱) درباره‌ی ورزش دو بیت شعر می‌خوانم شما هم تکرار کنید.^(۲)

خدایت را بنده باش	به فکر آینده باش
دشمن تنبی باش	ورزش بکن قوی باش



۱- محمد باقر مجلسی: «بحار الانوار»، داراحبای التراث العربي، بيروت، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۲۷۵ (بالذک تصرف).

۲- مری از بچه‌ها بخواهد چند بار با هم تکرار کنند و خود در همین وقت که بچه‌ها شعرها را می‌خوانند، مشغول کشیدن جدول شود.

حالا چند سؤال از شما می‌کنم تا خانه‌های این طرح را پر و پیامی از آن به دست آوریم که سخنی از امام علی ظیله است.

۱- یک دسته ورزشکار که در یک رشته‌ی ورزشی فعالیت می‌کنند:

تیم (۶-۱۱-۳)

۲- از اقسام ورزش که با توپ کوچک و راکت انجام می‌شود:

تنیس (۱۳-۱۴-۱۱-۱)

۳- نام دیگر ورزش زورخانه‌ای: باستانی (۱۶-۱۷-۱۲-۱۸-۱۵-۱۰-۱۹-۷)

۴- خشک نیست: تر (۵-۲)

۵- حرف بیست و یکم از حروف الفبای فارسی

۶- ماه پاژ شدن مدارس: مهر (۱۰-۹-۸)

حالا که خانه‌های کلمه «ورزش» را پر کردیم من حرف اول آن را که «س» است می‌نویسم. شما دو دقیقه فرصت دارید خانه‌ها را سه در میان بشمارید و حرف سوم را کنار هم بگذارید تا سخنی زیبا از امام علی ظیله را به دست آوردید.

«سلامتی برترین نعمت‌ها است.»^(۱)

که عربی آن چنین است: «الصَّحةُ أَفْضَلُ النِّعَمِ»

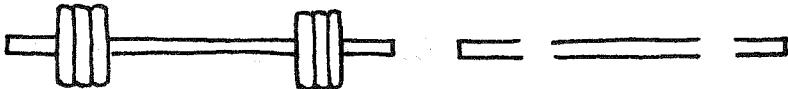
گفتیم یکی از راه‌های سلامتی «ورزش» است.^(۲)

ورزش دیگری که در قدیم هم انجام می‌شده است نام ببرید؟ به این شکل نگاه

۱- عبد الواحد الأملدی: «غیر الحكم»، موسسه الاعلمى للمطبوعات، بيروت، ۱۴۰۷ق.ج.۱، ج.۱، ص ۵۱

۲- مربی به جدول اشاره کند.

کنید آیا نام آن را می‌توانید بگویید؟ (۱)



آن زمان وزنه برداری به شکل امروزی نبود، بلکه وزنه‌های سنگین و سنگ‌های بزرگ را برابر می‌داشتند و این گونه قدرت و نیرومندی خود را امتحان می‌کردند. یکی از این جوانمردان که قدرت بدنی بسیار بالایی داشت امام علی علیه السلام است. در بسیاری از وقت‌ها او وزنه‌ای را برابر می‌داشت که چند مرد نیرومند قادر به حرکت دادن آن نبودند. به داستانی در این باره گوش کنید.

خیلی به خودش مغروف بود و در همه جا ادعا می‌کرد که می‌تواند سنگ‌های بزرگ را بردارد. تا این که روزی برای تفریح با دوست خود به بیرون رفته بود، آن شخص باز هم از قوت بازوی خود صحبت کرد. امام علی علیه السلام که با چند نفر از یاران خود از آن جا می‌گذشت، وقتی او را شناخت. دستش را به زیر سنگی که در آن نزدیکی، روی بلندی بود، برد و آن را بلند کرد و جلوی آن شخص مغروف گذاشت. او گفت: «من هم این کار را می‌کردم این که مهم نیست!»

امام علی علیه السلام که عرق پیشانی اش را با دست پاک می‌کرد به او نگاهی کرد و گفت: «اگر می‌توانی آن را به جایش برگردان.»

مرد مغروف از جای برخاست. آستین هایش را بالا زد و دست هایش را زیر سنگ

۱- مربی در دو مرحله انجام دهد و طرح را تکمیل کند.

قلاب کرد، اما هر چه کرد سنگ تکان نخورد. مرد لحظه‌ای ایستاد. نگاهی به سنگ و نگاهی به چهره‌ی حیران دوست و تماشچیان کرد دوباره دست زیر سنگ برد، اما گویا سنگ به زمین چسبیده بود. امام طیلله که ناتوانی او را می‌دید، فرمود: می‌توانید از دوستان خود کمک بگیرید. او که از خجالت نمی‌توانست حرفی بزند، مادرت خواست و رفت. آن گاه چند نفر دیگر آمدند ولی باز نتوانستند سنگ را بلند کنند. مولا علی طیلله خود نام خدا را برزیان جاری کرد و دست به زیر سنگ برد و به راحتی آن را در جای خود قرار داد.^(۱)

خوب، بچه‌ها! خسته که نشدید؟ نه کسی که ورزش کند خسته نمی‌شود به من بگویید چه دعایی را شب جمعه می‌خوانیم؟ بله! دعای کمیل، حالا در پایان درس همه دست‌های خود را به نشانه‌ی دعا بالانگه‌دارید تا من جلمه‌ای از این دعا برای شما بخوانم که همه‌ی قهرمانان آن را می‌خوانند.^(۲)

الهی قوّ علی خدمتک جوارحی

خدایا! اعضای بدنم را در راه خدمت به خودت نیرومندگردان.

۱- محمد باقر مجلسی؛ پیشین، (بالاندکی تصرف)

۲- مری می‌تواند طبق سلیقه‌ی خود این دعا را با آهنگ بخواند. پیشنهاد می‌شود مری روی تخته بنویسد و یک بار از بچه‌ها بخواهد تکرار کنند. برای بار دوم بچه‌ها را دو گروه کند تا گروه اول بگویند «قوعلی» گروه بعدی «خدمتک» را بگوید. آن گاه گروه اول «جوارحی» را تکرار کنند تا فضای معنوی بیشتری در کلاس برقرار شود و از بچه‌ها خواسته شود این جمله را حفظ کنند.

گلواژه‌های علوی

Editha

﴿امام شناسی﴾: آنَا يَعْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ ؟ مِنْ يَسِّرِي مُؤْمِنٌ هُوَ. ^۱

﴿امر به معروف﴾: أَصْلِحْ مُسْئِلَةً بِحُسْنِ فِعَالِكَ ؛ گناهکار را با زیبایی رفتارت اصلاح نما. ^۲

﴿بهشت﴾: الْجَنَّةُ جَزَاءُ الْمُطْبِعِ؛ بهشت، پاداش اطاعت کننده است. ^۳

﴿پاکدامنی﴾: زَكَاهُ الْجَمَالِ الْعَفَافُ، پاکدامنی، زکات زیبایی است. ^۴

﴿پایداری﴾: الْإِسْتِقَامَةُ سَلَامَةٌ؛ پایداری سلامتی (از تباہی های دنیا و آخرت) است. ^۵

﴿پدر و مادر﴾: بِرُّ الْوَالِدِينَ أَكْبُرُ فَرِيقَةٍ؛ نیکی به پدر و مادر، بزرگترین واجب است. ^۶

﴿پرهیزکاری﴾: الْوَرَعُ إِحْتِنَابُ؛ پرهیزکاری به دور شدن (از گناه) است. ^۷

﴿پوزش خواهی﴾: الْمَعْذِرَةُ بُرْهَانُ الْعُقْلِ؛ پوزش خواهی نشانه دانایی است. ^۸

﴿پیامبرشناسی﴾: بَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّدًا شَهِيدًا وَبَشِيرًا وَنَذِيرًا؛ خداوند پیامبر اکرم را به عنوان شاهد و بشارت دهنده و هشدار دهنده مبعوث نمود. ^۹

.۲- شرح غرر الحكم آمدی، ج ۲، ص ۱۸۲.

.۱- نهج البلاغه، کلمات قصار، ۳۱۶.

.۳- همان، ج ۱، ص ۱۱۴.

.۲- همان، ج ۱، ص ۱۰۵.

.۴- همان، ج ۱، ص ۲۵۹.

.۵- همان، ج ۱، ص ۶۴.

.۶- همان، ج ۱، ص ۱۳۳.

.۷- همان، ج ۱، ص ۳۲.

.۸- همان، ج ۱، ص ۱۰۵.

.۹- نهج البلاغه، خطبه ۱۰۵.

﴿پیروی از رهبری﴾: مَنْ أطاعَ إِمَامَهُ فَقَدْ أطاعَ رَبَّهُ؛ کسی که از امام خود پیروی کند، از خداوند اطاعت کرده است.^۱

﴿پیوند با خویشان﴾: صَلَةُ الرَّجُمِ مِنْ أَخْسَنِ الشَّيْءِ؛ پیوند با خویشان از نیکوترين خصلت هاست.^۲

﴿تنبلی﴾: آفَةُ النُّجُحِ الْكَسْلُ؛ سستی، آفت رستگاری است.^۳

﴿جهاد﴾: الْجِهَادُ عِمَادُ الدِّينِ وَ مِنْهَاجُ السُّعْدَاءِ؛ جهاد ستون دین و راه روشن خوش بخت هاست.^۴

﴿خداشناسی﴾: أَوَّلُ الدِّينِ مَغْرِفَتُهُ؛ سرآغاز دین، شناخت خداوند است.^۵

﴿خودشناسی﴾: مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ عَرَفَ رَبَّهُ؛ هر کس خود را بشناسد، پروردگارش را شناخته است.^۶

﴿خوشرفتاری﴾: حُسْنُ الْخُلُقِ رَأْسُ كُلِّ بِرٍّ؛ خوش رفتاری سرآغاز هر خوبی است.^۷

﴿دانش﴾: أَطْلِبُوا الْعِلْمَ تُرْشَدُوا؛ دانش بجویید تا راه راست را بیابید.^۸

﴿دشنام﴾: مَا أَفْحَشَ كَرِيمُ قَطُّ؛ شرافتمند هرگز فحش و ناسزا نمی‌گوید.^۹

﴿دعا﴾: سِلَاحُ الْمُؤْمِنِ الدَّعَاءُ؛ دعا، اسلحهی مؤمن است.^{۱۰}

﴿دوخ﴾: وَارِدُ النَّارِ مُؤَيَّدُ الشَّفَاعَةِ؛ وارد شونده جهنم، بدخت همیشگی است.^{۱۱}

۱- شرح غرالحكم آمدی، ج ۵، ص ۳۵۲.

۲- همان، ج ۴، ص ۲۰۶.

۳- همان، ج ۳، ص ۱۱۲.

۴- شرح غرالحكم آمدی، خطبه ۱، ص ۲۲.

۵- نهج البلاغه، خطبه ۳، ص ۱۱۲.

۶- همان، ج ۲، ص ۲۳۹.

۷- همان، ج ۶، ص ۳۹۳.

۸- همان، ج ۴، ص ۵۴.

۹- همان، ج ۶، ص ۱۲۹.

۱۰- همان، ج ۶، ص ۲۳۸.

۱۱- همان، ج ۴، ص ۳۵۴.

۱۲- شرح غرالحكم آمدی، ج ۵، ص ۱۹۴.

۱۳- همان، ج ۲، ص ۲۳۹.

۱۴- همان، ج ۴، ص ۱۲۹.

﴿دُوْسَت﴾: خَلِيلُ الْعَزِيزِ دَلِيلٌ عَلَى عَقْلِهِ؛ دوست انسان، نشان دهندهی عقل اوست.^۱

﴿رَاسْتَگُويِ﴾: أَحْدُقْ تُثِيْجْ؛ راست بگو تارستگار شوی.^۲

﴿رَوْزَه﴾: زَكَاةُ الْبَدَنِ الصَّيَامُ؛ روزه، زکات بدن است.^۳

﴿سَپَاسَ گَزَارِي﴾: أَشْكُرْ مَنْ أَنْعَمَ عَلَيْكَ؛ از کسی که به تو خوبی کرده است، تشکر کن.^۴

﴿عِبَادَت﴾: الْعِبَادَةُ فُؤْزْ؛ بتندگی (عبادت خداوند) رستگاری است.^۵

﴿غَيْبَت﴾: الْغَيْبَهُ جُهْدُ الْغَاجِزِ؛ غیبت آخرین تلاش فرمایه است.^۶

﴿فَرْصَت﴾: إِضَاعَهُ الْفَرْصَهُ غُصَّهُ؛ از دست دادن فرصت‌ها، غم انگیز است.^۷

﴿فَرْوَتَنِي﴾: الْتَّوَاضُعُ ثَمَرَهُ الْعِلْمِ؛ فروتنی، نتیجه‌ی دانش است.^۸

﴿قَرْآن﴾: تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ قَائِمَهُ رَبِيعُ الْقُلُوبِ؛ قرآن را بیاموزید که بهار دل هاست.^۹

﴿کَار﴾: عَلَيْكَ بِالسَّعْيِ؛ بر تو باد به سعی و کوشش.^{۱۰}

﴿گَناه﴾: آفَهُ الطَّاعَهُ الْعَصِيَانُ؛ گناه، آفت طاعت و فرمان برداری است.^{۱۱}

﴿مَشُورَت﴾: إِذَا عَزَمْتَ فَأَشْتَهِرْ؛ هر گاه قصد انجم (کاری) داشتی، مشورت کن.^{۱۲}

﴿مَهْرَبَانِ﴾: أُرْفُقْ تُوْقِقْ؛ مهربانی کن تا در کارهایت موفق شوی.^{۱۳}

﴿مُؤْمِن﴾: الْمُؤْمِنُ كَيْسُ عَاقِلُ؛ مؤمن زیرک داناست.^{۱۴}

۱- شرح غرر الحكم آمدی، ج ۲، ص ۱۷۱.

۲- همان، ج ۲، ص ۴۶۱.

۳- نهج البلاغه، حکمت ۱۳۱.

۴- شرح غرر الحكم آمدی، ج ۲، ص ۲۱۶.

۵- همان، ج ۱، ص ۲۶۸.

۶- همان، ج ۱، ص ۲۵.

۷- همان، ج ۱، ص ۸۱.

۷- همان، ج ۱، ص ۲۷۲.

۸- همان، ج ۱، ص ۲۹۸.

۸- همان، ج ۳، ص ۳۰۳.

۹- همان، ج ۴، ص ۱۰.

۹- همان، ج ۳، ص ۹۸.

۱۰- همان، ج ۳، ص ۱۱۶.

۱۱- همان، ج ۳، ص ۱۱۶.

۱۱- همان، ج ۱، ص ۱۸۷.

۱۲- همان، ج ۲، ص ۱۶۹.

﴿نماز﴾: الَّصْلَوةُ تَسْتَرِيلُ الرَّحْمَةَ؛ نماز، رحمت را فرود می‌آورد.^۱

﴿نیکو کاری﴾: رَأْسُ الْإِيمَانِ إِلَّا إِلَحْسَانُ إِلَيِ النَّاسِ؛ نیچه‌ی ایمان، نیکی به مردم است.^۲

﴿همت﴾: قَدْرُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ؛ ارزش انسان به اندازه‌ی همت اوست.^۳

﴿همشین﴾: جَلِيسُ الْخَيْرِ نِعْمَةٌ؛ همشین خوب، نعمت است.^۴

﴿یاد خدا﴾: ذِكْرُ اللَّهِ مَطْرَدُ الشَّيْطَانِ؛ یاد خدا، دور کننده‌ی شیطان است.^۵

﴿یاری و کمک﴾: كَمَا تُعِينُ تُعَانِ؛ همان طور که یاری کنی، یاری می‌شوی.^۶

۱- همان، ج ۲، ص ۱۶۶.

۲- همان، ج ۴، ص ۵۰۰.

۳- همان، ج ۴، ص ۲۵۶.

۴- همان، ج ۴، ص ۶۲۳.

۵- همان، ج ۴، ص ۵۲.

۶- همان، ج ۳، ص ۲۵۶.